

# چراغ

C H E R A G H



حقوق همجنسگرایان  
حقوق بشر است.

Dana International  
Gay rights are human rights



دهمین  
پیش شماره ماهانه  
دی ماه ۱۳۸۴

WWW.CHERAGH.PGLO.ORG



## تقدیم به شما

پیام سردبیر	۲
همجنس گرایی در دیگر کشورها	۳
همجنس گرایی در گذر ادبیات فارسی	۳
بیانیه سازمان به مناسبت روز جهانی حقوق بشر	۵
وضعیت بغرنج ترنسجندهای ایرانی	۶
عشق دو همجنس	۷
همجنسگرا بودن یا نبودن، مسئله این است	۸
دکرجنسگونه های ایرانی	۱۰
دو کلمه حرف حساب	۱۱
تولد نشریه دیگر از همجنسگرایان	۱۲
برگی دیگر از زندگی همجنسگرایان	۱۳
باز هم گلایه از لزیبن ها	۱۵
نامه ای به نماینده کانادا در سازمان ملل	۱۶
یک حادثه شوم برای یک ترنسجندر	۱۷
نشست اپلگا در استانبول	۱۸
از رنجی که می بریم	۲۰
سیاست ها و راهبردهای فعالیت همجنسگرایان	۲۲
روز جهانی حقوق بشر	۲۳
جنبش همجنسگرایان جنبشی اجتماعی یا سیاسی	۲۴
برای آیندگان	۲۶
ایران و اتحادیه اروپا	۲۷
داستان زندگی من ۲	۲۸
ملاک تعریف لواط و اصول معاینه آن	۳۱
قانونی شدن خودکشی	۳۴
روز جهانی اید در تهران	۳۶
نامه ای از پارلمان هلند به سازمان	۳۷
آندره جید	۳۷
پنگوئن های عاشق	۳۹
رابطه دختر و پسر از نگاه همجنسگرا	۴۰
ساخت یک فیلم در هلند	۴۱
تحول ازدواج در بریتانیا	۴۲
تازه های خواندنی	۴۳
اطلاعیه ها	۴۹
نظرخواهی	۵۳
پیام با شما	۵۴

## بر خود سخت مگیر

گاه بسیار آشفته ایم و سر در گم ،  
 کوبی کوهی از کارها در برابر ماست ،  
 و گره های بسیار که باید گشود ،  
 و زمان کافی برای این همه فراهم نیست.  
 کوبی که فراموش می کنیم که هر روز معجزه  
 زیبایی است سرشار از عشق و شادی.  
 مجبور نیستی تمام گره ها را یک روزه بکشایی و  
 تمام هدف ها را یکباره نشانه روی.  
 امروز همان کن که می توانی ،  
 و باقی را گو که فردایی هست.  
 برای آسایش خود ، بودن با دوستان و عزیزان ،  
 بازی و تفریح و نشستن در زیر آفتاب ،  
 وقتی را برگزین.  
 بر خود سخت نگیر تا ببینی که سختی ها چگونه  
 آسانتر می شوند و چگونه می توانی کارهای  
 بیشتری را پیش ببری.  
 و نیز دریابی که زندگی اینگونه با آرامشی بیشتر  
 می گذرد.  
 و روزها شادمانه تر به شب می رسند و تو خود  
 سرزنده تری و راضی تر.

CHERAGH MAGAZINE  
 Cultural – Social

Sponsor: PGLO

Editor: Payam SHIRAZI

Editor: Nima

Cover Designer: Amir Hosein

10th Pre-Issue: January 2006

Web Site:

[www.cheragh.pglo.org](http://www.cheragh.pglo.org)

E-mail:

[editor@pglo.org](mailto:editor@pglo.org)

نشریه ی فرهنگی اجتماعی چراغ  
 صاحب امتیاز: سازمان PGLO

سردبیر: پیام شیرازی

ویراستار: نیما

طراح روی جلد: امیر حسین

دهمین پیش شماره: دی ماه ۸۴

آدرس وب سایت:

پست الکترونیکی:

استفاده از مطالب این نشریه با ذکر منبع آزاد است

## پیام سردبیر

### پیام شیرازی

روزی شیخی در مسجدی نماز می خواند و ثواب خدا را از طریق وعظ ملت می برد که باران درگرفت و همه از مسجد گریختند و به کوه پناه بردند. شیخ که خود را نوح پیامبر پنداشته بود به بالای گلدسته پناه برد و ملت را به طعنه گفت: خداوند من به هر نحو که شده مرا کمک خواهد کرد.

مدتی گذشت و باران شدت گرفت. مردم شیخ دوست برای نجاتش جمع شدند اما او همچنان به ترک روی خود ابرام داشت و می گفت شما در اشتباهید و مرا خدا نجات خواهد داد. گذشت تا اینکه آب بالا گرفت. گروهی با قایق در حین جمع آوری وسایل شیخ را گفتند بیا تا کمکت کنیم اما باز اصرار کرد و گفت شما را کجا که برای شیخی گرانقدر چون من تکلیف تعیین کنید. خداوند مرا برای امت صغیر و بی سوادى چون شما فرستاده است و هم او مرا نجات خواهد داد. شما بیابید که نجات اینجاست، من اینم که هستم. آب به شدت بالا گرفت و سیل به بالای گلدسته های مسجد رسید.

مردم از دور هلاک شیخشان را می دیدند و منتظر معجزه ای که شیخشان را نجات دهد اما آب بالا و بالاتر می آمد. چندتن از دل دادگان و مریدان شیخ جمع شدند و دوباره به یاری او شتافتند و گفتند برای کمک به تو آمده ایم بیا تا برویم. شیخ هم پشت برویی نازک کرد و بادی به غبغه انداخت که خیرا خداوند من، مرا و این مسجدی را که من برپا کرده ام که همانا خانه ی خودش است را نجات خواهد داد. من ایمان دارم، شما بروید.

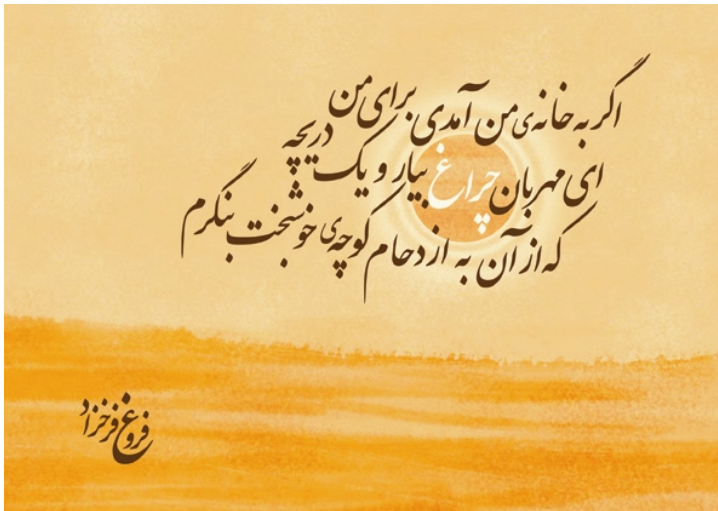
در همان حال ندایی از ملکوت رسید که ای شیخ نادان این یاری ها که عبث پنداشتی از روی تصادف و یا از سر خود به سوی تو نیامده بودند آن همه را من فرستاده بودم. من به کمک تو قسم خورده بودم و سه بار انجام دادم. حال که پیشوایی ملتمان را شیخی نادان به عهده دارد پس نیکوتر آن که از میان روی تا ملت به عقل رسند و از میان خود شیخی نو برگزینند.

جامعه ی همجنسگرای ایرانی به مثابه ی شیخ به مناره گریخته است که از دریافت هرگونه کمکی دریغ

می کند. سبب آن شاید عدم اجماع آن بر استفاده ی بهینه از امکانات موجود است.

واقعیت این طنز نه تنها بر کل جامعه که بر تک تک ما همجنسگرایان نیز منطبق است و راهگشای آن کنار زدن بخت ناامیدی، بهانه جویی و آشفتگی و درمقابل آن همدل و هم هدف تر شدن و کنار گذاشتن سو تفاهم های شخصی است برای رسیدن به هدفی والا که همانا آزادی هم احساسانمان در میهنمان است.

به آن امید چشم انتظاریم



**فرا رسیدن تولد عیسی مسیح و سال جدید میلادی را به تمام هم میهنان مسیحی و جهانیان شاد باش می گوئیم و سالی سرشار از نیکی ها را از پروردگار خواستاریم.**

## همجنس گرایی در دیگر کشورها

امین - کانادا

### ابوظبی

پلیس امارات متحده عربی، ۲۶ مرد را به جرم شرکت در یک مراسم عروسی گی ها بازداشت کرد. روزنامه خلیج در تاریخ ۲۸ نوامبر نوشت ۲۶ مرد در باغی که معمولا برای مراسم عروسی تهیه می شده بصورت تزئین شده شرکت کرده بودند که تعدادی از آن ها در لباس های عروس و داماد آماده بودند. این افراد به شلاق و تا ۵ سال زندان محکوم شده اند.

این در حالی است که وزارت کشور امارات اعلام کرد که پلیس تنها ۲۲ نفر را در یک هتل در مجلس عروسی بازداشت کرده است. ایسام عضوری (Issam Azouri) سخنگوی وزارت کشور به خبرنگار اسپوشیتدپرس گفت که احتمالا این افراد در دادگاه اسلامی به جرم لواط محاکمه خواهند شد.

این سخنگو به طور واضح اعلام نکرد که تمام مردان همجنسگرا بوده اند یا اینکه دگرجنسگونه (ترنسجندر). این هتل که در صحرائی در بزرگراه ابوظبی به دبی قرار دارد معمولا محلی برای برگزاری مراسم عروسی بوده است.

سال گذشته اتفاقی شبیه این نیز باز در امارت شیخ نشین شارجه اتفاق افتاد که حدود ۲۵ نفر را بازداشت کردند.

اگر فیلترینگ مخابرات اجازه دسترسی شما به سایت سازمان را نمی دهد حتما به این سایت مراجعه نمایید.

<http://pgloclub.blogfa.com>

## همجنس گرایی در گذر ادبیات فارسی

دکتر سیروس شمیسا

### دوره سلجوقیان و خوارزمشاهیان

#### سلاطین و وزرا

سلجوقیان و خوارزمشاهیان هم ترک بودند و لذا مساله شاهدبازی در میان ایشان هم مرسوم بود. در مورد شاهدبازی سلاطین سلجوقی در مجالس العشاق داستان هایی آمده است که یک مورد من باب نمونه ذکر می شود:

سلطان (ابوالفتح سلطان جلال الدین ملکشاه) را دل یاری نمی داد که از آن منزل بیرون آید. هر زمان به بخشش دیگر کس در میان می انداخت و شعله عشق هر زمان در جانش علم دیگر می افروخت. از پدر آن جوان پرسید: نام پسر تو چیست؟ گفت تا کنون بیگ نام داشت، این زمان بنده خاص بیگ است... گفت (سلطان): ما پسر تو را به فرزندی قبول کردیم... مدت ها حسن او بر یک قرار مرکب بر سر میدان ملاحظت رانده بود ... انوری در مدح او اشعاری دارد، از جمله این است:

درخت دولت شاه عجم سر بر فلک دارد

بلی سر بر فلک آرد چو بیخ اندر سمک دارد

سرافرازی و غواصی نباشد شاخ و بیخی را

که آب از چشمه شمشیر تیز خاص بگ دارد

بقا باداش اندر عز و دولت با ملک همبر

که اندر خدمت خسرو هنر بیش از ملک دارد

در مورد یکی از وزرای سلجوقی (خطیب الملک) نوشته اند که "از خواجه ابوالعلا که در سلک صنایید افاضل عالم، انتظام داشت پرسید: لواطه رسم قدیم است یا نو پیدا شده؟ خواجه جواب داد رسم قدیم است و قوم لوط پیغمبر(ع) مرتکب این عمل شنیع می شده اند. وزیر باز سوال کرد: لوط مقدم بوده یا پیغمبر ما؟!"

در کتب تاریخی در باب غلامبارگی شاهان و وزیران و رجال دوران سلجوقی مطالب فراوان شگفت آوری است به قول سنایی:

پادشاه را ز پی شهوت و آز

زخ به سیمین بر و سیمین صنم است

صوفیان را ز پی راندن کام

قبله شان شاهد و شمع و شکم است

آیین چراغ، خاموشی نیست!



همه برگشته و عذر همه این

گر بدم من نه فلان نیز هم است  
پادشاهان و وزیران و رجال خوارزمشاهی هم دست  
کمی از این بزرگان سلجوقی نداشتند. نمونه را به ذکر  
حکایتی حیرت آور از سلطان جلال الدین خوارزمشاه که  
در تاریخ ایران به رشادت و دلاوری و ایستادگی در  
مغولان معروف است بسنده می کنیم. استاد دکتر صفا  
به نقل از تاریخ مغول استاد عباس اقبال آشتیانی  
می نویسد: "جلال الدین منکبرنی (سلطان جلال الدین  
خوارزمشاه پسر سلطان محمد) که شجاعت و  
شهامت و جنگاوری و ایستادگی او در برابر مغول، به  
واقع قابل تحسین می تواند بود، اخلاقاً مردی خشن و  
سفاک و شراب خواره و غلامباره بود. او را غلامی بود  
قلج نام که سلطان را به وی تعلق خاطری بود. اتفاقاً  
غلام را مرگ فرا رسید. سلطان در مرگ او بسیار  
گریست و فرمان داد تا لشکریان و امرا پیاده جنازه ی  
وی را از محل فوت آن پسر تا تبریز که چند فرسخ بود  
تشیع کنند و خود نیز مقداری از این راه را پیاده آمد تا  
سرانجام به اصرار امرا بر اسب نشست. چون نعش به  
تبریز رسید امر کرد تا تبریزیان پیشاپیش آن ندبه و زاری  
کنند و کسانی را که در این عمل قصور کرده بودند به  
سختی مجازات کرد و امرایی را که به شفاعت این قوم  
برخاسته بودند از پیش خود براند. با تمام این احوال  
جلال الدین حاضر نشد جنازه "معشوق بی بدیل!" را به  
خاک بسپارد و هر جا می رفت او را با خود می برد و بر  
آن ندبه و زاری می کرد و از خوردن و آشامیدن باز  
می ایستاد و اگر چیزی برای او می بردند نخست  
قسمتی از آن را برای جنازه غلام می فرستاد و کسی  
نمی توانست بگوید آن "معشوق دل انگیز سلطان!"  
مرده است، چه اگر چنین می گفت بی درنگ به قتل  
می رسید. از این رو چون طعام را نزد جنازه می بردند  
باز می گشتند و می گفتند قلج زمین ادب می بوسد و  
می گوید به لطف سلطان حالم بهتر است."

### سلطان سنجر و امردان

استاد دکتر ذبیح الله صفا در کتاب گرانقدر تاریخ ادبیات  
در ایران در بحث از غلامان ترک در عهد سلجوقی  
اشاره یی هم به شاهد بازی دارد که چون متضمن  
اطلاعات مفیدی است در اینجا نقل می شود. از این

نوشته در می یابیم که سلطان سنجر عادت داشت  
غلامان امرد خود را بعد از مدتی به قتل برساند.

"از غلامان ترک که در ان عهد خریداری می شدند به  
صورت های مختلف استفاده می شد. دسته ای از آنان  
بازیچه شهوات امرای این عهد بودند و رفتار بعضی از  
سلاطین با این بیچارگان بسیار وحشیانه بود. از عادات  
سنجر آن بود که غلامی را از غلامان بر می گزید و بدو  
عشق می ورزید و مال و جان فدای او می کرد و غیوق  
و صیوح با وی می پیمود و حکم و سلطنت خود را در  
دست او می نهاد لیکن چند گاهی بعد که دیگر به کار  
او نمی آمد به نحوی خاص او را از میان می برد. از  
جمله آنان یکی مملوکی به نام "سنقر" بود که سنجر  
پیش از دیدن عاشق او شد و او را به ۱۲۰۰ دینار خرید  
و به مالکش هم خلعت و مال فروان بخشید و فرمان داد  
برای سنقر سراپرده ایی چون سراپرده سلطان بزنند و  
هزار مملوک بخرند تا در رکاب او حرکت کنند و در درگاه  
او به سر برند و خزانه ای مانند خزانه سلطان برای او  
ترتیب کنند و ده هزار سوار به وی اختصاص دهند.

اما دو سال بعد سنجر از امرای خود خواست تا سنقر را  
با دشنه پاره پاره کنند و آنان نیز آن کردند .

دکتر زرین کوب هم در اشاره به سلطان سنجر و  
غلامان او می نویسد: "تمایلات شدید همجنس گرایی  
در وی بود او را حتی نزد غلامان محبوب خویش حقیر و  
بی اهمیت می کرد. ماجرای قایمازکج کلاه و جوهر  
تاجی نیز با سلطان از همین گونه بود. قایمازکج کله  
یک بار که سلطان مست بود و دست او را در دست  
داشت انگشتی شاه را از وی ربود و وزیر سلطان را به  
ارتکا آن خاتم سر برید. چنان که سنجر در رسوایی که  
در آن کار بود، جرات نکرد آن اقدام قایماز را خودسرانه  
بخواند و پذیرفت که کار به امر او انجام شده است. این  
احوال سلطان در کارها نابسامانی ها پدید آورد. کارها  
به دست نا اهلان، غلامان و نالایقان و ... افتاد. حکیم  
کوشکی شاعر هجوسرای این عصر، در هجویات خود  
به سوابق این امیران سنجر، اشارت ها دارد"

این مطالب ادامه دارد

## بیانیه سازمان همجنسگرایان ایرانی به مناسبت روز جهانی حقوق بشر آرین ورجاوندی - دبیر اول سازمان

دهم دسامبر ۲۰۰۵ در حالی جشن تولد ۵۷ سالگی منشور حقوق بشر سازمان ملل متحد را جشن می‌گیریم که نقایض متعدد حقوق بشر در زمینه اقلیت‌های جنسی همجنسگرا (گی و لزبین)، دوجنسگرا (بایسکشوال) و دوجنس گونه‌ها (ترنسجندر) در کشورمان ایران روز به روز رو به افزایش است.

علیرغم شناخت آزادی جنسی در این منشور و دیدگاه روشن آن به حرمت و کرامت انسان مستقل از جنسیت، نژاد، سن، ملیت، مذهب، اعتقاد و یا طبقه اجتماعی اش نشان دهنده تجربیات گسترده بشر است از ظلم‌هایی که دیده و جفاهایی که کرده است. امروز در جمهوری اسلامی ایران شاهد نقایض آشکار حقوق بشر در زمینه اقلیت‌های جنسی همجنسگرا، دوجنسگرا و دگرجنسگونه هستیم اما صدا از گلوئی هیچ روزنامه، روشنفکر، نویسنده، گزارشگر و یا حتی مدافع حقوق بشری بر نمی‌آید. گویی همجنسگرایان ایران بشر نیستند و دفاع از حقوق آنان دفاع از حقوق بشر نیست!

چگونه می‌توان منشور جهانی حقوق بشر را پذیرفت و سخن از حقوق سیاسی و اجتماعی افراد برآورد اما برای همجنسگرایان و یا سایر اقلیت‌های جنسی مجازات اعدام را قانونی شمرد؟!

بند ۵ منشور حقوق بشر می‌گوید: "هیچ کس نباید شکنجه شود و یا تحت مجازات یا رفتار ظالمانه انسانی و یا تحقیر آمیز قرار گیرد." اما همجنسگرایان و اقلیت‌های جنسی ایران مخفیانه شکنجه و آشکارا تحت مجازات اعدام قرار می‌گیرند و بعضا از کانون گرم خانواده به سبب ظلم و تحقیر گریزان هستند.

بند ۶ و ۷ می‌گوید: "هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی اش در همه جا به رسمیت شناخته شود." و "همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بی هیچ تبعیضی از حمایت قانون برخوردار شوند." در حالی که همجنسگرایان ایرانی در محاکم و جامعه

مجبور به انکار هویت جنسی خودشان هستند. چه تساوی و عدم تبعیض در جایی که همجنسگرایان حتی اجازه انتخاب روش اعدام خودشان را هم ندارند و همه به رای حاکم شرع بسته است.

با وجود اینکه در بند ۱۲ به حق حرمت زندگی خصوصی افراد و مکاتبات و امور خانوادگی احترام می‌گذارد، دولت جمهوری اسلامی ایران به مجالس همجنسگرایان حمله می‌کند، خانواده‌ها را تهدید و آن‌ها را اهرم فشار همجنسگرایان کرده و بر روی اینترنت برای دستگیری همجنسگرایان کمین می‌گذارند. بر خلاف بند ۱۶ که حق روابط جنسی بی محدودیت هر زن و مردی را مسلم شمرده در ایران روابط جنسی همجنسگرایان محکوم به مرگ و شلاق و لعن و نفرین است.

با توجه به بند ۲۰ که تشکیل اجتماعات، انجمن‌ها و مجامع مسالمت آمیز را حق همه اقوام بشر و از جمله آن‌ها همجنسگرایان می‌داند. ما مجبور به تشکیل "سازمان همجنسگرایان ایرانی" در خارج از میهنمان شده ایم و بر خلاف بند ۲۲ که امنیت اجتماعی را حق می‌شمرد همجنسگرایان ایرانی در کشورشان از چنین حق و سایر حقوق بین‌المللی محروم شده‌اند. این حق ماست که نفس بکشیم و در کشور خودمان همانطور که هستیم زندگی کنیم.

سازمان همجنسگرایان ایرانی به عنوان سازمان مدافع حقوق اقلیت‌های جنسی با توجه به تصویبات کنفرانس جهانی حقوق بشر - وین ۱۹۹۳ که حقوق بشر را جهان شمول و حفاظت آن را وظیفه قانونی جامعه بین‌الملل می‌داند از تمامی کشورها، سازمان‌ها و افراد مدافع حقوق بشر خواستار بررسی وضعیت حقوق همجنسگرایان، دوجنسگرایان و دوجنسگونه‌ها در ایران می‌باشد.



ما چشم به روزی دوختیم که هیچ چیزی سد راه بهرمندی مان از میراث پاک منشور حقوق بشر به جای مانده از آن استوانه گلین کوروش بزرگ نباشد.

به آن امید

## وضعیت بفرنج ترنسجندرهاى ایرانى

### ترانه فروهر - دبیر دوم سازمان

همیشه مردم و دولت های اروپایی فکر می کنند که ترنسجندر ها یا همان دوجنسگونه ها در ایران مشکل و معضلى ندارند و در آسایش و سلامت کافی به سر می برند. دولت های پناهنده پذیر با استناد به صدور حکم آیت الله خمینی مبنی بر آزادی عمل تغییر جنسیت در ایران درخواست پناهندگی اینان را بدون هیچ گونه توجهی به شرایط اجتماعی ایران رد می کنند و اینان را به ایران بازپس می فرستند گویی که بهشتی است برین برای این قشر جامعه.

دگرجنسگونه شده ای که مایل به عمل تغییر جنسیت

است برای انجام این عمل بایستی به جنگ مشکلات بسیاری رود و حتی در صورت پیروزی و غلبه بر این مشکلات باز در ابتدای راه مخالفت های خانواده، طرد اجتماعی، فرار از دوستان قدیمی، هزینه های عمل،

انعکاس های فامیل و آشنایان، زندگی بعد از عمل، موقیت کار، وضعیت ازدواج و هزاران موردی که اثری جز اضطراب و دلهره ندارد.

عمل تغییر جنسیت در ایران آزاد است و این بدین معنا نیست که همه چیز بر وفق مراد می باشد و با تغییر جنسیت تمامی مشکلات حل شده و زندگی آرام و دلنشین می شود. اولین قدم مخالفت های خانواده هست که مهمترین و اساسی ترین آنها نیز می باشد. شایان ذکر است که این گونه مخالفت ها عامل بسیاری از خودکشی همجنسگرایان و ترنسجندرها در ایران است که ما در چند ماه گذشته شاهد تعدادی از آنها بودیم. روشنگر که بعد از سه سال و نیم از تغییر جنسیتش خود را با تریاک کشت، نیما که خانواده اش او را تحت فشار قرار دادند و بناچار برای فرار از این فشار با پودر مرگ موش خود را کشت و این اواخر امیر که به دلیل مخالفت خانواده با تغییر جنسیتش خود را خفه کرد. این سه مورد دردناکی بود که خبر آن ها پخش شد اما بسیاری موارد دیگر وجود داشت که مایل

به انتشار آن نبودند و ترجیح دادند که باز در سکوت بمانند. این فشارها و آمارها چرا زیاد می شود؟ امیر در خانواده ای مرفه زندگی می کرد و حتی بیضه های خود را از بدن بیرون کشیده بود و در آستانه عمل قرار داشت. روشنگر دیگر یک پسر نبود و بدن و اندامی کاملا زنانه داشت و حتی خواستگاران زیادی داشت. چه دلیلی برای این اقدامات وجود دارد به جز فشارهای خانوادگی و اجتماعی؟ خانواده روشنگر حتی اجازه ملاقات با دوستان پسر قدیمی اش را نمی دادند و او را همانند دختری نجیب در خانه حبس کرده بودند. مادر روشنگر وقتی او را خشک و بی حرکت در رختخوابش دید فهمید که چه بلایی بر سر پسر دختر شده اش آمده است. مادر امیر در مراسم تشیع جنازه او فریاد



می کشید که امیر جان مرا حلال کن زیرا من مخالف تغییر جنسیت تو بودم. مادر و پدر نیما در مراسم تشیع جنازه او ساکت بودند و شرم می کردند که به خانواده بگویند که چرا نیما خودکشی کرده است. پدر نیما به دوستان همجنسگرای پسرش که همانند صاحبان

عزای او شیون می کردند اعتراض کرده و خودکشی نیما را به مسائل دانشگاه و ... نسبت می دادند. گویی هیچ کس از این امر آگاه نمی شود و ماه برای همیشه در پس ابر خواهد ماند. با نگاهی دقیق به ترنسجندرهاى ایرانى می توانیم درد آن ها را بفهمیم، فقط کافی است کمی بنگریم.

زمانی که فردی مایل به تغییر جنسیت است ابتدا باید ۶ ماه تا ۲ سال تحت مشاوره روانپزشکی قرار گیرد و بعد از آن با مراجعه به پزشک قانونی و درخواست به دادگستری روند تغییر جنسیت خود را آغاز نماید و با توجه به هزینه سرسام آور این جراحی خود را به آب و آتش زند تا شاید بتواند خود را از این دوگانگی برهاند. سازمان بهزیستی فقط حداکثر ۱۰ درصد هزینه را پرداخت می کند که این مبلغی بسیار جزئی است و حتی کرایه رفت آمد آنها به بیمارستان و مطب پزشک را تامین نمی کند و در آخر بعد از پشت سر گذاشتن تمام این مراحل و فشارهای روانی خودشان را به تیغ

## عشق دو همجنس

### امین - ترکیه

عشق واژه عجیبی است گویی هنوز هیچ کس به چه بودن آن پی نبرده است. اما با این وجود بیشترین حجم ادبیات و کتب قدیم و جدید



را به خودش اختصاص داده است.

به قول حافظ این سه حرف عشق در ابتدای کار ساده به نظر می آید اما با سختی همراه است. این چه دردی است که به جان ما افتاده است که جنسیت و مردانگی و زنانگی و دیوانگی و پیر و جوانی سرش نمی شود. چه حس غریب و دوست داشتنی است که همه ما از درد و نکوهشش آگاهیم اما به دنبالش می گردیم. این چه زهری است اعتیاد آور که پادش در گرو سختی است. کیست که حقیقت عشق را چشیده باشد و با آن زندگی کرده باشد. این چه ناگوار حسی است که نه تحصیلات می شناسد، نه پول، نه نژاد، نه دین و نه زبان! عشق یک احساس تعلق است، یک دوست داشتن و کسی را صاحب بودن و در این میان عشق دو همجنس چیزی غریب اما آشنا!

عشقی است که دیگر بوی دادوستد ندارد، عشقی که به واسطه فرد سومی به وجود نمی آید. عشق بازتاب محبت خداوندی است. چطور می شود هم عاشق خدایمان باشیم هم یکی از بندگان او! اگر او عشق ما را نمی پسندد پس چرا به ما عنایت کرد؟ چرا داد و نکوهشمان کرد؟ عشق زمینی است یا آسمانی؟ به نظر من عشق موهبتی الهی و شمشیری است چوپی برای آن که قرار است از شمشیر تیز و برنده عشق الهی استفاده کنند. این تمرینی است برای عاشق خدا شدن.

### قابل توجه دوستان ترک زبان ایرانی

نشریه گاجی (Gaci) متعلق به ترنسجندرها در استانبول منتشر می شود و شما می توانید با استفاده آدرس ساییت و یا پست الکترونیکی آن نشریه را دریافت نمایید.

[www.gacistanbul.com](http://www.gacistanbul.com)  
[gaci@gacistanbul.com](mailto:gaci@gacistanbul.com)

جراحی می سپارند و بعد از عمل به امید حضوری جدید در دنیا قدم بر می دارند غافل از اینکه چه اتفاقات و مسائلی به کمین نشسته اند.

صفحه آخر شناسنامه حاوی توضیحی کوتاه می گردد که این شخص از هویت و جنسیت خود را تغییر داده و نام جدید او را اعلام می دارد. ثمره این توضیح چیزی نیست جز نگون بختی و طرد مجدد اجتماعی. هر درخواست کاری لغو می گردد، هر پیشنهاد ازدواج رد می شود و هر حضوری در جامعه با نگاهی سنگین پاسخ داده خواهد شد و بسیاری موارد که فقط باید دید و شنید.

خبرهایی به تازگی حاکی بر این است که آیت الله مکارم شیرازی یکی از مراجع تقلید پیشنهاد کرده اند که عمل تغییر جنسیت در ایران بایستی متوقف گردد اما هنوز این امر به تصویب نرسیده است و در صورت اجرای این حکم معلوم نیست سرنوشت ترنسجندرها ایرانی به کجا بیانجامد. خبرهایی نیز مبنی بر دستگیری تعدادی از ترنسجندرهایی که در مراحل تغییر جنسیت قرار دارند مخابره شده است که بر این نگرانی ها می افزاید. چندی پیش نیز یکی از همجنسگرایان را در فرودگاه دستگیر کرده و به بازداشتگاه فرستادند به جرم اینکه به دوجنسی بودن آن مشکوک بودند و اقدامات ارسال این شخص به پزشکی قانونی انجام می شد که با مخالفت شدید و ادعای شرف و شکایت متهم قرار گرفتند و او را با قید ضمانت آزاد کردند. ضرب و شتم ها و ترنسفوویایی نیز مزید بر علت شده و شرایط را سخت تر از همیشه می نماید.

سازمان همجنسگرایان ایرانی به عنوان اولین سازمان مدافع حقوق LGBT های ایرانی (Lesbian, Gay, Bisexual, Transgender) اینگونه اقدامات را محکوم کرده و از تمامی انسان های آزاده می خواهد که با روشنگری و مطالعه سعی در دفاع از هویت این افراد نمایند و کمک و یاری رسان سازمان شوند.

لطفا دوستان ترنسجندر خود را به ما معرفی کنید تا در صورت نیاز به کمک آنها بشناییم. لطفا از حق پناهندگی اینان دفاع کنید و با اسامی نامی ها، سازمان های تصمیم گیرنده کیس های پناهندگی را از این مشکلات آگاه نمایید.



## همجنسگرا بودن با نبودن؟ مسئله این است!

### آرشام پارسی - دبیر حقوقی سازمان



خبری مبنی بر اعدام دو جوان همجنسگرا در گرگان منتشر شد. این خبر در روزنامه کیهان به چاپ رسید و با جملاتی کوتاه اعلام کرد که دو نفر ۲۴ ساله و ۲۵ ساله به جرم لواط و آدم ربایی و تجاوز و چند مورد دیگر

که همیشه همراه اینگونه مجازات ها به یدک کشیده می شوند در میدانی در شهر گرگان در ملا عام به دار آویخته شدند.

باز این خبر بعد از اجرای مجازات منتشر شد و فرصتی نداد تا بررسی ها و تحقیقات انجام گردد و مدافعان حقوق انسانی و مخالفان عمل اعدام پا به عرصه بگذارند. سازمان ها و مدافعان و افراد فعال در این زمینه ها به سرعت خبر اعدام دو همجنسگرای دیگر را در گرگان منتشر نمودند و نامه های زیادی به سازمان همجنسگرایان ایرانی ارسال گردید و صحت این اتفاقات را خواستار شدند. سازمان همجنسگرایان ایرانی به کمک واحد حقوقی و فرهنگی خود با کمک اعضای کانون خبرنگاران افرادی را به گرگان اعزام نمود تا این مورد را بررسی و اعلام نظر نمایند. خوشبختانه موفق شدیم اطلاعاتی را از مردم و افراد آگاه بدست بیاوریم که به شرح زیر به اطلاع می رساند.

متهمین علی . الف متولد ۱۳۵۹ دارای مدرک تحصیلی دیپلم و مختار ن. متولد ۱۳۶۰ دارای مدرک تحصیلی سیکل (سوم راهنمایی) به جرم های لواط، آدم ربایی، چاقوکشی، ایجاد مزاحمت و درگیری محکوم شدند. تصویری نیز از اعدام این دو جوان در مجله محلی سلام گرگان شماره ۱۴۴ مورخ ۲۱ آبان ماه ۸۴ به صورت سیاه و سفید منتشر شد که مقاله ای با محتوای تغییر بستر فرهنگی جامعه به جای مجازات نیز در زیر آن به چاپ رسیده بود.

برخی از افراد بزه کار در گرگان اعلام کرده اند که این دو نفر آدم های ناراحت و غیر عادی بودند که از روستاهای اطراف با موتور به شهر می آمدند و به حالت مست به دخترها و پسرها دست درازی کرده و دعوا چاقوکشی به راه می انداختند.

برخی گزارش ها حاکی از آن است که اصلا قضیه همجنسگرایی در میان نیست و اینان اصولا همجنسگرا نبوده بلکه افرادی نیز کاملا دگرجنسگرا بودند. اما سابقه چندین رابطه جنسی با پسرهایی با سن کم در محل اقامتشان که برخی از آن ها هم به زور بوده نیز وجود داشته است.

طی گزارش دوستان عزیز قبول احساسات همجنسگرایی در گرگان و روستاهای بسیار زیاد اطراف آن کار ساده ای نیست و در کل روابطی که بین دو مرد برقرار می شود بیشتر جنبه شهوانی و زور دارد. به عبارتی دیگر در آن اطراف جوی حاکم است که پسرها به خاطر فشار و موقعیت خاصی تن به سکس با همجنس می دهند و بعد از مدتی به اصطلاح دست از این کار کشیده و از این کارشان متنفر می شوند. (لطفا به معانی و تفاوت همجنسگرایی و همجنسبازی در برنامه های ۱۵ تا ۱۸ رادیو رها ([www.radio.pglo.org](http://www.radio.pglo.org)) مراجعه نمایید)

گزارش حاکی از آن است که سکس این دو نفر با آن پسر فقط به دلیل این بوده است که آن لحظه موردی دیگر برای انجام سکس و دفع شهوت برای آنان موجود نبوده و این پسر که مورد تجاوز قرار گرفته وسیله ای برای ارضای آنان بوده است و هیچ دلیلی بر تمایل همجنسگرایانه آنها موجود نمی باشد.

بنا بر این گزارشات تا به حال ما هیچ مدرک مستندی دال بر همجنسگرا بودن این دو نفر اعدام شده نداریم و نمی توانیم این دو نفر را قطعا همجنسگرا بنامیم. اما در این زمان نکته قابل توجه برای ما این است که عمل لواط که همان رابطه جنسی و مقعدی دو مرد است مجازات اعدام دارد و این حکم اجرا می گردد، خارج از توجه به همجنسگرا بودن و یا نبودن آن ها که احتمالا این مورد بررسی نمی گردد. حال آنکه مجازات رابطه جنسی دو همجنس مرگ است بدیهی است که همجنسگرایان از این قانون مستثنی نمی شوند و برای دادگاه واضح و روشن است که این افراد رابطه جنسی داشته اند و دلیلی بر رد مجازات اعدام باقی نمی ماند. گزارش های متعددی نیز از برخی افراد دگرجنسگرا که مدتی را در زندان های کشور به سر برده اند حاکی از آن است که تعداد زیادی افراد همجنسگرا و ترنسجندر در زندان های ایران وجود دارند که منتظر فرا رسیدن

اطلاعاتی دارند ما را از آن مطلع سازند تا اقدامات لازم به عمل آید.

خواهشمند است به کمپین بزرگ دفاع از همجنسگرایان ایرانی بپیوندید و ما را یاری دهید. لطفاً با ادرس پست الکترونیکی [pglo@pglo.org](mailto:pglo@pglo.org) مکاتبه نمایید و وب سایت سازمان را به صورت مرتب بازدید نمایید. آدرس وب سایت سازمان [www.pglo.org](http://www.pglo.org) می باشد. در ضمن در صورت تمایل می تونید طومار اعتراضی را نیز امضا کرده و در ردیف حامیان قرار گیرید. می توانید برای امضای این طومار به آدرس <http://new.PetitionOnline.com/IRGLO/petition.htm> مراجعه نماید. لطفاً این آدرس ها و بیانیه ها را در رسانه های خود منتشر نمایید و به یاری ما همجنسگرایان بشتابید.

حکم اعدام خود هستند و یکی از موارد مهمی که اعلام شد و هنوز هیچ خبری از آن ها در دست نیست حکم اعدام دو مرد در تهران بود که یکی مسن و دیگری جوان بود و خبر این محکومیت در روزنامه های ایران

(روزنامه اعتماد) چاپ شد اما خبری جدید از آن در دست نیست که این مورد به صرف رابطه همجنسگرایی محکوم شده اند و ظاهراً فیلمی نیز در این باره به دست ماموران دادگستری افتاده است و



نیز مورد اراک که شبیه گرگان می باشد و اتهامات بزه

کاری در آن وجود دارد و اسنادی دال بر همجنسگرا بودن آنان هنوز در دسترس نیست و متأسفانه به رغم تلاش های فراوانی که برای تماس با خانواده های آنها انجام شد آنان از اعلام هرگونه اطلاعاتی خودداری نمودند.

سازمان همجنسگرایان ایرانی و کمیسیون حقوق بشر آن با انتشار این بیانیه اعلام می دارد که هنوز مدارکی دال بر همجنسگرا بودن یا نبودن این اعدام اخیر در گرگان در دست نیست و نمی توان قاطعانه این دو نفر را همجنسگرا خطاب نمود و از تمامی مردم عزیز درخواست می گردد که اطلاعات خود را برای ما ارسال نمایند و ما را در این مهم یاری رسانند. چنانچه از دیگر متهمین و محکومین اعدام به دلیل روابط جنسی به خصوص روابط همجنسگرایی

**IRAN STOP KILLING QUEERS!  
STOP KILLING CHILDREN!**

لطفاً این طومار را امضا کنید و به این ظلم و ستم ها اعتراض نمایید.

**به کمپین بزرگ دفاع از حقوق  
همجنسگرایان ایرانی بپیوندید.**

<http://new.PetitionOnline.com/IRGLO/petition.html>

**STOP KILLING QUEERS!  
IRAN  
STOP KILLING CHILDREN!**

## دگرجنس‌گونه های ایرانی

### صبا راوی - نماینده سازمان در هلند

در پی تماس های مکرر عزیزان از ایران با فشارهای دولت های غربی بر ایران، رژیم ایران نه تنها دست از آزار و اذیت همجنسگرایان و ترنسجندرها بر نداشته بلکه این فشارها به طور سیستماتیک سازماندهی شده است به طوری که حتی دوجنس گونه هایی که تحت حمایت سازمان بهزیستی هستند مورد آزار و اذیت این افراد در اجتماع توسط ماموران دولتی و بسیجی یک امر عادی تلقی می شود. بر اساس گزارشات رسیده از شهرهای بزرگ ایران مثل تهران، شیراز، اصفهان و حتی رشت ماموران پلیس هیچ توجهی به قانونی بودن تغییر جنسیت در ایران نمی کنند. افراد دوجنس گونه به بهانه های مختلف مثل طرز راه رفتن! نوع لباس پوشیدن و ... را دستگیر می کنند و در بازداشتگاه با روش های بی رحمانه ای به آزار جنسی، تجاوز به این افراد بی گناه دست می زنند. تلفنی نیز داشتیم که اعلام می کرد که حتی به دوستانش در چند شهر دیگر ایران تجاوز شده است و حتی آنها را تهدید به مرگ کرده اند. مشکلات به قدری زیاد و وسیع می باشند که دولت نه تنها به این امر رسیدگی نمی کند بلکه با عناوین مختلف سرپوش روی این شکایت ها می گذارد. این فرد متذکر شد که شکایت قانونی نیز هیچ اثری ندارد چون کسی که به قانون رسیدگی می کند خود مجرم است و سابقه تجاوز به دوجنس گونه ها را دارد البته باید ذکر کرد عمل تغییر جنسیت در ایران به رسمیت کامل نرسیده است زیرا زمانی یک امر قانونی می شود که کلیه حقوق شخصی و فردی به رسمیت شناخته شود. دوجنس گونه ها به خاطر کلیه مشکلات مالی قادر به عمل تغییر جنسیت نیستند و از نظر قانونی هیچ گونه حمایتی نمی شوند بلکه حتی در کشوری که انسان های متجاوز اعدام می شوند خود مامورین دولتی به دگرجنس گونه ها تجاوز جنسی می کنند و هیچ کس هم صدایش در نمی آید. یک اتفاق تصادفی و جالب در تایید مشکلات دوجنس گونه ها در روز دوم دسامبر بود. برنامه ای مستند در مورد دوجنس گونه ها (ترنسجندرها) در تلویزیون امید ایران پخش شد. در این برنامه با خانمی به نام ترانه که تغییر جنسیت داده بود

و به اصطلاح زن شده بودند مصاحبه شد. جالب اینجاست که آقای دکتر میرجلالی و خانم دکتر اسکویی نیز صحبت می کردند. ترانه در این برنامه به طور واضح گفت که وقتی دوجنس گونه ها عمل می کنند حس می کنند که به قله موفقیتی که می خواستند رسیده اند. اما در اصل به نقطه سقوط و صفر دست یافته اند که همه درها به رویشان بسته می باشد. این شخص به قدری از مشکلات روحی در عذاب بود که در بین مصاحبه سخت گریست با دیدن این برنامه از شروع به نوشتن مقاله در این مورد احساس رضایت کردم که چقدر نوشتن این مطالب و انتشار گزارش هایی از ستم های روا شده به این افراد می تواند موثر واقع شود که چشم دنیا و جامعه ایران را باز کند که تغییر جنسیت صرفا نمی تواند راه حل باشد بلکه داشتن حق زندگی برای دوجنس گونه های ایرانی از خود تغییر جنسیت مهم تر است که این برنامه مهری تایید بر این اندیشه بود. ترانه ها در ایران بسیارند. چه ترانه هایی که دست به خود کشی زدند، چه ترانه هایی که مورد تجاوز افراد حتی ماموران حفظ امنیت در جامعه قرار نگرفتند. برآستی مسول این همه ظلم و ستم چه کسی و یا چه کسانی می توانند باشند؟ این مطالب بسیار دردناکند اما یک مستند دردناک که روزانه در ایران برای این افراد اتفاق می افتد می باشد. بعضی افراد به طور سمبلیک یک ترنسجندر یا همان دوجنس گونه که به علت وسعت مالی و پولی که دارد و یا حتی ارتباط هایی که با مسولین امر دارد با یک روزنامه مصاحبه ای اختصاصی می کند و زندگی واقعی و ستم های روا شده به دیگر دوجنس گونه ها که به قدری سخت است که دست به خودکشی می زنند را مخفی کرده و اصلا آن ها را در هیچ روزنامه ای نمی بینید و نمی خوانید. چرا؟ یک روحانی در ایران که در یک مصاحبه با بی بی سی فتوای تغییر جنسیت را می دهد بیاید و به فریاد دوجنس گونه هایی برسد که بارها مورد ضرب و شتم و تجاوز مامورین دولتی و بسیج قرار گرفته و بعد به حال خودش رها شده و هزاران مورد دیگر. اگر هر کدام از شما دوجنس شدگان تحت فشار هستید می توانید با ما تماس بگیرید. ما به شما قول می دهیم که به تک تک درد و دل های شما گوش داده و ترتیب اثر دهیم.

## دو کلمه حرف حساب!

کیان - نهران

(این متن به درخواست نویسنده لحن عامیانه دارد)

آزادی و این که جامعه ما رو بپذیره یکی از مهمترین خواسته های ماست. اما قبل از هرچیز باید خودمون رو درست کنیم! نه نمیگم که مریضم. اما هرچی می کشیم از دسته همون هامونه.

شاید در وحله اول فکر کنید من دارم بیرحمانه قضاوت می کنم. اما اگر بیشتر چشمهاتون رو باز کنید می فهمید که دارم راست میگم! مثلاً همین گی شیرازی که همه رو در اون مهمونی لو داد! البته شاید این شرطی بوده که پلیسها برای آزادی خود اون گذشته بودن. نمی شه هم یک طرفه قضاوت کرد و همچنین حتماً کسان زیادی رو دیدید که چطوری بین دو تا پارتی رو شکراب میکنند و میرن!

تمام ما به خاطره گی بودمون تحت فشار بوده و هستیم. اما این دلیل نمی شه که بخوایم عقده های روانیمون رو سره بقیه خالی کنیم! تازه قسمت جالبش اینجاست که چون زورمون به استریت ها نمیرسه میریم خدمت هم احساس هامون میرسیم!!! خود من چند فقره رو سراغ دارم که دوستهای نزدیک یکی شروع کردن به تهدید کردن. اونم به هیچ دلیلی! نقطه ضعف همه ما در ایران مشخص و معلومه! حکومت، خانواده، آبرو و...! هرچقدر هم محکم باشیم، اینجا کم میاریم.



چه دلیلی داره، چون طرف ازت خوشش نیاد، باهات BF همیشه، حاضر نیست باهات سکس کنه یا... تهدیدش کنی؟ بترسونیش؟؟ که چی؟ که بگی قویتری؟ زورت زیاده؟ دمیت به رژیم وصله؟؟ خودت که زخم خورده همین تفکری! چی شد؟ از همین دری که

زخمیت کردن میخوای یک ممنوعت رو زخمی کنی؟؟؟ تا کی؟؟ تا کی میخوایم هم رو زخمی کنیم؟؟؟

عزیزجون! Loveret حرفت رو نمی فهمه، نمی تونه زیر فشارهایی که براش درست کردی هنوز دوست داشته باشه! پرده های بینتون پاره شده، بزار بره... چرا تهدیدش می کنی؟ چرا خانوادش رو می خوای خورد کنی؟ مگه همین نبود که می مردی براش؟ حالا چی شد به خونش تشنه ای؟؟؟ چون دیگه دوستت نداره؟ چیه؟ فاطمی و بهجت پشتت سرت حرف زدن؟؟؟ (اینا اسمها بیه که بعضی از آقایون گی محترم واسه خودشون میزارن، البته فقط برایه خنده!) خوب می خوای حالشو بگیری؟؟؟ باشه گوشه رو وردار به دوست پسرش بگو الان با یه پسر دیگه دست تو دست میدون ونک دیدیش! کی به کیه؟ تا میاد ثابت کنه که دروغه، بینشون بهم خورده! بابا دست وردارین ترو خدا!

موضوع مهم دیگری که می خوام بهش اشاره کنم هیچ جای شوخی ندارد، چون در مورد جان دو انسان است. تقریباً همه ما داستان مجتبی و مهرداد را میدانیم. کی میخوایم چشمانمان را باز کنیم؟ تا به کی باید به خود و دیگران ضربه بزنیم؟ درسته، ما حق داریم آزاد باشیم، با هویت واقعی خودمان زندگی کنیم و با کسی که به او احساس داریم ازدواج کنیم.

آیا اگر ۲ نفر از ما در یک مهمانی ازدواج کنیم، ازدواج همجنسگرایان در ایران آزاد می شه؟ باید بچنگیم و مقاومت کنیم. اما با کمی فکر. وقتی که مردم و حکومت حاکم بر کشور ما، با این مسئله مبارزه می کنند، آیا باید بی هوا داخل آتش بپریم؟ در حال حاضر مجتبی در وضعیت روحی بسیار بدی است و در میان هوا و زمین روز را به شب میسراند. اما بالاخره امیدی هست که شاید پناهندگی بگیرد.

اما آیا به مهرداد هم کسی فکر کرده؟ اینطور که من اطلاع دارم در بازداشت به سر می برد. شاید همین الان که شما این مطلب را میخوانید تحت یکی از همان شکنجه هایی باشد که امیر در شیراز از آن جان سالم به در برد. من نمیدانم رابطه مهرداد و مجتبی چقدر عمیق بوده که تصمیم به همچنین کاری گرفتند، اما این را می دانم که نه حلقه طلا، نه جشن عروسی و نه عقد نامه میتواند یک رابطه را پایدار و همیشگی کند.



## تولد نشریه ای دیگر از همجنسگرایان ایرانی

### ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد

#### دل رمیده ما را انیس و مونس شد

سال های مدیدی بود که همجنسگرایان در سطوح بین المللی دست به اقدامات گسترده ای در جهت دفاع از هویت خود زده بودند و شروع به مبارزه علیه کج ذهنی و خشک فکری ها نموده بودند. اما در ایران ما خبری از این فعالیت ها نبود و گاه گاهی دوستان مقیم خارج از کشور دست به اقداماتی کوتاه مدت می زدند. اما چند سالی است که این فعالیت ها کمی هماهنگ و هدفدار به جلو رفته است و بر این باوریم که تدارک شروع آن مبارزات آزادی خواهی در شرف وقوع در ایران است.

در ابتدا ویلاگ ها شروع به کار نمودند و برخی از آنها به وب سایت تبدیل شدند. گروه ها تشکیل شدند و به فعالیت دست زدند و سازمان همجنسگرایان ایرانی تاسیس شد و همه فعالان در رشته های خود سعی بر آن داشتند که گوشه ای از بار مشکلات اقلیت های جنسی ایرانی را بر دوش کشند. اولین مجله الکترونیکی همجنسگرایان ایرانی با نام ماها منتشر و با حضوری جدید در جمع مدافعان حاضر شد و پس از آن نشریه همجنسگرایان ایرانی چراغ متولد گردید و در کنار ماها و دیگر دوستان قرار گرفت و اینک ستاره ای دیگر در تاریکی شب های ایران درخشید و شاهد رسیدن سحر شد. این ستاره ماهنامه ای است ادبی اجتماعی به نام دلکده.

تولد این ماهنامه را به فال نیک می گیریم و امیدواریم که شاهد رشد و شکوفای آن باشیم. تولد این ماهنامه مهر تایید و سپاسی هست بر فعالیت دوستان قدیمی که آغازگر این راه بودند. آرزو داریم که این روند رو به رشد هر روز قوی تر و پربارتر از دیروز باشد و شاهد آزادی همجنس گرایان، دوجنس گرایان و دوجنس گونه های ایرانی باشیم در فردایی بسیار نزدیک.

برای دریافت این نشریه می توانید با آدرس ایمیل زیر مکاتبه نموده و آن را دریافت نمایید.

[delkadeh@gmail.com](mailto:delkadeh@gmail.com)

هر روز زوج های زیادی (غیر همجنسگرا) از هم جدا می شوند، آیا آنها جشن عروسی نداشتند؟ عقد نامه نداشتند؟ چه بسا جشن عروسی های بسیر مفصلی هم داشته اند.

بیایید کمی عمیقتر باشیم. تا کی باید با بی فکری خود، به خودمان، خانواده و اطرفیانمان ضربه بزنیم؟ آیا فکر می کنید در صورت قبول شدن پناهندگی مجتبی، زخم هایی که به خود، مهرداد و اطرفیانش زده شده کاملاً التیام میابد؟ حتی اگر مهرداد به مرگ محکوم شود؟

آیا مجتبی میتواند خودش را ببخشد؟

برای امیر، محمود، ایاز و همه همجنسگرایان قربانی  
جهل و تعصب

#### فرهاد

آیا یاریگری هست؟

تا بگیرد دستان خسته ام را

در این سرزمین تشنه باران آزادی و عشق

آیا کسی هست که بداند مفهوم عشق را؟

در این دیار که سزای عشق

تازیانه جهل جاهلان است

و کیفر عاشقی زندان ظلم ظالمان

دریغ، دریغ، دریغ

این درد با که توان گفت

که چگونه زیستن توان در سرزمینی که

عشاق را بی بهانه، بر دار می کنند

و جلاد را به بهانه، ارج می نهند

خدایا، خدایا این درد با که توان گفت

که کیفر عشق نه چنین است

که در این سرزمین آن را چنین روا می دارند

## برگی دیگر از زندگی همجنسگرایان

### آرشام پارسی - دبیر حقوقی سازمان

سام یک همجنسگرایی است که ۲۸ سال سن دارد و حدود چهار ماه پیش به دلیل مشکلات فراوان از ایران متواری گردید. او در خانواده ای مذهبی متولد شد و ساکن شهری مذهبی نیز بود جامعه ای که همانند دیگر نقاط ایران همجنسگرایی را گناه و همجنسگرایان را مستحق مرگ می دانند. (نام شهر به دلیل رعایت امنیت و هویت افراد حذف گردیده است)

او در وضعیت بسیار بد روحی و اجتماعی بود و ارتباطی با دیگر هموعان و هم احساسان نداشت. این فشار روانی او را به فکر خودکشی انداخته بود و یک بار نیز دست به این کار زد که خوشبختانه موفقیت آمیز نبود. او همیشه از دستگیری و شکنجه به دلیل همجنسگرا بودن خود می ترسید. اما دست قضا او را به جایی کشید و حادثه ای تلخ را برای او رقم زد. داستان را از زبان خود سام بشنویم:

حدود اسفند ماه ۸۳ بود من در یک گی روم ایرانی چت می کردم. پسری در اتاق بود که مرتب پیام می داد و اعلام می کرد که دنبال شخصی برای سکس هست و اهل همه چیز می باشد. می گفت که حدود ۲۲ تا ۲۳ سال دارد و خوشکل هست. خلاصه من با او در خیابان قرار گذاشتم. او به من گفت که خانه ای مجردی دارد و می توانیم به آن جا برویم. ساعت سه بعد از ظهر بود. سر قرار ما همدیگر را دیدیم. او پسری خوش صورت بود. همانطور که در حال صحبت بودیم قرار شد تا کسی بگیریم و با هم به خانه برویم. یک پیکان آمد که یک نفر در جلو کنار راننده نشسته بود و یک نفر هم عقب نشسته بود. هنگام سوار شدن به هم تعارف کردیم که بالاخره با اصرار زیاد او من اول سوار شدم و در وسط نشستم و او در کنار من نشست. بعد از حدود یک دقیقه دیدم که شروع به توسری و مشت زدن کردند و چشمان من را بستند و سرم را بین دو صندلی جلو فرو بردند و با فحش های رکیک و حرف های تمسخر آمیز و مشت و سیلی من را به بدترین حادثه زندگی ام رو به رو ساختند. من را به جایی بردند و در آنجا چشمان من را باز کردند فکر می کنم که نزدیک همان محل قرار بود چون مدت زیادی در راه نبودیم شاید حدود پانزده دقیقه از محل قرار دور شدیم که من حدس می زدم همان

حدود محل قرار بود من به شدت شوکه بودم و اصلا نمی توانستم تصور کنم که چه اتفاقی برای من افتاده است به همین خاطر دقیقا نتوانستم بفهمم که در کجا هستم. در آنجا هم با بدترین فحش ها و برخوردها و کتک ها مواجه شدم. آنجا تقریبا یک پایگاه بسیج بود و مثل خانه ای قدیمی یا حتی قسمتی از یک مدرسه بود. افراد آنجا همه با لباس شخصی بودند و بی سیم داشتند. برخی از آنها هم مسلح بودند. ۹۹٪ پایگاه بسیج بود چون افرادی که آنجا بودند همه بدون استثنا ریش داشتند و پیرهن هایشان را روی شلوار انداخته بودند و بعضی از آنها هم بسیار جوان بودند شاید در حدود ۱۷ یا ۱۸ ساله و معمولا تا دکمه بالای پیراهن را هم بسته بودند اما کسی لباس نظامی شبیه مثلا پلیس ۱۱۰ نداشت که بتوان فهمید کدام ارگان هست. رئیس آنها شکم بزرگی داشت و ریش بلند و تقریبا کچل بود دقیقا از یک آخوند تنها امامه کم داشت. شاید هم آخوند بود و آن زمان امامه خودش را برداشته بود و با لباس شخصی بوده که من نمی دانم. دقیقا شبیه پایگاه های بسیج در سطح شهر بود. بعد از چند ساعت اذیت و آزار از من خواستند که تعهد نامه ای بنویسم که اینجانب تعهد می کنم که به هیچ وجه دیگر در چت روم و به خصوص گی روم نروم و در صورت آمدن من و تکرار این عمل به مجازات سنگینی دچار خواهم شد. آنها به من می گفتند که شانس آورده ام که گیر آن ها افتاده ام اگر در حال سکس بودم که من را اعدام می کردند مرا تهدید می کردند که اگر باری دیگر در این نوع چت روم ها بیایم مرا به دادگاه فرستاده و اعدام می کنند. من آن تعهد نامه را امضا نکردم و آن ها پس از اصرار زیاد برای امضا کردن و ضرب انگشت زدن و مخالفت من مرا خوابانیدند و با شلنگی سبز رنگ به جانم افتادند و خدا شاهد است که به چه فرض فجیعی با شلنگ به پشت من زدند. مرگ را در جلو چشمانم می دیدم. حدود ۳۰ ضربه با شلنگ به پشت من کوبیدند و مدام با پا به من لگد می زدند. من دیگر تحمل نیاوردم و به التماس افتادم که دیگر نزنند چون حس می کردم پشتم آتش گرفته و درد شدیدی داشتم آنها گفتند حالا تعهد نامه رو امضا می کنی یا نه؟ و من چون می دانستم که این کثافت ها تا تعهدنامه نگیرند دست بردار نیستند گفتم باشه امضا

می‌کنم. حتی وقتی که بلند شدم با حالتی دردناک گفتم که آخه چرا باید امضا کنم که با برخورد شدید رئیس آنها مواجه شدم که می‌گفت هیچ فایده‌ای ندارد و باز شلاقش بزنید که سریع باز به التماس افتادم و تعهد نامه را امضا کردم. شلاق زدن‌ها و کتک و سیلی و دیگر فحاشی‌ها تا ساعت ۸ شب فردای آن روز ادامه داشت. خلاصه بعد از اجبار زیاد و تهدید زندان و مجازات‌های دیگر و با کتک از من تعهد نامه را امضا گرفتند. حرف‌های رکبکی که به می‌زدند مثلی چکشی بود که توی سرم فرود می‌آمد و از درد شلاق هم بدتر بود. یکی از ماموران می‌گفت که ما همه‌ی شما کونی‌ها را جمع می‌کنیم که دیگر برای خودتان چت روم درست نکنید تا این کونی‌بازی‌ها رو در بیاورید. همیشه در چت روم بچه‌ها می‌نوشتند که مراقب باشید از اطلاعات اینجا هستد و شما را به دام می‌اندازند و برای برخی هم این اتفاقات افتاده بود و دوستان آن‌ها هشدار می‌دادند اما به دلیل وضعیت بد ما همجنسگرایان و نیاز عاطفیمان بعضی مواقع مجبور می‌شویم که به هر آی دی ناشناسی اعتماد کنیم که عاقبت آن این می‌شود. به هر حال تا شب در انبار آن جا مرا نگه داشتند انباری جای بسیار کثیفی بود و آشغال‌های زیادی در آن انباری بود و بوی بسیار بدی می‌آمد. فردای آن روز با برخوردهای امر به معروف و نهی از منکر کننده از طرف رئیس آن‌ها ساعت‌ها مرا به باد حرف‌های رکبکی گرفتند و بسیار آزار و اذیت رساندند و بعد از سیلی‌ها و لگد‌ها مرا باز به انباری بردند. حدود ۷ تا ۸ شب زمانی که هوا تاریک شده بود چشمانم را بستند و سوار ماشین شدیم. حدود نیم ساعت در راه بودیم که برای من صد سال گذشت چون باز دست بردار نبودند و مرا می‌زدند. می‌گفتند که وقتی پیاده شدی تا موقعی که صدای ماشین را می‌شنوی حق باز کردن چشمانم را ندارم و زمانی که دیگر صدایی نبود می‌توانم چشمانم را باز کنم و اگر زودتر باز کنم بر می‌گردند و پدرم را در می‌آورند. ظاهراً به یک جاده فرعی رفتند و جاده خاکی شده بود خلوت بود و من فهمیدم که به یک جای دوری رفتیم و بعد از آن مرا از ماشین به پایین پرت کردند و حرکت کردند و رفتند و من هم تا زمانی که صدای ماشین را می‌شنیدم چشمانم را باز نکردم. بعد از آن پیاده به راه

افتادم و هر لحظه می‌ترسیدم که گوشه‌ی پنهان شده باشم و به سراغم بیایند. بالاخره به جاده آسفالت رسیدم، جلو یک کامیون را گرفتم و گفتم که من می‌خواهم به شهر بروم و بعد از مدتی فهمیدم که کجا هستم از ترسم نگذاشتم حتی راننده کامیون هم از قضیه بویی بیرد. من را در بیابانی در اطراف جنوب شهر پیاده کرده بودند.

وقتی که به خانه رسیدم با عکس‌العمل شدید خانواده مواجه شدم که در این مدت کجا بودم و من به دلیل اینکه خانواده‌ام از همجنسگرا بودن من بی‌خبر هستند و من نمی‌خواستم آن‌ها این راز را متوجه شوند مجبور شدم به دروغ بگویم که یکی از دوستان صمیمی من تصادف کرده بود و من در بیمارستان کنار او بودم و کارهای او را انجام می‌دادم که باز حدود چند روز ایرادها و اعتراضات خانواده را تحمل می‌کردم که چرا حداقل به ما تلفن نکردی و خبر ندادی تا نگران نباشیم و من نمی‌توانستم هیچ توضیحی به آنها بدهم به غیر از دلایل دروغین و توجیه کردن.

حدود دو روز از این ماجرا گذشت و من به یکی از دوستان دگرجنسگرای خودم خبر دادم و از او خواستم که از من عکس بگیرد تا یادگاری داشته باشم. او هم نمی‌دانست که من همجنسگرا هستم و کلاً با همجنسگرایی هم مخالف بود اما من مجبور بودم که به او خبر دهم چون دوست عکاسی داشت که می‌توانست کمکم کند و عکسم را چاپ کند چون هر جایی این کارها را نمی‌کنند. مجبور شدم به دوستم هم دروغ بگویم. گفتم که مشروب خورده بودم و بسیجی‌ها من را گرفتن و شلاق زدند. من می‌ترسیدم که دلیل اصلی این شلاق‌ها را بگویم چون هر اتفاق بدتری امکان پذیر بود.

همان شبی که به خانه آمدم برای برادرم تنها کسی که می‌توانم برای او درد و دل کنم ایمیل زدم و جریان را برای او نوشتم. برادرم هم همجنسگرا است و حدود چهار سال پیش از ایران خارج شده بود. من و او تنها کسانی در دنیا هستیم که همدیگر را درک می‌کنیم و هیچکس از همجنسگرا بودن ما مطلع نیست.

تا آن زمان هیچ به فکر خروج از کشورم نبودم اما دیگر نمی‌توانستم تحمل کنم و هر لحظه سایه مرگ و شکنجه بیشتر را در اطراف خودم می‌دیدم و تصمیم به

## باز هم گلایه از لژیون ها

### سامان - تهران

اگر سری به چت روم گی ها در یاهو زده باشید، انواع و اقسام آدمها رو میتوانید ببینید! هموسکسوال، هتروسکسوال، ترنسکسوال... در مورد اینکه دگرجنس گرایان اینجا چه می کنند نمی خواهم بحث کنم. دلایلش را باید از برخی از گی های بسیار محترم پرسید. می شود گفت به ازای هر ۱۰ گی، یک لژیون در این چت روم حاضر است! شاید خیلی ها بگویند "آدمهای درست و حسابی به این ROOM زیاد نمی آیند" تا حدی درست، اما چرا برخی از پارکها و رستوران ها که محل تجمع گی ها شده، لژیون ها هیچ جای خاصی برای دیدن هم ندارند؟ حتی می توانند در همان روزهای خاص به پاتوق گی ها بیایند. اما لژیونهای عزیز حتی در چت رومها هم حاضر به جواب دادن به PM های گی ها نیستند! مگر شما هم همجنسگرا نیستید؟ پس وبلاگ هایتان کجاست؟ چرا اکثر دست اندر کارن PGLO گی هستند؟ پس شما کجایید؟ آیا مایلید که پس از مشقت های بسیار زیاد، گی ها آزادی همجنسگرایان را به دست آورند و شما حاضر و آماده سر سفره حاضر شوید؟ شاید ما گی ها به تنهایی موفق شویم، اما به کمک شما هم نیاز داریم.

همه جا ما به اوا خواهر معروفیم، اما ما اوا خواهر ها که از شماهایی که احساسات مردانه دارید، مرد تریم که؟! همین حالا بلند شوید و قدمی بردارید. ما در کنار هم راحتتر به روشنائی میرسیم.

در ایران یک مجله ای بنام "راه زندگی" وجود دارد که هر پانزده روز یکبار چاپ و در روزنامه فروشی ها در دسترس قرار می گیرد این مجله مانند بقیه مجله ها دارای مطالب اجتماعی و خانوادگی می باشد و تفاوت این مجله با سایر مجلات این است که در این مجله یک بخش بنام "دوجنسی ها" وجود دارد که هر بار در مورد مشکلات و... افراد دوجنسی مطالبی را چاپ میکند.

آدرس اینترنتی این مجله :

[www.rahezendegi.com](http://www.rahezendegi.com)

فرار گرفتم تا حداقل جان خودم را حفظ کنم. حدود شش ماه بعد از این حادثه به طور قانونی از کشور خارج شدم و خودم را به دفتر کمیسریای عالی پناهندگان سازمان ملل در اسلام آباد پاکستان معرفی کردم و هنوز منتظر جواب هستم.

این بود شرح حالی دیگر که برایمان تازگی ندارد. اتفاقی که بارها و بارها شاهد آن بودیم و هر با که آواز برآوردیم ما را به خاموشی توصیه کردند اما این آواز به فریادی تبدیل خواهد شد و دل سکوت را خواهد شکافت و به همگان خواهیم فهماند که همجنسگرایان و ترنسجندرها و دوجنسگرایان ایرانی در سختی به سر می برند و آزادی حقوقی ندارند و چه سرنوشت های تلخی برای آنان رقم می خورد.

اگر مایل هستید که از سام حمایت کنید خواهشمند است نامه زیر را برای دفتر کمیسریای عالی پناهندگان ایمیل کنید و او را پشتیبانی نمایید.

To: United Nations High Commissioner for Refugees – Pakistan

Subject: UNHCR file No. 622 - 05 C 00372

Dear Sir or Madam

I am writing in regards to a citizen of Iran, who has fled his country and arrived in Pakistan. I understand that he has applied to your commission to be recognized as a refugee. I also understand that he is a homosexual (gay) and has been persecuted in Iran because of his sexual orientation. I have grave concerns about his life if he is not given protection by the UN as a refugee, and sent back to Iran. Gay people are severely persecuted in Iran.

Sexual relations between men are punished by death in this country.

I urge your commission to provide him with the protection that he needs as a refugee.

Yours sincerely,

(Your name and country)



## نامه ای به نماینده کانادا در سازمان ملل

مترجم: آرشام پارسی



۱۳ اکتبر ۲۰۰۵

به: آلن روک، نماینده کانادا در سازمان ملل متحد

نماینده محترم جناب آقای روک،

سازمان بین المللی ARC در راستای همدستی و همیاری با دیگر ارگان های بین المللی و سازمان های غیر دولتی داخلی به جهت توسعه و پیشرفت حقوق بشر در مورد رفتارها، گرایشات و هویت جنسی فعالیت می کند. ما ارتباطات الکترونیکی ای با بیش از ۳۰۰ گروه و شخص را در سرتاسر جهان برقرار نموده ایم. هدف ما از این تلاش ها ایجاد شبکه و بحث و گفتگو و بررسی راه کارهای پیشرفت و توسعه حقوق بشر برای افرادی است که به دلیل جنسیت، هویت جنسی، نژاد و وضعیت ایدز تحت تجاوز قرار گرفته اند. مرکز توجه بحث و گفتگوهای ما بر سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای بین المللی برای گسترش حقوق بشر می باشد.

به تازگی خشونت، شکنجه و اعدام در ایران بحث های گسترده ای را ایجاد کرده است. گزارش ها حاکی از آن است که دولت ایران نسبت به تعهدات جهانی خودش در مورد اعدام و شکنجه کودکان تخلف نموده است. همچنین مدارکی دال بر اینکه در ایران خشونت های فاحشی برپایه ی رفتارهای جنسی افراد، موجود می باشد. در ایران رفتارهای همجنسگرایی محکوم به مرگ است. طبق ماده ۶ پیمان بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، محکوم شدن به مرگ تنها به جرایم بسیار جدی محدود شده است و به طور مشخص هرگونه روابط جنسی با رضایت طرفین مستثنی شده است.

سازمان بین المللی ARC و سازمان های جهانی حقوق بشر مخالفت خود را با هرگونه محکومیت به مرگ که بر خلاف قوانین جهانی حقوق بشر می باشد را اعلام

می دارد. از نظر حقوق بشر مجازات های ناشایستی که بر پایه جرائم جنسی انجام می شود بسیار جدی تر به نظر می رسند. علاوه بر آن اعدام در مقابل دید همگان به هر دلیلی که باشد یک تخلف حقوقی است و مجازاتی بیرحمانه و ضد بشری را به تصویر می کشد. فیلیپ آلستون، گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد جزئیات اعدام ها به تازگی گفته است: "برای کسانی که قوانین بین المللی را پذیرفته اند سدومی یا لواط به عنوان یکی از جرائم بسیار مهم و جدی به شمار نمی رود و مجازات مرگ را برای آن در نظر گرفتن کاملاً نامتناسب می باشد". علاوه بر آن شیرین عبادی برنده ایرانی جایزه صلح نوبل و دیگر مدافعان حقوقی در ایران به این اعدام ها که یکی از آنها در شهر مشهد بوده اعتراض کرده اند. این یک واکنش بین المللی و اعتراض به وضعیت ایران در پی داشته است. همچنین اداره مهاجرت و امور پناهندگی کشور هلند سریعاً تصمیم به متوقف ساختن روند اخراج پناجویان همجنسگرا به ایران را گرفته است.

به عنوان یک سازمان غیردولتی کانادایی از به رسمیت شناختن هویت و رفتار جنسی از جانب دولت کانادا بسیار خوشبختیم و مایل به همکاری بیشتر با دولت در مورد وضعیت نگران کننده حقوق بشر در ایران هستیم. همچنین مایل هستیم به طور اختصاصی توجه تان را به نتایج موفق قطع نامه جلب کنیم که در کمیته سوم سال گذشته دولت کانادا و ۳۳ پشتیبان دیگر آن را هدایت کردند. ما احساس می کنیم قطع نامه امسال با اجماع بین المللی فرصت مهمی را برای اعلام به ایران در جهت توقف سرکوبی و مجازاتی که بر پایه هویت جنسی است فراهم می کند. با توجه به اعدام های اخیر، لازم است که ایران برای این قبیل آزارها پاسخگو باشد. ما متوجه هستیم که این قطع نامه دوباره از جانب جلسات کمیته سوم رسیدگی خواهد شد.

هرگونه تاکید که برای انتشار این قطع نامه آورده می شود مورد نظر ما نیز می باشد. موارد تجاوز حقوق بشر بدین شرح می باشد، بند 2c که بر شرایط جدی اعدام تاکید می کند. و با استفاده از کلمات "و به طور اختصاصی اعدام افراد زیر ۱۸ سال رقت آور است." و از نگارشی مثل "و برای تبعیض از جهت هویت جنسی"

## یک حادثه شوم برای یک ترنسجندر

پیرو خبر دریافتی از یکی از دوستان که گزارشی از حادثه ای در مورخ ۱۷ آذر ماه در ساعت ۱ بامداد در چهار راه کالج تهران اتفاق افتاده است در ذیل جهت استحضار همگان قرار داده ایم لطفاً این خبر را در رسانه های خود منتشر کنید و افکار عمومی را در مورد ظلمی که همه روزه بر اقلیت های جنسی در کشور رخ میدهد آگاه سازید.

جوان عصبانی از موتور پیاده شد. با قدرت و چابکی به سمت او رفت. یقه لباسش را گرفت. هوا تاریک بود. سیاهی مرگ همه جا را فرا گرفته بود. من سردم بود. فکر کنم تمام ترانس ها و تمام همجنسگرایان و تمام انسانها سردشان شده بود. دوستان جوان فریاد میزدند. بزن ... بزن ... بزن مادرش را به عزایش بنشان. او وحشت زده به اطراف نگاه می کرد. با صدای لرزان و دخترانه گفت مگر من چکار کردم. پسر گفت تو دوجنسه هستی. تو اوخواهري تو ابنه ای هستی باید پدرت رو در بیاوریم. هوا تاریک تر شد. بوی دود ماشین



های تهران چشمانم را سوزاند. من گریه می کردم. صدای فریادها بیشتر شده بود. بزن ... بزن و اینطرف تر صدای فریادی می آمد که هیچ کس آن را نمی شنید... چون همه کر بودند. صدا از قلب من و کسانی بود که

شاهد حادثه بودند. زن... زن ... ای نامرد کثیف زن ... مگر او چه کرده او هم انسان است... زن... و زد. صدای جیغی دلخراش مغز مرا متلاشی کرد. کارد بالا میرفت... کارد پائین می آمد... و قلب مرا شرحه شرحه می کرد. برق تیزی کارد چشمانم را از کاسه در آورد. او می سوخت. او فرار می کرد ولی باز به دست اون کثافت ها می افتاد. او کمک می خواست. هنوز صدای فریادش در گوشم است. کمک ... کمک... اما هیچ کس نبود. چرا؟ چرا؟ پس امنیت کجاست؟ پس آزادی کجاست؟ او یک ترنسجندر بود. به چه جرمی زیر ضربات کارد کثافتان قرار گرفت؟ چرا قانون همیشه به انسانهای ظالم اجازه میدهد هر غلطی دوست دارند بکنند؟! ... مرگ بر این ظلمت جهانی....

آیین چراغ، خاموشی نیست!

ادامه می دهد و از "و یا برای روابطی که بر پایه رضایت طرفین است" برای جایگزین استفاده می کند. همچنین با نگارش متشابهی در بند 2g تا 2i که اشاره می کند به طور اختصاصی در مورد سازماندهی تبعیض گرایانه علیه زنان، دختران، کودکان و ادیان و فعالین سیاسی توضیح می دهد. ما مشتاقانه مایل هستیم که با دولت کانادا و پشتیبانانش در این موارد که به طور مشخص تجاوز را نشان می دهد همکاری داشته باشیم و این اطمینان را می دهیم که برای شرکت یا پیگیری از طریق همکاران آمریکاییمان تلاش می کنیم.

در حقیقت این می تواند بسیار با ارزش باشد که اعدام های اخیر را در کنار ارایه قطع نامه به صورت شفاهی نیز اشاره کرد.

ما بسیار امیدواریم که دولت کانادا در نقش رهبری جهانی در حوزه ترویج و حمایت حقوق بشر نقش خود را ادامه دهد. همچنین تمایل خودمان را برای قدم گذاشتن در این امر مهم یعنی حمایت از افرادی که در ایران تحت ستم هستند را اعلام می داریم.

با احترام صادقانه،

کیم ونسما

جان فیشر

جانشینان ریاست سازمان جهانی آرک

به این سایت ها سر بزنید

امداد ایدز

[http://www.aids-ir.org/emdade\\_aids.html](http://www.aids-ir.org/emdade_aids.html)

سایت هایی برای دوست یابی

<http://freepgs.com/pffe>

<http://iran.gay.guyslink.com>

<http://www.geocities.com/persianguyachat>

## پیام دبیر کل سازمان همجنسگرایان ایرانی به نشست ایلگا در استانبول

آرین ورجاوندی - دبیر کل سازمان



تاریخ: ۱۸ نوامبر ۲۰۰۵

خانم ها و آقایان،

قبل از هر چیز از اینکه ما را در جمع خود پذیرفتید سپاسگزارم و مایلم که کمی در مورد ایران بگویم.

ما از سرزمینی آمده ایم که تاریخی بس قدیمی دارد، کشوری که محلی بود برای هر دین و آئینی و پناهگاهی بود برای هر کسی که محل امنی را جستجو می کرد، ما از ایران آمده و ایرانی هستیم.

زمانی که دنیا در جنگ بود و مردم به خاطر نژاد و عقایدشان کشته می شدند، کوروش بزرگ منشور آزادی را تدوین کرد. او آن را برای جهانیان به هدیه آورد، اما ما ایرانیان از این ارث محروم شده ایم. ما از برگزاری میهمانی محرومیم، ما از داشتن جلسات و حتی وب نوشت ها محرومیم.

ایران سرزمینی است که ادیبانی چون مولانا، سعدی، فردوسی، حافظ، خیام و نظامی دارد اما این روزها عشق در آن کشور ممنوعیت دارد و جرم است. در کشوری که حافظ بهترین غزلیات عاشقانه را سروده، عشق جرم است.

در ایرانی که مولانا عاشق شمس تبریزی شد، همجنسگرایان به مرگ محکوم می شوند که شاهد این اعدام های اخیر در مشهد و گرگان بودیم. ما نیازمند کمک و حمایت شما هستیم.

ما از شما و تمام مدافعان حقوق بشر درخواست می کنیم که همجنسگرایان ایرانی را درک کرده و این جریاناتی که در ایران به راه افتاده است را محکوم کنید.

## گزارشی از نشست ایلگا در استانبول

همانطور که در پیش شماره نهم آمد سازمان همجنسگرایان ایرانی PGLO به عنوان عضو رسمی جمعیت جهانی همجنسگرایان ILGA پذیرفته شد و به عنوان نماینده ایران در جلسات و کنفرانس ها حضور خواهد یافت. اولین حضور PGLO در کنفرانس دو روزه استانبول بود که در تاریخ ۱۹ و ۲۰ نوامبر سال جاری برگزار شد. آرشام پارسی سخنگو و دبیر حقوقی سازمان و پیام شیرازی دبیر فرهنگی سازمان به عنوان نمایندگان سازمان در این کنفرانس حضور یافتند.

این کنفرانس با حضور دبیر کل سازمان ایلگا جناب آقای کورشاد کاهرمانعلو، مدیر سازمان ایلگا جناب آقای استفان بریس، سرکار خانم کریستین لودز از ایلگا اروپا، جناب آقای هانس مارکوس هرن از سازمان امنستی سوئیس، آقای دنیز وان در فور از طرف سازمان های هلندی، تعدادی از مدیران سازمان کائوس از ترکیه، تعدادی از مسولان گروه لامبدا استانبول از ترکیه و نمایندگان سازمان همجنسگرایان ایرانی حضور داشتند.



ساعت ده صبح روز نوزدهم نوامبر کنفرانس دو روزه استانبول با بیانیه دبیر کل ایلگا آغاز شد در این بیانیه ذکر شده بود که ایلگا به دلیل پیوستن عضو جدید خود که همان سازمان همجنسگرایان ایرانی است بر خود موظف می داند که در نشست های اولیه خود این مورد را در دستور کار خود قرار دهد یکی از علت های حضور امنستی سوئیس در این جلسه ایران می باشد زیرا که سوئیس حافظ منافع ایران در برخی کشورها می باشد و در ادامه بحث و بررسی های جامع و مفصلی در مورد وضعیت همجنسگرایان و ترنسجندرها در ترکیه انجام

شد و طرح همجنسگرایان پزشکی قانونی و نظام وظیفه مطرح گردید که مورد نظرخواهی و نقد قرار گرفته شد. دعوت شدگان این نشست در روز اول گزارشاتی در ارتباط با فعالیت های LGBT ها در سرتاسر دنیا ارائه نمودند و این حرکات را رو به رشد نام نهاده و از همگان دعوت کردند که در جهت ارتقا و استحکام این حرکت ها و رفع موانع موجود اقدام نمایند.



آرشام پارسی نیز پس از خواندن پیام دبیر کل سازمان به نشست ایلگا به صورت دقیقی وضعیت بغرنج جامعه LGBT ایرانی را تشریح نمود و از سازمان های مختلف حاضر درخواست یاری و مشارکت نمود و در ادامه جناب آقای دنیز از هلند به ارائه راهکارهای جهانی جامعه LGBT و فعالیت های هدفمند پرداختند و اولین روز کنفرانس در ساعت پنج بعد از ظهر به اتمام رسید.

در دومین روز کنفرانس مباحث بسیار زیادی در ارتباط با ایران و وضعیت LGBT های ایرانی مطرح گردید و تصمیم بر آن شد که اقداماتی هماهنگ صورت پذیرد. کشور ترکیه ریاست دوره ای کنفرانس سران کشورهای اسلامی را در این دوره به عهده دارد و سازمان های ترکیه پیشنهاد نمودند که در پایان این کنفرانس دو روزه قطعنامه ای تنظیم و صادر گردد و گزارشی به کنفرانس سران کشورهای اسلامی ارسال شود که شرکت کنندگان در این نشست آن را امضا و خواستار رسیدگی و بررسی شوند. به همین دلیل نشست های ویژه ای در حاشیه این کنفرانس با حضور جناب آقای اوموت از کائوس، آقای ینر از لامبدا، جناب آقای استفان موریس از ایلگا و پیام شیرازی از سازمان همجنسگرایان ایرانی تشکیل شد تا این قطعنامه تهیه و تنظیم شده و جهت امضا آماده گردد. آرشام پارسی نیز در نشست ویژه با

مدیران لامبدا استانبول که یکی از گروه های فعال LGBT در ترکیه می باشد نیز روند پناهجویی همجنسگرایان ایرانی در ترکیه را مورد بررسی قرار داده و خواستار همکاری و همیاری این سازمان ها و گروه ها از پناهجویان ایرانی در ترکیه شدند. شایان ذکر است که لامبدا استانبول فعالیت های زیادی در حمایت از پرونده های اضطراری پناهجو در ترکیه داشته است و اعتراضات زیادی را در محکومیت نقض قوانین حقوق بین الملل در رابطه با LGBT های ایرانی به کنسولگری ایران در استانبول انجام داده است.

پیام شیرازی نیز در نشست با سرکار خانم کریستین از ایلگا اروپا مسائل LGBT های ایرانی به خصوص لژیون ها و ترنسجندرها را مورد بررسی قرار دادند و ارتباطی ویژه را در این امر خواستار شدند که با موافقت اکثریت روبرو شد. سرکار خانم دمت نیز از لامبدا استانبول که یک دوجنس شده مرد به زن است و صاحب نشریه گاجی می باشد نیز گزارشاتی را از حمایت های این گروه از ترنسجندهای ایرانی مقیم ترکیه در سفر خود به آلمان و حضور در پارلمان اروپا به پیام شیرازی ارائه نمودند و طرح هایی را نیز برای اجرا مورد بررسی قرار دادند.

در پایان روز دوم کنفرانس پیش نویس قطعنامه های تدوین شده در دو مورد ایران و طرح همجنسگرایان پزشکی قانونی و نظام وظیفه جهت تصویبات اولیه

خوانده شد و مفاد آن به نظرخواهی گذاشته شد و پیش نویس آن توسط اکثریت آرای موجود به تصویب رسید و پس از تدوین نهایی به سه زبان انگلیسی، ترکی و



فارسی در وب سایت های ایلگا، سازمان همجنسگرایان ایرانی، کائوس و لامبدا ارائه خواهد شد. همچنین نشست اختصاصی با جناب آقای دنیز واندر فور از هلند ترتیب داده شد و آرشام پارسی به همراه پیام شیرازی گزارشاتی از ایجاد کمپین دفاع از پناهجویان همجنسگرا در هلند را ارائه و راهکارهای عملی را مورد نقد و بررسی قرار دادند.



## از رنجی که می بریم: سیاه و سفید

### احسان حسبان

تمام نسخه های قبلی شما را دیدم. نمی دانم که، که بود که مرا با شما پیوند داد. دمش گرم! به فکر افتادم در حد توان خودم با توجه به حجم فراوان کارهای عقب مانده و امتحانات پیشاپیش به یاریتان پیام که مرا از تنهایی در آوردین. با شما احساس خوبی دارم. از اینکه مرا در جمع خود با گرمی پذیرفتین ممنون. اصلاً توقع چنین استقبالی را نداشتم. به نظرم آمد تا از درد دلها بگویم. از بی مهری ها. از گسستگی ها. از آشفته بازار این اجتماع مظلوم. ظلمی که خود بعضی همجنسگراها به خود می کنند. و آنرا تحت عنوان " از رنجی که می بریم" در چند سری و در چندین موضوع تقدیمتان نمایم. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید!!

فکر کردم اندکی متفاوت با شما بنویسم تا هم تنوعی باشد و هم راه را برای پیشرفت و عمق یافتن مطالب بصورت استدلالی و آماری فراهم سازد. موضوعی را که این بار انتخاب کرده ام در بوته آزمایش بارها آزموده ام و نظرات و عکس العملهای گوناگون را دیده ام. غالباً افراد را موافق رای خود دیدم اما مخالفان (مخالف!!) را هم دیده ام که از قضا یکی از همکاران شماست! خیالی نیست!! من حقیقت را نوشتم و ضمیرهای پاک مسلماً به آن نظر نیک خواهند داشت.

بر این باورم که برای رسیدن به حقوق پایمال شده خود علاوه بر تلاشهای برونی باید اصلاحاتی در درون جامعه همجنسگرایان نیز صورت بگیرد که یک نمونه آن مقاله زیر است که بارها اصلاحش کردم. تورو خدا آشو لاشش نکنینا!! همین جوری چاپش کنین لطفاً!! دوستون دارم یه دنیا. کاش بشه یه روز تو ایران آزاد به همه حقوق قانونی خودمون برسیم. بوس بوس بوس.

### تقدیم به دو روح پاک، دو عاشق حقیقی، آرمیده در مشهد

هر نکویی را آفت و بلکه آفاتیست، ورزشکار را اعتیاد، مرغ زیرک را مستی، نگهبان را غفلت و عشق را ... . طبق نظر کارشناسان برجسته از هر ده نفر یک نفر با گرایشهای همجنسگرایانه متولد می گردد. از میان این جمع همجنسگرایان، تمایلات جنسی، جنسیت، خلقیات و اشتراکات قلبی قلیلی با هم تطابق دارد، به عبارت دیگر بر خلاف دگرجنسگراها برای همجنسگراها

تعداد اندکی مورد مناسب برای زندگی مشترک وجود دارد که در میان انبوهی از مشکلات اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، بهداشتی و ... بوضوح قامت می نماید و البته در ایران صد چندان! چه کنیم؟ به کجا بگریزیم؟ به که پناه ببریم؟

روانشناسان معتقدند میزان هوش و ذکاوت با تحمل رنج و آلام روانی رابطه مستقیم دارد. پس خرم آنکه کره خر آمد و خر برفت! جماعت همجنسگراها در طول تاریخ همواره شاهد چهره های مشعشع کم نظیر و بی نظیر صاحب ذوق هنری و هوش بالا بوده است که افلاطون، اسکندر مقدونی و... از طلایه داران آن به شمار می روند. در این راستا همجنسگراها که غالباً صاحب هوش، ذوق و استعداد فراوانند طعمه انبوهی از مشکلات روحی روانیند.

اصولاً، بر خلاف عرف بی هویت فعلی، همجنسگرایی به سکس خلاصه نمی گردد. همجنسگرایی اوج تعالی روح دو همجنس در کنار هم، لذت از هم صحبتی، همفلسفی، همدمی، هم نوایی، به کمال رسیدن در کنار هم و نهایت زیباییست و نه صرف یک عمل که حیوانات بهتر از عهده آن بر می آیند. سکس می تواند رابطه دو همجنسگرا را قوام بخشد اما متضمن بقا نیست. آیا سکس به تنهایی همه چیز است؟ اگر بله پس تکلیف عشق چیست؟ تنهایی را چه پاسخگویی است؟ حس نیاز به هم نوع را چه یاوریت؟ در موقعیت بسیار نابسامان فعلی، اوج کج نظریها، اعدامها، هتک حرمتها، درک نشدن همجنسگراها توسط خانواده ها و نزدیکترین دوستان و ... چگونه تراژدی را به نظاره نشسته ایم؟ این کابوس را برآستی کی سپیده دم است؟ حقیقتاً رومهای چت، پارکهای معروف و بعضی گی پارتی ها، در راستای تأمین نظر کدام دسته گام بر می دارند و اصولاً طرفدار کی هستند؟ به کجا می روند؟ به کجا چنین شتابان؟ تقریباً هر روز و گاهی روزی چندین مرتبه نظاره گر هرزگی هستیم. عباراتی نظیر: "مکان دارم"، "sex chat"، "group sex"، "sex tel" و... در رومهای چت، اطوارهایی نظیر: آرایشهای غلیظ، فیگورهای زنده و ... در مکانهای عمومی به راستی چه معنایی دارند؟ آیا همین است مثنی نمونه خروار؟ کس نخارد پشت من جز ناخن انگشت من. باید چاره ای بیندیشیم. اگر انتظار حمایت داریم، اگر توقع

خدا آفرید. هستی را. نیستی را. زیبایی را. عشق را. آه که چه زیباست عشق! آرام جان! مفرح روان! پگاه شب تارا! ... اصلاً در قالب کلمات نمی گنجد. نگاهت می کنم. آه که چه زیبایی! کسی در نظرم به زیبایی تو نیست. در آغوش می گیرمت. احدی به گرمی تو نیست. دیده در دیدگانت می دوزم. نگاهی چنین دلنشین نیست. مادام که نیستی در فکر توام، بی تايم. تو آرام جانی. گویی از تو هستی می گیرم. با تو زندگی چه رنگارنگ، بی تو چه پوچ! انتخاب با شماست. کدام زیباتر است؟

کسانی که بد را پسندیده اند  
ندانم که از نیکی چه بد دیده اند



**چراغی را افروخته ایم و امید داریم که روزی  
خورشیدی درخشان شود**

## اما این محقق نخواهد شد مگر با حمایت های شما

دوستان عزیز:

چنانچه هر کدام از پیش شماره های چراغ را ندارید کافی  
است ما را از آن مطلع نمایید.  
لطفاً دوستان خود را نیز با ما آشتی دهید تا اشعه ای باشند  
برای چراغی که خورشید خواهد شد

[editor@pglo.org](mailto:editor@pglo.org)

برآورده شدن حقوق و اگر چشم به راه به دیده احترام نگریسته شدن داریم، باید تغییر کنیم. باید قابل احترام باشیم. مگر اسکندر، افلاطون و ... را جهانیان به دیده نکو نمی نگرند؟ آنها چه کرده اند؟ آنها چه راهی پیموده اند؟ آیا آنها گریه های فضایی بوده اند؟! آیا صدای "انا المظلوم" (من مظلومم) آنان گوش فلک را کر کرد در حالیکه همچنان به هوسبازی و هرزگی مشغول بودند؟ آیا در سوگ معشوق خود نسوختند؟ آیا به معشوق وفادار نماندند؟ آیا براستی از از بقای عشق خود نیرو نمی گرفتند تا جاودانه تاریخ گشتند؟ در واقع مونس آنان پله مهم ترقیشان بود. باور کنیم که آنان با هرزگی هرگز در هفت آسمان ستاره ای نمی داشتند. به خود و روابط بین خود بنگریم. آیا الگوهای ما آن چهره های تابناکند؟ بدون تعارف نام کسی را که هر وقت و بی وقت به هر کس و ناکسی پیشنهاد سکس می دهد یا پیشنهاد سکس دریافتی را می پذیرد، را چه می گذارید؟ هر اسمی می گذارید مسلماً سیندرلا نیست!! به یاد بیاورید آن همجنسگرا را که وقتی دستگیر شده بود به ضمانت یک بسیجی آزاد شد و بعد توسط آن بسیجی مورد هتک حرمت واقع شد. آیا ما هم همدریف همان بسیجی ... صفت هستیم؟

بیاید پیشنهاد هر بی سر و پای را برای رابطه نپذیریم. بیاید به صرف چهره زیبا به معشوق خود پشت نکنیم. بیاید پاسدار زیبایی باشیم. بیاید عشق را بجویم. بیاید از هویت گمشده خود را بازیابیم. بیاید از حیثیت خویش دفاع کنیم. بیاید عشق را بجای سکس بجویم. احترام ما بدست خود ماست. اندکی با هم مهربانتر باشیم. هیچ جامعه ای بدون ما کامل نیست. ما سرمایه های اجتماع خویشیم. اجتماع را بدون نخبه ها یآوری نیست. پس دیر یا زود مجبور خواهند بود به ما احترام بگذارند و حقوق پایمال شده ما را به رسمیت بشناسند. اما کی؟ وقتی خود بخواییم. وقتی خود محترم باشیم. بدانیم که دگرجنسگراهای هرزه نیز بی بهره از بسیاری حقوقند.

با خودمان رک باشیم. از رابطه چه می خواهیم؟ یک سکس و دیگر خداحافظ؟ یا یک مونس، یک همدم، یک همسخن، یک همزبان، کسی که آغوشش همیشه بروی شما باز است، حرف دل را او ترجمان است.

## سیاست ها و راهبردهای فعالیت همجنسگرایان

### امیر پورشریعی

با سلام و تشکر فراوان از کوشش های شما در جهت بهبود زندگی همجنسگرایان ایرانی.

مدتی پیش در جلسه هفتگی پالتاکی سازمان در مورد سیاست ها و راهبردهای فعالیتهای همجنسگرایان صحبت کردیم و قرار شد که من مطالبم را برای چاپ در نشریه و اطلاع بیشتر دوستان برای شما بفرستم .

مدتهاست که در زمینه همجنسگرایی در ایران فعالیت هایی انجام می شود ولی متأسفانه به دلایلی تقریباً هیچ یک از این فعالیت ها به نتایج دلخواه نرسیده به جز در یک زمینه و آن آشنا کردن همجنسگرایان با هم و تشکیل جامعه همجنسگرایان ایرانیست.

در سالهای اخیر به دلیل تحولات اجتماعی و به خصوص پدیده اینترنت روابط گسترده ای میان همجنسگرایان ایجاد شد و همجنسگرایان جامعه ای مرتبط و وسیع را شکل دادند که در هیچ زمانی به این صورت وجود نداشته و از این طریق بخشی از مشکلات برای مثال احساس گناه و تنهایی به صورت خود به خود کاهش یافته و در پی آن به نظر می رسد مشکلات روانی هم در بین همجنسگرایان جوان تر رو به کاهش است از طرفی تشکیل این جامعه فرصت را برای انجام اصلاحات در زندگی همجنسگرایان ایرانی فراهم کرده است.

در این میان جای سوال است که چرا خود همجنسگرایان به موفقیت چشم گیری برای بهبود اوضاع خود در ایران دست نیافته اند و این در حالی است که فعالیت هائی انجام شده و می شود و نتیجه بخش نبودن آنها جای نگرانیست.

بسیاری از این فعالیت ها به دلیل نداشتن سازماندهی و تک روی و حمایت نشدن بی نتیجه مانده و بسیاری از ایده ها و راهکارهای انتخاب شده برای بهبود اوضاع همجنسگرایان ایرانی عملی و موثر نبوده و این لزوم دقت بیشتر در انتخاب راهبرد ها و برنامه ها را روشن میکند .

واضح است که برای ایجاد هر تحول در این جامعه نیاز به کار گروهی و حمایت همجنسگرایان در سطح وسیع داریم مشارکت نکردن اکثریت همجنسگرایان مشکلی است که همیشه وجود داشته و خواهد داشت مگر اینکه روش های جدیدی برای هدایت این گروه پیش

گرفته شود. شاید دلیل عدم موفقیت فعالان در سازماندهی و هدایت همجنسگرایان و در نهایت انجام فعالیت های گروهی موثر به دلیل انتخاب سیاست ها و راهکار های نادرست بوده است.

برای دست یافتن به راهکار های موثر و عملی فکر می کنم توجه بیشتر به نکات زیر لازم باشد :

۱- قبل از شروع هر فعالیت هدف بسیار مشخصی را تعیین کنیم گاهی وسیع بودن دامنه تعریف هدف رسیدن به آن را مشکل می کند مثلاً بهبود فرهنگ یا بهداشت در میان همجنسگرایان با توجه به امکانات و سطح فعالیت های موجود در جامعه همجنسگرایان ایرانی یک هدف مجهول و بسیار وسیع است ولی همین هدف برای یک سازمان بسیار فعال و بزرگ مثل سازمان بهداشت جهانی یک هدف عملی است .

به نظر می رسد بهتر است برای شروع و تقویت فعالیت های همجنسگرایان از اهداف کوچک و بسیار مشخص استفاده شود مثلاً تشویق همجنسگرایان به استفاده از کاندوم یا معرفی و پخش یک کتاب مشخص که بتواند در بالا بردن سطح فرهنگ همجنسگرایان کمک کند. سازماندهی و فعالیت برای چنین اهدافی بسیار عملی تر خواهد بود.

۲- تمرکز و پیگیری برای رسیدن به اهداف تعیین شده . در هر زمانی اتفاقاتی رخ خواهد داد که رسیدگی فوری به آن مهم به نظر می رسد ولی شاید اگر به چرخه زمان نگاه کنیم این مسئله هم در گذشته به دلیل رسیدگی به فوریتی دیگر رها شده باشد و متأسفانه روز به روز بر تعداد اقدامات نیمه کاره افزوده می شود.

۳- سنجیدن تاثیری که هر فعالیت می تواند در بهبود زندگی همجنسگرایان داشته باشد و هزینه ای که باید برای آن پرداخته شود . گاهی ممکن است برای درست کردن ابرو چشم را کور کنیم .

**پروژه ایدز سازمان  
همجنسگرایان ایرانی را  
حمایت و پشتیبانی کنید  
mani@pglo.org**

## روز جهانی حقوق بشر

**کیواندخت قهاری - صدای آلمان (با کمی کوتاه سازی)**

دهم دسامبر، بیستم آذر ماه، روز جهانی حقوق بشر، سالروز تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر است: حقوق بشر، حقوق انسان به عنوان انسان، به عنوان جهان‌وند، حقوقی که تحقق‌شان اما با تحقق حقوق انسان به عنوان شهروند گره خورده است. پنج دهه از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گذرد و هنوز هم بسیاری از انسانها محروم از این حقوق و ناآگاه از آن عمر خود را به سر می‌آورند.

چونکه انسان می‌زید کوتاه

حس خوشبختی سزای اوست، نه مردن،

نیز سهم در لذت در این هستی،

سنگ نه، نان بایش خوردن.

حق محض آدمی این است در دنیا!

تاکنون نشنیده مانده ست این ولی افسوس،

که حقی هست و باید هم چنین باشد.

داشتن حق و برخورداری از حق دو چیز متفاوت‌اند. و تنها حقوقدانان نیستند که به این حقیقت رسیده‌اند. حقوق بشر برای همه انسانهاست. این حقوق حقوقی است که هر انسانی می‌تواند مستقل از جنسیت، نژاد، سن، طبقه اجتماعی، ملیت یا مذهب و اعتقاد خود خواهان برخورداری از آن باشد. هر روز حدود ۳۷۵ هزار انسان به دنیا می‌آیند. اما بسیاری از آنها هیچگاه در طول عمر خود از حقوق خویش آگاه نمی‌شوند، چه برسد به اینکه بتوانند با برخورداری از این حقوق زندگی کنند. نخستین اصل اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌گوید: "تمام افراد بشر آزاد زاده می‌شوند و از لحاظ حیثیت و کرامت و حقوق با هم برابرند." ایده‌های اساسی‌ای که در این اعلامیه آمده و در سطح بین‌المللی مطرح گشتند، حاصل صدها سال تفکر درباره حقوق انسان به عنوان انسان بودند. تمام اندیشه‌هایی که در "منشور حقوق شهروندی" سال ۱۶۸۹ انگلیس، اعلامیه استقلال سال ۱۷۷۶ آمریکا و اعلامیه حقوق بشر انقلاب فرانسه منتشر شده در روز ۲۶ اوت سال ۱۷۸۹ وجود داشتند، به متن اعلامیه جهانی حقوق بشر راه یافتند.

با وجود این پشتوانه عظیم فکری که محصول صدها سال کار فیلسوفانی است که به حقوق انسان به

عنوان انسان اندیشیده‌اند، باز لازم بود که در سالهای پس از تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر اصولی تکمیلی به آن افزوده شود تا روشن گردد که اسیران جنگی، آوارگان، زنان، مخالفان با جنگ، قربانیان شکنجه و کودکان نیز انسانهایی هستند که باید از حقوق پایه‌ای بشری برخوردار باشند. این اصول دست کم روی کاغذ ثبت شدند. چون اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد تنها قصد و خواستی را بیان می‌کنند و به لحاظ قضایی و حقوق ملل الزام‌آور نیستند. با وجود این اعلامیه جهانی حقوق بشر سال ۱۹۴۸ یکی از مهمترین اسناد بشریت است. این اعلامیه سنگ محکی است در تاریخ و برای بسیاری از کشورها الگویی بوده است در تدوین قانون اساسی ملی‌شان.

با وجود همه امضاهایی که کشورهای دنیا در پای اعلامیه جهانی حقوق بشر نهاده‌اند، در عمل در سراسر جهان هر روز این حقوق را نقض می‌کنند. هنوز هم وضعیت جهان به گونه‌ای است که انسانها از اینکه حقوقی انسانی دارند آگاه نیستند. و تنها آنجا که انسان بداند حقوقی دارد است که می‌تواند برای برخوردار شدن از آن حقوق مبارزه کند.

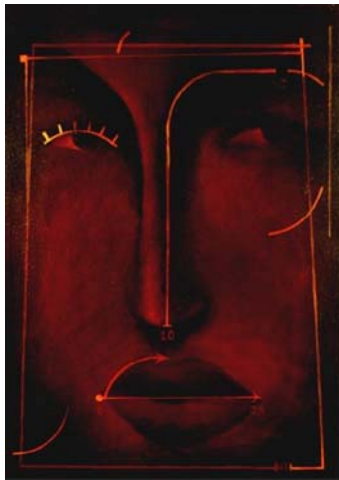
هیچ کشوری در دنیا نیست که بتواند ادعا کند توانسته است صد در صد اصول ایدآل اعلامیه جهانی حقوق بشر را تحقق بخشد. اصل بیست و پنجم اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید که "هر شخصی حق دارد که از سطح زندگی مناسب برای تامین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش، به ویژه از حیث خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی ضروری برخوردار شود". اما هر روز صدهزار انسان در جهان بر اثر گرسنگی می‌میرند. اصل پنجم اعلامیه می‌گوید "هیچ کس نباید شکنجه شود یا تحت مجازات یا رفتاری ظالمانه، انسانی یا تحقیرآمیز قرار گیرد". طبق گزارش سالانه سازمان عفو بین‌الملل اما هنوز هم در بیش از ۱۵۰ کشور جهان انسانها را شکنجه می‌کنند. اصل بیست و ششم اعلامیه می‌گوید "هر شخصی حق دارد از آموزش و پرورش بهره‌مند شود". اما در سراسر جهان بیش از یک میلیارد بی سواد وجود دارد. اصل بیست و دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید "هر شخصی به عنوان عضو جامعه حق امنیت



## جنبش همجنسگرایان جنبشی اجتماعی یا سیاسی؟

### فرهاد رامین

بررسی جنبش همجنسگرایان از زوایای متفاوت می تواند به آشکار شدن نقاط ضعف و قوت این جنبش انجامیده و حرکت آن را تعالی بیشتری بخشد و با تقویت نقاط قوت و اصلاح نقاط ضعف، حرکت آن را به سوی پیروزی در آینده ای نه چندان دور تسهیل نماید. یکی از مباحث بسیار مهم



در این رابطه که موافقان و مخالفان خود را نیز دارد، این است که آیا این جنبش یک جنبش صرف اجتماعی است؟ و یا می تواند جنبشی اجتماعی-سیاسی بوده و نقشی تعیین کننده در روند تحولات جامعه ایران، به ویژه تحولات سیاسی داشته باشد؟

دلیل اصلی کسانی که این جنبش را جنبشی صرف اجتماعی تلقی کرده و مخالف کارکرد سیاسی برای این جنبش هستند. این است که وارد شدن مسائل سیاسی در حوزه عمل این جنبش، حرکت آن را دچار اختلال کرده و باعث می شود جنبش نتواند به خواسته ها و آرمانهای جامعه همجنسگرایان، جامه عمل بپوشاند. چون این جامعه متشکل از افراد متفاوت و دارای دیدگاههای سیاسی متفاوتی است و وارد شدن در حوزه عمل سیاسی باعث ایجاد اختلاف و تنش در آن شده و حرکت جامعه همجنسگرایان را دچار اختلال می کند. ضمناً این کار حساسیت و عکس العمل حاکمیت ایران را برانگیخته و باعث برخورد هرچه شدیدتر حکومت ایران با همجنسگرایان شده و حداقل پیروزیهای این جنبش را نیز در مراحل اولیه دچار توقف می نماید.

ولی مهمترین نکاتی که در اینجا مورد توجه قرار نمی گیرند عبارتند از :

اول این که حرکت این جنبش اگر دقیق نگریسته شود در اصل دارای مبنائی سیاسی می باشد. زیرا مهمترین هدف این جنبش این است که جامعه به نقطه ای برسد، که کلیه اقلیتها و به ویژه اقلیتهای

اجتماعی دارد". يك و نیم میلیارد انسان اما در این کره خاکی در فقر می‌زیند. اصل بیست و سوم این اعلامیه از حق کار برای همه انسانها می‌گوید. تنها در ایران بیش از دو میلیون نیم انسان بیکار هستند و پیش‌بینی می‌شود که شمار کسانی که در ایران محروم از داشتن شغلی هستند تا سال ۱۳۹۰ دو برابر شده، به ۵ میلیون نفر برسد. ایده‌هایی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان شده‌اند، ایده‌هایی چون رهایی از محرومیت و ترس، آزادی بیان و عقیده، آزادی مذهب، حق پیشرفت و خوشبختی ایده‌هایی مجرد و ذهنی نیستند. این ایده‌ها از دل مشاهده رنجهای بشری در طی قرون برآمده‌اند و در تلاش برای رفع رنجهای بشری است که متحقق می‌شوند. اگر به این توجه کنیم که هر روز حقوقی که در اعلامیه جهانی منظور شده‌اند به توسط افراد، گروهها و دولتها پایمال می‌شوند، درمی‌یابیم که هدفهایی که در این اعلامیه آمده کاملاً واقعی هستند. همیشه این خطر وجود دارد که کسی که قدرتی در اختیار دارد و آن را بر انسانهای دیگر اعمال می‌کند، از قدرت خود سواستفاده کند، به ویژه اگر ساز و کارهایی وجود نداشته باشند که جلوی این سواستفاده را بگیرند. اما بیش از پنجاه سال است که در سراسر جهان انسانها کوشیده‌اند تا این ساز و کارها را به وجود آورند، ساز و کارهایی که خود را در پشت مفاهیمی چون ایجاد دموکراسی و دست یافتن به حقوق بشر پنهان می‌کنند.

در سطح جهانی جامعه بین‌الملل توانسته است در سال ۱۹۹۳ در وین پایتخت اتریش گامی دیگر بردارد. در کنفرانسی جهانی که از سوی سازمان ملل متحد در وین در باره حقوق بشر برگزار شد، هم اصولی برای همکاریهای بین‌المللی در زمینه دفاع از حقوق بشر در سراسر جهان تعیین شدند، هم طرح برنامه‌ای عملی ریخته شد. در این کنفرانس تاکید شد بر اینکه حقوق بشر حقوقی هستند جهان‌شمول، حفاظت از این حقوق وظیفه قانونی جامعه بین‌الملل است. بدین ترتیب می‌توان در سراسر جهان کسانی که حقوق بشر را نادیده می‌گیرند، مجازات کرد و در آن میان این بهانه که در "امور داخلی کشوری دخالت شده است"، پذیرفتنی نیست.

جنسی بتوانند با آزادی کامل و بدون هراس از وجود قوانین غیرعادلانه موجود، نحوه زندگی خود را برگزیده و با آسودگی به فعالیتهای خود در صحنه اجتماع بپردازند و این نیز جز با تحقق دموکراسی و مردم سالاری و مخصوصاً تقویت بنیان های سکولاریسم در جامعه، دست نیافتنی به نظر می رسد و رسیدن به این نقطه نیز بدون حضور فعالانه همجنسگرایان در حوزه عمل سیاسی میسر نمی باشد.

دوم این که بخشی از همجنسگرایان نیز مانند همه اقشار جامعه مایلند وارد تحولات سیاسی گشته به عنوان اعضای شوراها، پارلمان، کابینه و یا افرادی فعال در نهادهای مدنی به کار سیاسی بپردازند و بی تردید بدون حضور همجنسگرایان در چنین نهادهایی امکان اصلاح قوانین موجود و تصویب قوانین مطلوب در مورد همجنسگرایان بعید به نظر می آید.

سوم این که متشکل شدن جامعه همجنسگرایان و موضعگیری سیاسی آنان در تحولات سیاسی ایران می تواند در برخی مواقع حتی مسیر تحولات را دچار تغییر و دگرگونی نماید. به عنوان مثال در همین دور اول انتخابات اخیر ریاست جمهوری ایران با توجه به اینکه آرا بسیار شکننده بوده و تغییر جزئی آرا می توانست روند انتخابات را دچار تغییر کلی نماید، اگر جامعه همجنسگرایان به طور فعال وارد عرصه انتخابات می شدند با توجه به میزان ۴۵ میلیون واجدین شرایط حق رای در ایران اگر حدود ۵٪ این آرا را متعلق به همجنسگرایان بدانیم و میزان شرکت آنان را نیز در حدود ۵۰٪ برآورد کنیم، آرائی در حدود ۱،۱۰۰،۰۰۰ رای متعلق به آنان بود که می توانست در انتخابات بسیار موثر بوده و در تعیین رئیس جمهور نقشی اساسی ایفاء نماید.

دلیل دیگر برای این موضوع می تواند تجربه گروههای همجنسگرا در کشورهایی باشد که کشورهای پیشرو در زمینه احقاق حقوق همجنسگرایان محسوب می گردند. با نگاهی به تاریخ جنبش همجنسگرایان این کشورها مشهود هست که این حقوق عموماً بعد از استقرار دولت دموکراتیک و در بستر جامعه ای سکولار به دست آمده است. همچنین بیشترین ظلم ها به همجنسگرایان در حکومتهای استبدادی به ویژه در بستر استبداد دینی روا داشته می شود.

بنا به موارد ذکر شده در بالا به نظر می رسد که تلقی صرف از جنبش همجنسگرایان به عنوان یک حرکت اجتماعی نه تنها مفید نمی باشد بلکه حتی می تواند باعث کندی حرکت و ضربه خوردن به این روند در بلندمدت گردد و بدون حضور همجنسگرایان در عرصه سیاسی و شرکت فعالانه آنان در تعیین مسیر تحولات سیاسی دست یابی به آرمانها و اهداف این جنبش بسیار بعید و مشکل به نظر می رسد. حال با توجه به موارد فوق و برای پرهیز از تنش در جامعه همجنسگرایان ایران به دلیل وجود علایق سیاسی متفاوت در آنان، بهتر است که همجنسگرایان حول شعارهای ایجاد جامعه دموکراتیک و برقراری دموکراسی، عمل به منشور جهانی حقوق بشر و ترویج اصول بنیادین سکولاریسم به فعالیت در حوزه سیاسی نیز بپردازند و نقش تاریخی و موثر خود را در روند تحولات جامعه ایران ایفاء نمایند.

در پایان ذکر این نکته ضروری است که این مطلب روزنه ای برای ورود به بحث فوق بوده و نقد و ارزیابی دوستان می تواند به هرچه پربارتر شدن این بحث انجامیده و کاستی ها و نقاط ضعف را اصلاح نماید. لطفا نظرات خود را در مورد این مقاله به دوستان عزیز در چراغ ارسال نمایید.

## توجه

**نشریه همجنسگرایان ایرانی - چراغ به صورت فایل پی دی اف منتشر می شود و بر روی وب سایت قرار می گیرد. با توجه به نیاز فایل های متنی این نشریه که دوستان مایل به لینک دادن و یا استفاده از آن می باشند از پیش شماره نهم به بعد مطالب نشریه بر روی وب سایت سازمان به صورت صفحات وب قرار گرفته است.**  
**اما اصلی ترین نسخه نشریه همان فایل چاپی به صورت پی دی اف می باشد.**

**دستان شما را به گرمی می فشاریم**

## برای آیندگان

نامه ای از یکی از دوستان دریافت کردیم که لازم دیدم در آن مورد نظر شما دوستان را جویا شوم. در ابتدا توجه شما را به این نامه جلب می کنم.

سلام، با تاسف فراوان نسبت به فجایعی که بر علیه ما همجنسگرایان به وقوع می پیوندد، خبرهایی در مورد اعدام ها می خواندم که مدام در حال رخ دادن هست و پایانی ندارد تا زمانی که آگاهی مردم در این زمینه ها افزایش پیدا کند. در زمینه های گرایش جنسی، ظلم و ستم و وحشیگری که در حق ما می شود. به این فکر افتادم که چرا ما از آیندگان کمک نخواهیم یا چرا وضعیت امروز خود را برای آیندگان شرح ندهیم؟ آیندگانی که از حقوق و حیثیت خویش بهرمنندند. به سایت [www.keo.org](http://www.keo.org) مراجعه کنید مربوط به ماهواره ای است که برای آیندگان فرستاده می شود. از شما می خواهم که یک فراخوان برای جذب نوشته ها و حرف های دردمندان و مصیبت کشیده های اقلیت جنسی در ایران منتشر کنید تا حداقل از این طریق صدای ما به جهانیان برسد. امید دارم با این حرکت دست کم امید به آینده را در دل ما روشن کند، تا امید به آزادی نباشد هیچ حرکتی برای آزادی نخواهد شد. با سپاس فراوان، به امید پیروزی انسانیت بر جهل و نادانی

### سپردا

\*\*\*

میراث ما برای آیندگان چه خواهد بود؟ آیا هیچ فکر کرده ایم که بیست یا سی یا پنجاه سال دیگر جامعه LGBT ایران به کجا خواهد رسید. بدیهی است که هر روز با رشد تکنولوژی و ارتباطات فرهنگ مردم نیز دست خوش تغییر خواهد شد و امید است که دیری نپاید و این جامعه ستم دیده به حقوق از دست رفته خود دست پیدا کند. اما در این میان یادگار ما برای آیندگانی که آن ها را نمی بینیم چه خواهد بود. این دوست عزیز نکته بسیار مهمی را متذکر شده اند که بسی جای تامل و تفکر است.

بر کسی پوشیده نیست که امروزه شرایط چه گونه است و چه ستم هایی را بر جان می خریم و چه داغ ها که نمی بینیم. اعدام ها، شلاق ها، زندان ها، تهدید ها، خودکشی ها و هزاران موردی که خود بهتر از

هر کس بر آن آشنایید. با این دنیای پیشرفته تمامی فعالیت ها و سرویس دهی ها ثبت و ضبط می گردد و در اختیار آیندگان قرار خواهد گرفت اما بیاید یک اقدام هماهنگ کنیم، بیاید دست به دست هم یک هدیه برای آیندگان بسازیم.

### وب نوشتی بسازیم و آن را به آیندگان تقدیم کنیم!

وب نوشتی که در آن حرف ها حدیث ها برای آیندگان به ارمغان گذارد اما متفاوت از همه چیزها. بسیاری از وب نوشت ها و نشریات حاوی خاطرات و یادگارها و درد دل هایی هستند که ماندگار خواهند بود. اما می توان یک حرکت جدید کرد. یک وب نوشت ویژه و منحصر بفرد که تنها یک شماره دارد.

تصور کنید که بعد از یک خواب شیرین بر می خیزید و با کمال تعجب می بینید که پنجاه سال از خواب شما گذشته شما در اصل در آینده هستید، در پنجاه سال آینده، یعنی حدود سال ۱۴۳۴ خورشیدی.

مسلم دنیا تغییرات زیادی کرده، شرایط فرهنگی و اجتماعی و زندگی انسان ها بسیار متغیر شده و هیچ چیز سر جای پنجاه سال پیش که شما زندگی می کردید نیست (شبیبه داستان اصحاب کهف). در خیابان قدم می زنید و به دنبال دوست و هم احساسی می گردید. مسلم می دانید که شرایط LGBT ها هم مثل همه چیز عوض شده است و مشتاقید که سر در بیاورید که به چه سرنوشتی دچار شده اند.

به صورت کاملاً اتفاقی یک هم احساس را می بینید، نشیمن گاهی می یابید و شروع به صحبت می کنید. در اینجا هدیه ما شکل خواهد گرفت. برای ما بنویسید که چه مکالمه ای در بین شما رد و بدل می شود. برای ما بنویسید که در آن زمان LGBT های ایرانی به چه موقعیت های بهتری نسبت به پنجاه سال پیش (که شما می زیستید) دست یافتند. آن ها را برای ما شرح دهید. اما در قالبی ویژه و منحصر بفرد. در قالب یک نامه به یک دوست و حرف هایی ناشنیده.

### نامه ای از آینده به گذشته

نامه ای بنویسید به دوستان خود در سال ۱۳۸۴ و بگویید که LGBT های جهان و ایران چه تغییراتی کرده اند. در انتظار نامه های شما هستیم.

## می پرسی از من اهل کجایم؟

ژاله اصفهانی

می پرسی از من اهل کجایم؟

من کولیم، من دوره گردم

پرورده اندوه و دردم

بر نقشه دنیا نظر کن

با یک نظر از مرز کشورها گذر کن

بی شک نیایی سرزمینی

کانجا نباشد در به در هم میهن من

روح پریش خوابگردم

شب های مهتاب

در عالم خواب

بر صخره های بی کران آرزوها

رهنوردم

با پرسش اهل کجایی

کردی مرا بیدار ازین خواب

طلایی

افتادم از بام بلند آرزوها

در پای دیوار حقیقت

می پرسی از من اهل کجایم؟

از سرزمین فقر و ثروت

از دامن پر سبزه البرز کوهم

وز ساحل زاینده رود پرشکوهم

وز کاخ های باستان تخت جمشید

می پرسی از من اهل کجایم؟

از سرزمین شعر و عشق و آفتابم

از کشور پیکار و امید و عذابم

وز سنگر قربانیان انقلابم

در انتظاری تشنه سوزد چشم هایم

می دانی اکنون اهل کجایم؟

## ایران و اتحادیه اروپا

هیچ توافقنامه ای نباید میان اتحادیه اروپا و

کشور هموفویای ایران باشد!

در دهم دسامبر که روز جهانی حقوق بشر می باشد آقای فرانک فان دالن رئیس سازمان همجنسگرایان هلند (COC Netherlands) یک گواهی از بخش بین المللی حقوق مردان و زنان همجنسگرا دریافت نمودند که به اتحادیه اروپا نیز تقدیم شده بود و به آقای صبا راوی نماینده سازمان همجنسگرایان ایرانی در هلند نیز ارسال شد. در این گواهینامه توضیح داده شده که پارلمان اروپا هرگونه روابط و قول و قرارهایی موجود با ایران را می بایست قطع کند تا زمانی که ایران دست از اعدام و ستم به همجنسگرایان بردارد.

سازمان COC هلند از تمام افراد دعوت می کند که با ارسال ایمیل به پارلمان اروپا و اعضای این اتحادیه و یا به طور مستقیم در کشورهای اروپایی کمک کنند که این قطعنامه پذیرفته شود. در سخنرانی آقای فرانک

فان دالن در زمان دریافت این قطعنامه از دست خانم امینه بوزکورت و آقای تیجس برمن دو عضو هلندی پارلمان اروپا و بخش حقوق زنان و مردان همجنسگرا آمده است:



دستگیر و در ملا عام اعدام می شوند، با همه فشارهای بین المللی این اعدام ها ادامه دارد. با چنین کشوری که هیچ توجهی به قوانین جهانی پذیرفته شده حقوق انسانی ندارد و همچنین حقوق زنان را هم رعایت نمی کند و مشغول ساختن بمب اتم هم هست اتحادیه اروپا هیچ توافقنامه ای نباید با ایران داشته باشد. تا زمانیکه ایران به طور رسمی و آشکار اعلام نکند که همجنسگرایان را تعقیب و اعدام نمی کند باید این قطعنامه جاری باشد.

سازمان همجنسگرایان ایرانی نیز از تمام افرادی که پشتیبان این قطعنامه هستند و آن را در راستای آزادی

آیین چراغ، خاموشی نیست!



## داستان زندگی من

### کیان

این داستان را شاید خوانده باشید، حدود یک سال پیش این داستان در سایت سازمان قرار گرفته بود. اما به دلایل ویژه ای کیان عزیز تصمیم گرفت که داستانش از سایت برای مدتی برداشته شود و حال دوباره مایل بوده که داستانش را منتشر کنیم تا دوستان و هم احساسانش از آن مطلع شوند و از تجربیات او آگاه شوند. شاید تاریخ آن گذشته باشد اما نکات قابل توجهی در این داستان طولانی هست که اهمیت انتشار آن را ضروری می کرد. تصمیم داشتیم که در یک قسمت آن را چاپ کنیم اما احتمال دادیم که نکاتی از آن تحت تاثیر طولانی بودن قرار گیرد بنابراین آن را در چند قسمت منتشر می نمایم. داستان را از زبان خود کیان می شنویم؛ (قسمت های قبلی داستان را در پیش شماره های قبل مطالعه نمایید)

اولین ماه گرمون رو جشن گرفتیم. جشنی که هر دو مون توش شوکه بودیم و خسته. از من پرسید چرا دنبال بیشتر از ۳۰ سال بودی؟ گفتم یک مردی که بیشتر از ۳۰ هست تکلیفش برای خودش معلوم هست. مستقل هست و تصمیم گرفته که تن به ازدواج بده یا نه و ... گواهی نامش رو داد دستم.

اصلا باورم نمی شد که بالای ۲۷ سالش باشه. برام خیلی جالب بود و غیر منتظره. اصلا فکر نمی کردم که یک پسر ۲۰-۲۱ ساله از اینکه می بینم که دوستش ۲۵ سالش هست اینقدر خوشحال بشه!

اون روز ما وارد بخش جدید از زندگی شدیم پدرام را انتخاب کردم بدون هیچ شناختی. با این که صریحا به من گفت که امکان دارد ازدواج کند. اما این اطمینان رو بهش دادم که اگر ازدواج کنه من هرگز با اون نخواهم ماند. گفت اگر که ازدواج کنم باهات مثل یک برادر هستم و هرگز ولت نمی کنم و اگر هم که خواستی BF بگیري من باید تاییدش کنم. چون محدوده سنی که تو دنبالش هستی همه پدرسوخته و آشغال هستند و کم توی آن ها آدم پیدا می شود. اون گفت که من هرگز به تو دروغ نمی گویم و آدم نامردی نیستم. تمام حرفش درست هست کاملا. هیچ وقت دروغ نگفت به جز دو بار که خودش اعتراف کرد. بگذریم ...

اقلیت های جنسی می دانند درخواست می نماید که نامه های خود را به آدرس های در نظر گرفته شده زیر ارسال نمایند

[bbelder@europarl.eu.int](mailto:bbelder@europarl.eu.int)

[inttberman@europarl.eu.int](mailto:inttberman@europarl.eu.int)

[tberman@europarl.eu.int](mailto:tberman@europarl.eu.int)

[jblokland@europarl.eu.int](mailto:jblokland@europarl.eu.int)

[ivandenburg@europarl.eu.int](mailto:ivandenburg@europarl.eu.int)

[pvanbuitenen@europarl.eu.int](mailto:pvanbuitenen@europarl.eu.int)

[kbuitenweg@europarl.eu.int](mailto:kbuitenweg@europarl.eu.int)

[ldoorn@europarl.eu.int](mailto:ldoorn@europarl.eu.int)

[ceurlings@europarl.eu.int](mailto:ceurlings@europarl.eu.int)

<http://www.groenlinks.nl>

[amaat@europarl.eu.int](mailto:amaat@europarl.eu.int)

[tmanders@europarl.eu.int](mailto:tmanders@europarl.eu.int)

[mmartens@europarl.eu.int](mailto:mmartens@europarl.eu.int)

[emeijer@sp.nl](mailto:emeijer@sp.nl)

[jmulder@europarl.eu.int](mailto:jmulder@europarl.eu.int)

[lnist@home.nl](mailto:lnist@home.nl)

[roomen@europarl.eu.int](mailto:roomen@europarl.eu.int)

[jwiersma@europarl.eu.int](mailto:jwiersma@europarl.eu.int)

[jmwiersma@planet.nl](mailto:jmwiersma@planet.nl)

[cwortmann@europarl.eu.int](mailto:cwortmann@europarl.eu.int)

هلند یکی از اولین دولت هایی بود که نسبت به همجنسگرایان ایرانی و وضعیت آن ها واکنش های مثبتی نشان داد و دیپورت همجنسگرایان ایرانی را به ایران متوقف ساخت که جا دارد کمال تشکر و قدردانی بعمل آید. صبا راوی نماینده سازمان در هلند فعالیت های چشمگیری در جهت ارتباط سازمان با دولت هلند و سازمان های مدافع حقوق اقلیت های جنسی در هلند داشته است. شایان ذکر است که سازمان همجنسگرایان ایرانی در صدد ایجاد یک کمپین بزرگ در جهت دفاع از حق پناهندگی همجنسگرایان پناهجو در هلند است و تا مدتی دیگر این کمپین شروع به کار خواهد کرد.

توی این مملکت وقتی که یک پسر به سن ۲۰ سال می‌رسد همه بهش فشار می‌آورند چرا؟ کنکور! و در صورت قبول نشدن مجازات ناعادلانه یعنی سربازی!

شاید مسخره باشه ولی من از بچگی حول از سربازی داشتم شاید Gay بودم در او دخیل بود ولی من هم مثل خیلی از شماها با بقیه (str8ها) فرق داشتم. در بچگی روحیه بسیار حساس و شکننده. بغض توی گلویم نزدیک تر از رگ گردنم بود چون وقتی که کسی سر به سرم می‌گذاشت و یا از روی نادانی تحقیرم می‌کرد بهم برمی‌خورد و رو این حساب به من می‌گفتند که عین دخترها می‌مونی! و من هم از این لقب تنفر داشتم. وقتی که وارد دبیرستان شدم تصمیم گرفتم که بشم یک کیان دیگه. با وارد شدن توی یک موسسه خبرنگاری کم کم اجتماعی تر شدم و سعی کردم حتی اگر نقش بازی کنم مثل بقیه باشم. بی رگ و بی رحم (اما فقط برای افراد بی رحم) و زبان برنده ای داشتم باشم که از خودم دفاع کنم. این خیلی کمکم کرد. اگر هنوز مثل قبلم بودم خیلی بیشتر ضربه می‌خوردم. سال سال کنکور بود و فشار فشار سربازی. هر چه بیشتر می‌خوندم کمتر می‌فهمیدم از اون طرف هم فکر پدرام و ازدواجش داغونم می‌کرد. واقعا نمی‌فهمیدم که چرا بهش دل بستم! اصلا! اون هم که از نظر هیكلی درشت و مردونه بود ولی باز هم تیپ من نبود! از نظر سکسی اونقدر بهش حس نداشتم. اونقدری که میشه گفت اصلا! نمی‌تونستم فکر کنم که از من جدا بشه و دست کس دیگری رو بگذاره توی دستاش. حرکتش برام غیرقابل هضم بود ماه اول که گذشت خیلی راحت به من گفت من با ۶۰ نفر خوابیدم. اما فقط Soft. این برای من خیلی سخت بود. خوب سنش زیاد بود و تیپش هم خوب بود آگه کسی خلاف اینو بگه دروغ گفته. خوب این دیگه برای قابل درک نبود که با افتخار و دائم این رو بگه اون هم به من که سر این مسئله حساسم. درست مثل مردی که زنش بهش بگه با ۶۰ نفر سکس داشتم. همجنسگرا هستم اما پسر.

تصمیم گرفتم که من هم بهش حقیقت را بگم. گفتم پدرام من اصلا به تو حس ندارم از جهت سکسی و بعضی جهات اخلاقی و لباس پوشیدن تیپ من نیستی. یک پوزخندی زد و گفت می‌دونم معلوم

هست که به من حس نداری. پس چرا با من موندی؟ گفتم دوستت دارم. نمی‌دونم از چه چیزت خوشم آمده! پدرام گفت من خیلی تو را می‌خواهم. اگر نباشی می‌میرم. باشه از خودم می‌گذرم با هرکس که دوست داشتی برو و سکس کن که ارضات کنه اما با من باش. به آینده نگاه کن ما همیشه جوان نیستیم و ... البته این حرفهای خودم بود. برای همین بود که یک دوست و شریک همیشگی می‌خواستم. مسلما من آدمی نبودم که بخواهم که فقط یک دوست سکسی داشته باشم. این رو مزخرف و پست ترین کاری می‌دونم که یک آدم می‌تواند انجام دهد. سکس بدون عشق! اون هم وقتی که یک نفر دوستت داره و با هم پیمان بستید!

بار دیگه فهمیدم که پدرام من را چقدر دوست داره و به خاطرش حاضر هست که من برم با کس دیگه... مشکلات فقط نداشتن حس نبود یک رستوران که می‌خواستیم برویم باید نوبتی وارد شویم توی خیابون باید از هم فاصله بگیریم این برای من خیلی گران تمام می‌شد یک جایی که می‌رفتم غذا بخوریم این قدر عصبی بود که اینگار همه مردم که اینجا هستند ما ۲ نفر را می‌شناسند و می‌دونند که با هم BF هستیم! این برای من خیلی دردناک بود. من نه لباس های تابلو می‌پوشم و نه صد تا چیز به خودم آویزون می‌کنم. نه ابرو پر می‌دارم و نه این که با قر توی خیابان راه می‌روم و نه اداهای دخترانه در می‌آورم. کار به جایی کشید که از یکی از دوستان Gay خودم پرسیدم که من تابلو هستم؟ و اون گفت غلط کرده هر کسی که گفته تو تابلو هستی! با پدرام که مطرح کردم گفت دست خودم نیست من همینم که هستم! عوض بشو هم نیستم. بعد علی موند و حوضش. من بزرگترین خلایبی که در قلم حس می‌کنم اینه که شریک زندگی یک نفر با تیپ مردانه و اخلاق مردانه که اینقدر محکم باشه که به خاطر این افکار مسخره دست های گرمش را از عشقش دریغ کند. من هم عاشق این هستم که بازوی همسرم رو بگیرم و باهاش قدم بزنم این رو که بهش گفتم گفت:

تو مثل این Gay های خارجی می‌مانی که دوست دارند کون لخت توی خیابون برونند و به همه نشان بدهند که Gay هستند! این هم شد یک غم روی

غم هاي ديگرم. با عشقت توي خيابان بايد مثل يك فريبه رفتار كني. مردشور اين Gay life كثافت رو ببرند. پدرام بنا به شرطي كه با دوستش گذاشته بود قرار شد كه يك مهموني بگيرد، Gay پارتي! اون هم كسي كه اينقدر محافظت بازي با من در مي آورد! من از اول مخالف بودم به دلایل مختلف. حقيقتش من اصلا به اين مهماني ها نرفته بودم چون اصلا برام جالب نبود و با چيزهايي كه شنیده بودم مي دونستم كه اصلا برام قابل تحمل نيست اما چون پدرام مي خواست من حرفي نزدم. گفتم هر كاري كه مي خواهي بكن. شب مهموني بود. من از ساعت ۶ آن جا بودم. اولين نفر دوستش بود و بعد اون جمعي كه قرار بود ۹ نفر باشند آمدند اما هر كس دست يكي از دوستانش رو گرفته بود و آورده بود كه ۳۰ نفر شدیم. با لباس هاي رنگارنگ و ادا و اصول هايي كه من تا حالا ندیده بودم حالت تهوع به من دست داد.



قلبم از صبح اون روز عين گنجشك مي زد نمي دونم چي شده بود تا اين ها را دیدم قلبم آمد توي حلقم. شايد خيلي از شماهايي كه اين داستان را مي خوانيد اونجا بوديد من قصد جسارت ندارم اما واقعا نمي توانستم

بگم كه من هم جزيي از اين جمع هستم نهايت اين كه ۳ نفر از اين ۳۰ نفر تپ معمولي و معقولي داشتند. همه كه آمدند پدرام نه من رو معرفي كرد و نه هيچي! اين برام خيلي ناراحت كننده و عجيب بود. من كسي بودم كه بي رودروايسي با هر كسي كه قرار مي گذاشتم خوشش مي آمد و تا يك مدت سعي مي كرد كه نظرم را برگرداند تا باهاش دوست شوم. اما حالا مي بينم كه پدرام كه چشمش به دوست هاي قديمي خودش افتاده فيلش ياد هندوستان كرده! قضيه طوري بود كه دوستش دستش را گرفت و نشاندهش بهلوي من كه بقيه بفهمند بابا اين دوستش هست (BF) و كسي تصميم نگیرد كه باهاش روي هم بريزد! وسط مهماني دیدم از پدرام خبري نيست! رفتم كه يك دوري توي خونه بزنم كه دیدم يكي از اين پسرها پريد بغل پدرام كه كجايي بابا دلم برات تنگ

شده. به روي خودم نياوردم. مي دونيد خيلي سخت هست كه اگه بدوني توي يك جمعي كه هستي همگي يك وقتي با BF تو رابطه داشتند! حتي اگر Soft Sex بوده كه به نظر من فرقي نداره. اون هم براي كسي مثل من! مسئله اينجاست كه نه من هيچكدم را از خودم سر مي دونستم و وقتي خودشون هم من را مي ديدند دست و پاهاشون را جمع مي كردند براي ...

نيم ساعت كه گذشت دیدم جاي من اينجا نيست آژانس گرفتم و رفتم منزل. واقعا شوکه شده بودم بيشرتر براي قيافه ها و حرکات كساني كه ممنوع من هستند! نمي دونم مي گفتم كه يا من Gay هستم يا آن ها! در اين حالت حق را بيشرتر به آن ها مي دادم. آن ها بودند كه با str8 ها بيشرتر فرق داشتند. (يك جورهايي تازه كردن خاطرات گذشته ام من را اذيت مي كند. اما چاره چي

هست؟ چيزي را كه شروع كرد بايد طوري به اتمام رساند)

چند روز بعد به يك مهماني دعوت شدیم كه بايد حتي براي نيم ساعت كه شده مي رفتيم. ايندفعه شوک نشدم چون قبلا اين قيافه ها

را دیده بودم وقتي كه دیدم باز پدرام كه چشمش به اين ها افتاد و مي خواست كه من را كه BF اون هستم را پنهان كند گفتم كه اين عقلش نمي رسد. دستهاش رو تا وقتي كه آن جا بوديم گرفتم و نشستم. بعد از مدتي يك بهانه تراشيدم و جيم شدیم.

اين مهماني هم گذشت. شام را بعد از آن بيرون خوردیم و بعد از آن شروع كرديم به قدم زدن. با هم بوديم اما من گرمای دستش را مي خواستم. دلم مي خواست كه زير آن باران بازوهايش را بگيرم و حس كنم كه بعد از سالها پشتيان و مرهم دردهايم را پيدا كردم. فقط داخل ماشين و منزل پشت پرده هاي كشيده و چراغ هاي خاموش بود كه حق داشتم دستهايش را بگيرم. هيچوقت فكرش را نمي كردم كه كسي پيدا شود كه از من عشق بگیرد و به خاطر حرف مردم عشقش را از من دريغ كند.

## ملاک تعریف لواط و اصول معاینه آن

### یک همجنسگرا

برگرفته از سایت:

<http://news.iransalamat.com/archives>

از نظر پزشک قانونی جمهوری اسلامی ایران عمل نزدیکی دو مرد از طریق مقعد را لواط گویند. این عمل در قوانین بعضی کشورها تحت ضوابط خاصی مورد قبول واقع شده است ولی در قوانین کشور ما به هر نحو ممنوع بوده و مجازات شدیدی دارد. باید دانست دخول آلت برای وقوع عمل کافی بوده و انزال منی ملاک عمل قرار نمی گیرد. در معاینه عمل لواط لازم است که فاعل و مفعول هر دو معاینه شوند تا احتمال نتیجه گیری از معاینه زیاد باشد. البته این آزمایشات بیشتر در مواقعی انجام می گردد که تجاوزی صورت پذیرفته باشد و شخص به قتل رسیده است. اما از این آزمایشات در موارد دیگر نیز استفاده می گردد.

### معاینه مفعول

معاینه ناحیه مقعد و وجود لکه های منی در آن ناحیه و در صورتی که موها بلند و آلوده باشد مقداری مو با قیچی بریده شده و اگر بدون مو باشد با حداقل مقدار نرمال سالین شستشو داده شده و مواد به دست آمده به آزمایشگاه ارسال می گردد.

ناحیه پرنه در زیر نور کافی به دقت معاینه می گردد هر نوع کبودی و قرمزی مورد توجه واقع شده و اسمیری از اطراف مقعد جهت آزمایشات لازم برای اثبات منی تهیه می گردد. چین های اسفنکتر مقعدی بدون فشار دست مشاهده و تغییرات آن یادداشت می گردد. اگر دخول انجام گرفته باشد تغییرات آناتومیک ثبت می شوند. این تغییرات به تکرار دخول سابقه دخول های قبلی سن جنس اندازهای بدن فاعل و مفعول بستگی دارد. اگر سن قربانی در زمان بلوغ و اندازه بدن متعارف باشد پوست رفتگی های مختصری در چین های مقعدی مشاهده خواهد شد و اگر در سنین پایین باشد و متجاوز بالغ و اندازه های طبیعی داشته باشد پارگی چین های مقعدی و آسیب عضله اسفنکتر و ضایعات عروقی و خونریزی به نسبت پارگی عروق و کبودی شقاق را مشاهده خواهید کرد. اگر قربانی در سنین پایین تر از ۸-۱۰ باشد ضایعات شدیدتر و پارگی پرنه در خط وسط و همانوم و آسیب های

نمی خواهیم که بی انصافی کنم پدرام من را دوست داشت . بیشتر از هر چیز نگران من و کنکور و درس بود و دائم مثل برادر بزرگتر با من صحبت می کرد. اما من این را کم نداشتم خوشبختانه یا بدبختانه پدرم از بچگی با من مثل یک پسر بزرگ رفتار می کرد و دائم با من صحبت می کرد. به خاطر همین بود که من از نظر فکری از هم سن و سالهایم بزرگترم و از نظر تیپ کوچکتر از سنم می زنم. آره من فکر می کنم که دوران حماقت و سادگی بچگانه را نداشتم همیشه به من واقعیت ها گفته شده بود در صورتی که برایم سنگین بوده.

آره من یک پدر دوم نمی خواهم . من یک عشق می خواهم . یک مرد محکم و رمانتیک !

روز جهانی حقوق بشر را پاس  
می داریم و آرزو می کنیم که روزی  
فرا رسد که کلیه قوانین حقوقی  
رعایت شده و نقص کننده ای در دنیا  
وجود نداشته باشد.

ما برای رسیدن به این هدف به سهم خود دست  
از تلاش بر نخواهیم داشت

ما از اقلیت های جنسی  
ایرانی دفاع و پشتیبانی  
خواهیم نمود

سازمان همجنسگرایان ایرانی



مخاطبی رکتوم به خوبی نمایان خواهد بود اگر از پماد های لزوج کننده استفاده شده باشد ممکن است ضایعات کمتری ایجاد گردد.

### علائم دخول در اطراف مقعد

زمانی که برای اولین بار دخول انجام گیرد خراش های متعدد در تمام سطوح حلقه اسفنکتر وجود دارد این خراش ها در اثر فشار آلت و یا انگشت فاعل ایجاد شده اند و در حالات سادیستی و یا انتقام جویانه استعمال وسایل سفت مثل دسته چکش و شبیه آن و حتی بطری نوشابه نیز دیده شده است که ضایعات شدیدتر و وسیع تری ایجاد می کنند در مواقعی هماتوم به طور مشخص ایجاد می شود و گاهی وسعت آن به حدی است که سوراخ مقعد مشخص نمی باشد و معاینه و لمس دردناک است.

هماتوم از پارگی عروق زیر پوستی به علت پارگی چین ها حاصل شده و یا ممکن است بدون زخم شدگی پوست آن ناحیه وجود داشته باشد. مواقعی که از پمادهای لزوج کننده استفاده گردد ضایعات بمراتب کمتر است و بعضا بقایای مواد در داخل چین های مقعدی و یا روی پوست اطراف مقعد مشاهده می گردد. باید دانست که ممکن است ضایعات فوق (هماتوم، شقاق ...) در بیوست های شدید نیز ایجاد گردد. از موارد اشتباهات تشخیص شقاق های مقعدی است. این شقاق ها پارگی های پوستی هستند که در بین چین ها مشاهده می شوند و به علت بیوست، درماتیت اطراف سوراخ مقعد و سایر بیماریهای پوستی و حتی ابتلا به کرمک به علت ایجاد خارش به وجود می آیند. عدم رعایت بهداشت فردی و مصرف مواد غذایی اسیدی باعث التهاب و دیر جوش خوردن ضایعات می شوند که ممکن است پزشک قانونی این ضایعات را با علائم لواط اشتباه نماید. از نظر میزان حمایت چین ها بوسیله بافت های زیرین قسمت خلفی مقعد ضعیف تر بوده و آسیب در جنس مذکر در این نواحی ایجاد می گردد. باید دانست که اکثر شقاق مقعدی تنها بوده و به علت گشاد شدن رکتوم در اثر شقاق منفرد و توانایی در دفع در افرادی که بیوست دارند نیاز به پارگی اضافی وجود ندارد و با کمی دقت می توان شکل فیسوز را هم تشخیص داد به این صورت که طرف خارج گشاد تر بوده و هر چه به سوراخ مقعد نزدیک

شود باریک تر می گردد با این علامت نمی توان عمل لواط را رد نمود چه بسا ممکن است فشار جسم خارجی نیز شقاق فوق را ایجاد نماید اگر چه شقاق ها به علت بیوست های شدید ایجاد می شوند. درد از علائم شقاق می باشد که حداکثر آن در موقع ایجاد شقاق است و وقتی که اسفنکتر مقعدی تحت فشار نباشد باز هم درد حس خواهد شد. اگر با وجود عمل شقاق دخول و یا اقدام به دخول انجام گیرد شقاق دردناک تر شده و حتی کودک از اجابت مزاج می ترسد در نتیجه بیوست شدیدتر شده سیکل معیوب برقرار می شود. اسپاسم اسفنکتر مقعدی بعد از پارگی چین ها علی رغم سالم بودن اسفنکتر واکنش به ضایعه است و با وجود اسپاسم اسفنکتر معاینه داخلی غیر مقدور خواهد بود. اگر از زمان دخول ۲-۱ ساعت گذشته و قربانی بیش از ۷-۶ سال داشته باشد معاینه داخل رکتوم ممکن خواهد بود. پارگی اسفنکتر در بالغین و بچه های بزرگسال نادر بوده، مگر این که وسایل دخول غیر از آلت تناسلی باشد. علائم حاد اولین دخول در مدت ۲-۱ روز از بین می رود این علائم به طوری که ذکر شد پارگی، صاف شده چین های مقعدی، اسپاسم اسفنکتر مقعدی، خراش های تازه پوست مقعدی است و اگر فیسوز ایجاد شده باشد ممکن است چندین روز هم باقی بماند و در صورت عمیق بودن هفته ها باقی بماند و باعث اسپاسم اسفنکتر می گردد.

هماتوم اطراف مقعدی معمولا در عرض ۱۰-۷ روز خوب می شود پس اگر معاینه بعد از حدود ۱۲-۱۰ روز از دخول انجام گیرد پیدا کردن علائم کلینیکی بسیار ضعیف خواهد بود فقط امکان باقی ماندن شقاق وجود دارد بعد از مشاهده و معاینه چین های مقعدی معاینه داخلی شروع می شود. متأسفانه به علت عدم امکانات کافی و دیر مراجعه دادن افراد معاینه هیچ وقت معاینه غیر از لوشه رکنال انجام نداده ایم. با اینکه معاینه داخلی رکتوم را برای تشخیص عمل لواط حیاتی می دانند.

دلایلی که لازم است معاینه داخلی انجام گیرد عبارتند از :

۱- امکان مشاهده ضایعات اسفنکتر و داخل رکتوم بدون معاینه مستقیم غیر ممکن می باشد .

۲- برداشتن نمونه برای آزمایش منی از داخل رکتوم غیر از رکتوسکپی طریقه دیگری ندارد .

۳- تغییرات مخاط رکتوم فقط با مشاهده مستقیم امکان پذیر می باشد در صورتی که اسپاسم اسفنکتر مانع دخول رکتوسکپی شود لازم است از بیهوشی استفاده گردد .

### نمونه برداری در موارد لواط

نمونه برداری جزو وظایف پزشک معاینه کننده می باشد. انتخاب نمونه باید با نوع ادعا و معاینه فیزیکی و فاصله زمانی معاینه با انجام عمل متفاوت بوده و با ابتکار پزشک معاینه کننده انجام می گیرد. باید دانست الگوی زیر انحصاری و استاندارد نبوده و می توان از آن کسر یا اضافه نمود. برای روشن شدن رکتوم قابل پی گیری نبوده و دفع و مدفوع و شستشو، این فاصله زمانی را کمتر می گرداند.

۱- نمونه خون: برای گروه بندی، الکل، داروهای مخدر و غیره

۲- ادرار: آزمایشات روتین، مواد مخدر، الکل

۳- بزاق: جهت تعیین نوع، ترشح کننده ( Secretor )

۴- موی سر: موی سر با موهای پیدا شده از روی متهم و یا صحنه تجاوز مقایسه می گردد.

۵- لکه ها: نمونه برداری از تمام لکه های روی بدن مفعول و لباس های زیر جهت تعیین نوع آن و مقایسه با نمونه متهم.

۶- موهای عانه: جمع آوری از متهم و قربانی و مقایسه آن ها با موهای مشکوک به دست آمده.

۷- اسمیر آلت: برای وجود لکه منی، ترشحات مخاط رکتوم که از نواحی مختلف آلت نمونه برداری می شود.

۸- اسمیر مقعد: از چین ها، اسفنکتر، مخاط رکتوم برای وجود مایع منی یا مواد نرم کننده.

### معاینه متهم به لواط - فاعل

بنا به عادات مرسوم که منشا آن معلوم نمی باشد معاینه مفعول به مراتب بیشتر از فاعل انجام می گیرد. شاید و علت آن بقا علایم پایداری بر روی مفعول و از بین رفتن علایم سریع لواط در فاعل باشد و یا اصلاً به فکر مان نمی رسد که از فاعل نیز معاینه به عمل آید گرچه اطلاعات به دست آمده از فاعل اندک است ولی

چون يك طرف قضیه می باشد لازم است او نیز معاینه گردد. تعیین گروه خونی و ( Secretor ) بودن فاعل و آزمایش موهای عانه غیر قابل تغییر بوده و با گذشت زمان عوض نخواهد شد. با توجه به اینکه جواب آزمایشات در خواستی از نمونه های تهیه شده از قربانی مدتها بعد حاضر خواهد شد در آن زمان معاینه متهم به طور یقین دیر خواهد شد و عده زیادی از علایم از بین خواهد رفت. از مشکلات دیگر معاینات در عمل لواط عدم اعزام به موقع طرفین برای معاینه می باشد و تشکیل پرونده و بازجویی و اطاله تحقیق علائم ارزشمند و زودگذر را از بین خواهد برد.

در معاینه متهم باید به سوالات زیر جواب داده شود

۱ - آیا علایم عمومی مقابله و مجادله در بدن فاعل وجود دارد؟

۲- آیا علائمی دال بر مصرف الکل یا مواد مخدر وجود دارد؟

۳- لکه ها یا علایم دیگری در روی آلت وجود دارد که نشان دهنده دخول اخیر باشد؟

۴- آیا نمونه های برداشته شده از فاعل با جواب های به دست آمده از قربانی مطابقت دارد؟

۵- آیا ناهنجاری هائی در آلت وجود دارد که مانع نعوظ یا انزال شود؟

اگر از زمان عمل تا زمان معاینه بیش از دو روز گذشته باشد اکثر سوالات فوق بدون جواب خواهد ماند



## قانونی شدن خودکشی

دنا رباطی - کانادا



در کانادا فعالانی هستند که از سال ها قبل به دنبال قانونی کردن عمل خودکشی هستند. به شخصه در این مورد تعدادی گزارش و فیلم مستند و چند مقاله به طور اتفاقی دیده و خوانده ام و این اواخر هم يك فیلم سینمایی براساس زندگی واقعی يك شهروند کانادایی دیدم. جدا از این که فکر کردن به این مسئله برای من نوعی با پس و پیش زمینه ي فرهنگی مشخص و تاثیرات حسی و روانی اش که وقتی برخورد می کنم با ترکیب "خودکشی" بی معطلی صادق هدایت هم در پی آن می آید و بالعکس و تا برسم به تجربه های ملموس تري مثل خودکشی کسی که او را از نزدیک می شناختم و یا خودکشی آن آشنای دورتر که به سرانجام نرسید و رخدادهایی از این دست، آن چه کنجکاویم را در این مورد شك میزند همانا تلاش برای قانونی کردن این امر است.

در فیلم "طعم گیلان" عباس کیارستمی، شخصیت اصلی فیلم تصمیم به خودکشی دارد و فقط دنبال کسی می گردد که متقاعدش کند روز بعد از خودکشی به بالای قبری که او از پیش آماده کرده و قرار است در آن دفن شود برود و چند بیل خاک بر جسد او بریزد. برای این کار شخص طالب خودکشی حاضر بود پول نسبتا خوبی را هم به عنوان دستمزد یا عمل خیرخواهانه و یا صواب، هزینه کند. آن چه که از فیلم کیارستمی در همان اوایل فیلم دستگیر بیننده می شود این موضوع است که شخص طالب خودکشی مهندس است و هندسه و ریاضی . . . خوانده که در طول و عرض گفته هایش هم بیننده در می یابد که او

انسانی است منطقی که از پس يك روند منطقی به این نتیجه رسیده و اصلا از جایگاه ضعف و درماندگی نیست که می خواهد خودکشی کند و اگر نگویم از جایگاه قدرت می خواست دست به این عمل بزند، حداقل می توانم بگویم چیزی بود که می خواست و به لحاظ روحی و روانی هم کاملا به راه بود و حرف می زد و حرف می شنید و آن قدر به هوش بود که قرص هایش را هم تا آن شب آخر سر وقت خورد. حالا چرا این شخص این مسئله چند بیل خاک به روی جسدش مهم و محوری بود تا جایی که امر خودکشی را تا حدودی ثانوی می کرد، قضیه ای است که از هر زاویه ای به آن بیندیشیم به بازیافت های متفاوتی می رسیم. به عنوان مثال آیا خودکشی يك مسئله اجتماعی است؟ آیا خودکشی يك مسئله فردی است؟ و با تعاریف قابل قبول و تا جایی که قانون از فرد و اجتماع می دهد چرا این امر غیرقانونی ست؟

در هر صورت اگر قانونی شود نتایج حاصله از آن تا چه اندازه به سود و به ضرر فرد و اجتماع است و پرسشهای دیگری از این دست. به باور من عطف موضوع خودکشی و مطرح شدن و خواست و تلاش فعالان آن برای قانونی کردن آن، حکایت از مرام و منش شهروندی و آن نیاز و احترام به قانون و عملکرد آن در عزت فردی و اجتماعی ست و همین جاست که يك خواست و آرزوی فردی را نیازمند به قضاوت وجدانی اجتماعی می کند. در میان افرادی که طالب خودکشی هستند بیمارانی وجود دارند که علم امروزی پزشکی قادر به درمان آنها نیست و ترجیح می دهند که خودکشی کنند به همین ترتیب هم افراد سالمی وجود دارند که ترجیح شان مرگ است و به تنهایی قادر نیستند به زندگی خود خاتمه دهند و هر کدام هم دلایل خودشان را دارند. مهندس فیلم "طعم گیلان" فقط چند بیل خاک می خواست، بیمار لاعلاج، مرگ با عزت و قابل احترام از سوی جامعه را می خواهد، فرد سالم نیاز به مشورت و راهنمایی دکتر و یا مشاور اجتماعی دارد و . . .

و اما در جوامع پیشرفته مثل کانادا مراکز و درمانگاه های زیادی وجود دارند و به افرادی که به لحاظ روانی زمینه های خودکشی دارند کمک می کنند تا تمایلات مرگ خواهانه آنها را از بین ببرند و شوق

## باز- اوپي که دوستش دارم

به دوستان نشريه ی چراغ و امید روشنایی مدامش

دکتر ادیب

۱

به بازوان کدام چه کسی  
که در خواب فرو می روم  
سپید ستانی ست که قطعه گم شده تنم  
لای شاخه های طلائی ات گیر می کند  
- هم آغوشی شاخسار و شاخهای گوزن را دیده ای ؟  
مثل پيله ي صبح  
در مسینه ي داغ سینه ات  
رنگین کمان سرخوشي بر پر پروانه گي ام  
باز مي شود  
باز - وهاي ما تنه ي درختان هفتصد ساله!  
دو هفت قرني مي شود که تازيانه مي خوريم -  
تا جهان تاب رهائي انسان را ندارد.

۲

پیامبران رمه  
در سید هفتاد ساگلي (وتیمن)\*نبودند  
قطعه اي که براي تو مي سرايم از زبان او:  
(گویایي صورت آمي در وصف نمي گنجد  
اما شیوائی کالبد مردی زیبا تنها در چهره ي او نمایان  
نیست  
در اندام ها و مفصل هاي او نیز ...  
در راه رفتنش , در حرکات گردنش , در نرمش کمر و  
زانوان  
جامه آنرا مستور نمي دارد.  
جوشش تند و دلاویزش از پشت پنبه و ماهوت پیداست  
خرامیدنش بگويائي بهترین چکامه ها  
- گویاتر اما  
درنگ میکنی تا از پشت , گردن و شانه هاي او  
نظاره اش کنی \*...!)

- بالهائیت به زیبایی همیشه باد شیر پیر شعر آمریکا !

۳

ماه هلالی شبها  
که پشت میز کارم خم می شود  
هلالی که در نوک لك لك هاي دور هدیه می شود  
به بازوان کدام هیچ کسی  
به جستجوی تو  
در آستانه ي بوري موهاي بلند مجنونت  
و نقاشي هايي  
که سپیدی بالهائیمان را  
دستی نیست تا خط خطی کند

\*از شعر سرودتن گیرا را می سرايم [ I sing the  
body electric]

\*والت وتیمن [walt Whitman]

از شاعران پیشرو و شعر معاصر آمریکا

زندگی را دوباره یا برای نخستین بار در آنها برانگیزانند.  
دوستی غیرایرانی دارم با تحصیلات عالی که متاهل  
است و دارای دو فرزند. این دوست عزیز خیلی هم  
عقل گراست و مفید به حال اجتماع و خصوصا دوستان  
نزدیک. فعال اجتماعی ست و با جنب و جوش و انگیزه  
قوی که نیازمند این نوع کارهاست؛ اما هر از چند  
ساله یك بار به واسطه دوران پرصدمه کودکی اش  
دچار افسردگی های سنگین می شود تا آنجا که آرزوی  
مرگ می کند. در چنین موقعیت هایی حالا دیگر پس از  
سالها و به نوعی شرطی شده - با کمک روانکاوش  
بسته به شدت و ضعف تمایلاتش - مدتی را دور از  
اجتماع و به حالت قرنطینه در یکی از مراکز درمانی زیر  
نظر مسئولان سپری می کند تا موج مرگ طلبی از  
ذهنش دور شود. بگذریم. دیشب زنگ زد و گفت دارد  
می رود که قرنطینه شود. شاید تا به حال از زمان  
آشنایی ام با او چهار باری این خبر را به من داده و  
چهار بار هم خبر خوش ترخیص اش از قرنطینه را؛ اما  
من هنوز هم شرطی نشده ام و هر بار بعد از روحیه  
دادن چند دقیقه ای پشت تلفن بعد از این که گوشی را  
می گذارم مراسم کوتاه واولیای خصوصی ام را اجرا  
می کنم و همیشه هم ساعتها بعد از این مراسم است  
که یادم می آید که دوست عزیز من عقل گراست و مفید  
به حال اجتماع.

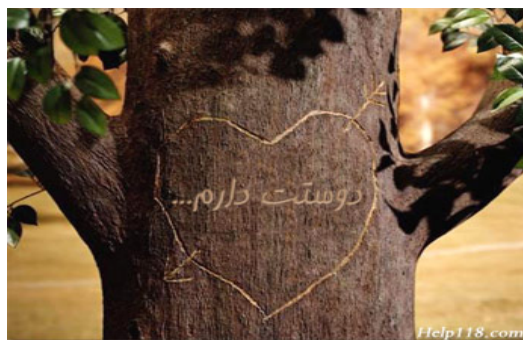
**خوشا به حال آنان که**

**می بخشند**

**بی آن که به یاد آرند**

**و می گیرند**

**بی آن که فراموش کنند**





## گزارشی از مراسم روز جهانی ایدز در تهران بهروز رنگین کمانی خبرنگار سازمان

بود، حتی یک میکروفون و بلندگو جهت سخنرانی وجود نداشت.

فقط یک میز کوچک و یک چادر وجود داشت که برای عرضه بروشورها اشغال شده بود. این مراسم توسط این ارگان ها برگزار شد: انجمن پرسپولیس، انجمن تلاشگران سلامت، انجمن حمایتی فرهنگی کودکان کار، پرسپا پلاس، کانون هستیا اندیش، مرکز زنان، نشریه دانشجویی رستا و کمیته رنگین کمان.

عکس هایی نیز از آن مراسم تهیه شده است که فکر می کنم بیش از فعالیت ها نمایانگر آن مراسم باشد.



این مراسم در ساعت یک بعد از ظهر به وقت تهران به مدت حدود سه ساعت در محل فضای باز مجموعه تاتر شهر در چهار راه ولیعصر برگزار شد.

این مراسم با حضور تعدادی از کودکان و نونهالان یکی از مهد

کودک های آغاز شد و نقاشی های این کودکان با موضوع ایدز نیز به تصویر کشیده شد. اما در مورد تعداد حاضرین در این مراسم بایستی یادآور شد که تجمع آن

قدر که باید و شاید نبود و افراد به صورت پراکنده و سازمان دهی نشده بودند و روی هم رفته حدود دویست نفر حضور داشتند که اکثرا از ره گذران بودند. پوسترها و بروشورهای

مختلفی با موضوع ایدز در اختیار حاضرین قرار داده می شد. سپس شخصی حاضرین را به تماشای اجرای موسیقی زنده توسط شخصی که قبلا به اعتیاد دچار بوده دعوت کرد. در لابلای جمعیت افرادی به سوالات مردم در خصوص این بیماری پاسخ می دادند.

این مراسم بعد از اجرای موسیقی به سرعت پایان

یافت و مسولین بلافاصله وسایل را جمع کردند و مراسم را ترک کردند. متاسفانه عدم برنامه ریزی دقیق و نبود امکانات مناسب جهت سخنرانی و تبادل نظرات یکی از نقص های این تجمع



## نامه ای از پارلمان هلند به سازمان

نامه ای از خانم لوئیس فان در لان سخنگوی حزب D66 در پارلمان هلند به صبا راوی نماینده سازمان همجنسگرایان ایرانی در هلند تقدیم شد که بسی مایه خوشحالی و مسرت است. لذا توجه شما را به متن این نامه جلب می نمایم.

جناب آقای صبا راوی - نماینده سازمان همجنسگرایان ایرانی در هلند همانطور که شما نگران وضعیت همجنسگرایان در ایران هستید ما نیز نگران و حساس به این موضوع می باشیم. زمانی که خبرهای اعدام جدید در ایران را شنیدیم سریعاً وزیر امور خارجه جناب آقای بوت را مورد سوال قرار دادیم که در زیر به اصطلاح شما نیز می رسانیم.

الف- آیا شما اطلاعی از اعدام های جدید در ایران کسب کرده اید که افراد به خاطر روابط جنسی با همجنس اعدام شده اند؟

ب- از زمان اعدام های قبل تا کنون کدام موفقیت های دیپلماسی به دست آوردید؟ قبلاً نیز پارلمان سوالاتی را نیز مطرح نموده بود. آیا سفارت ایران در هلند را تحت فشار قرار می دهید؟ اگر خیر چرا؟

ج- آیا می توانید این اعدام های اخیر را در نامه های سفارتی که در فوریه سال ۲۰۰۶ منتشر می شود، بگنجانید؟ اگر خیر چرا؟

توضیح: نامه های سفارتی نامه هایی است که سفارت هلند سالیانه در مورد وضعیت کیس های مختلف و آن موارد را بر طبق گزارشات سفارت هلند در آن کشور بررسی و منتشر می کند. این نامه ها بسیار مهم و حیاتی هستند زیرا تصمیم گیری در موارد مهمی همچون اعطای حق پناهندگی به این نامه ها مربوط می باشد.

**بیاد آرزوهایی که می میرند**

**سکوتی می کنم**

**سنگین تر از فریاد**

## آندره جید، یکی از مفاخر ادبیات دنیا

**کسری کیومرثی**



آندره جید در سال ۱۸۶۹ و دو سال پیش از مارسل پروست که خود او نیز یکی از مفاخر عالم ادبیات در دنیا و یک همجنسگرا نیز بود بدنیا آمد. آندره جید از هواداران اصلاحات در مستعمرات فرانسه بود، به روسیه سفر کرد و از روس ها نشان افتخار

گرفت. آندره جید همانند پروست از پس زمینه ی دوگانه ای برخوردار بود. پدرش پروتستان و مادرش کاتولیک بود. به فاصله کمی پس از تولد آندره پدرش را از دست داد و در کنار دو بانوی سختگیر مذهبی (مادر و مادر بزرگش) رشد کرد و راه و روش زنانه را هم آموخت.

حساس بودنش موجب شد که احساس جنسی تند و تیزی پیدا کند و به استمنا پناه برد و نتوانست آن را ترک کند و از فشار احساس گناه آن رنج ها برد. خود او می گوید: "تا ۲۳ سالگی از هرگونه ارتباط جنسی برکنار بودم و رنج می بردم. چنان آشفته و پریشان بودم که همه جا می گشتم تا بلکه لبی پیدا کنم و لبانم را بر آن بچسبانم.

برای منحرف کردن تب و تاب جنسی در این شرایط به نوشتن دست زد. اولین کتاب خود را به نام "یادداشت های آندره والتز" در ۲۲ سالگی منتشر کرد. این کتاب داستان جوانی را باز می گوید که در نهایت خود آندره جید بود. در سال ۱۸۹۵ در افریقا با اسکار وایلد دیدار کرد و تحت تاثیر او دل به دریا زد و به همجنسگرایی خود اعتراف کرد. آندره جید برای توجیه امیال همجنسگرایانه خود در برابر محرمات مذهبی فلسفه ای بنیاد نهاد. در سال ۱۸۹۷ در کتاب "مآده های زمینی" به دفاع پرشوری از لذت و همجنسگرایی پرداخت. او در این کتاب چنین استدلال می کرد که تمام امیال طبیعی سودمند و مایه تندرستی است و بدون این امیال زندگی لطف خود را از دست می دهد.

او در این کتاب مطرح می کند که وقتی از عملی لذت می برم برای من دلیل خوبی است که باید آن عمل را

همجنسگرایان الهام گرفته اند. "اگر عشق ورزیدن به مردان جوان الهام بخش افلاطون و ارسطو نمی بود یونان و جهان چه مردان بزرگی را از دست می دادند" آندره جید کتاب کریدون را برجسته ترین کتاب خود می انگاشت اگرچه جسورترین کتاب بود که مبارزه با او به عنوان منحرف کننده جوانان شدت بیشتری گرفت. او در سال ۱۹۳۶ راهی شوروی شد و در بازگشت سفر خود کتاب "بازگشت از شوروی" را در سال ۱۹۳۶ نوشت. در سال ۱۹۴۷ آکادمی سوئد جایزه ادبیات نوبل را به او اهدا کرد. در آن هنگام ۷۸ ساله بود و می نویسد: "بزرگترین الهه تقدیر پیوسته در گوشم زمزمه می کند که دیگر چیز زیادی از عمرت باقی نمانده است"

فرانسه او را بزرگترین نثرنویس فرانسه پس از آنا تول فرانسه می داند. او هنرمند بزرگی بود اما تنها کسانی می توانند او را دوست بدانند که در مشکلات او و آرزوها و رنج هایی که می برد سهیم باشند.

## بگوئید که زیبایی در نگاه شما باشد نه در آنچه که می بینید

### آندره جید



انجام دهم. بنابراین لذت را که موجب شادی و سرور حالات و امیال عاشقانه می شود و مادامی که لبانت برای بوسیدن هنوز شیرین است سیراب کن. چنان زندگی کن که زندگیت فارغ از ترس نتایج محروماتی که اخلاقیات رسمی بر تو تحمیل می کنند پذیرای هر رویدادی باشد. آندره جید سال ها بت پیشرو ها بود و محافظه کاران او را منحرف کننده جوانان می دانستند و او پاسخ می داد که سقراط نیز که هم اکنون یکی از خدایان این محافظه کاران محسوب می شود از چنین تهمت هایی آزارها دیده بود.

او که نیاز به دفاع از احساس همجنسگرایانه اش شدیداً عذابش می داد در سال ۱۹۰۲ در سن ۳۳ سالگی داستان متحورانه به نام "خلاف اخلاق" منتشر کرد که بازتابی از کتاب "فراسوی نیک و بد" نیچه بود. دفاع او از حقانیت طغیان علیه قدرت مستقر در هنجارهای سنتی در کتاب "بازگشت پسر گمراه" در سال ۱۹۰۷ بیان دیگری پیدا کرد. آندره جید خود را وقف نویسندگی کرده بود و هر روز ساعت ها کار می کرد. اندیشه های باریک بینش را یکی پس از دیگری بر کاغذ ثبت می کرد و امیدوار بود گونه ای هر چند کند و آرام مردمان جهان و لاقول فرانسه و پاریس را قانع کند تا به افراد همجنسگرا اغماض بیشتری نشان دهند.

پس از انتشار کتاب هایش برای مدت کوتاهی از داستان پردازی دست کشید و به احساس همدلی به نوشتن داستان زندگی اسکار وایلد نویسنده بزرگ انگلیسی پرداخت (۱۹۱۰).

او هنوز جرات نداشت به همجنسگرایی خویش اعتراف کند اما همچون کسی که برای نجات زندگیش با تمام قدرت قلم به دست گرفته بود به نوشتن کتابی دست زد که بعدها به نام "کوریدون" آن را به چاپ رساند و در آن از افرادی مانند خودش در مقابل دیگران به دفاع پرداخت. او در کتاب کریدون کثرت رواج همجنسگرایی در میان دیگر جانداران، یونان باستان و عرب را توضیح می داد. او می نویسد: خارج از دنیای مسیحیت این عمل به طور گسترده ای به اغماض نگریسته می شود و این احساس چنین رواجی داشته که ناگزیر باید بپذیریم در طبیعت حیوان و انسان ریشه های عمیقی دارد و به افراد متمایل به آن نباید به دیده ی جانی نگاه کنیم چه بسا ادبیات و هنرهای زیبایی که از عشق



## پنگوئن های عاشق

سمیرا - رشت

آن ها عاشق اند

آن ها همجنسگرا هستند

آن ها پنگوئن هستند

و آن ها تنها نیستند

وندل و کاس دو پنگوئنی هستند که در آکواریم شهر

نیویورک در جزیره "کنی" نمایشی شبیه سریال های رمانتیک تلوزیونی اجرا می کنند. از بین ۲۲ جنس نر و ۱۰ جنس ماده پنگوئن های یا سیاه افریقای این آکواریم داستان عشق وندل و کاس



زبان زد شده است. این دو نزدیک به هشت سال است که عاشقانه روز خود را شب می کنند و تا کنون با هیچ پنگوئن دیگری دیده نشده اند. این حرف ها را استفان میچل مسول نگهداری آن ها می گوید. تنها چیز ناراحت کننده ای این داستان عاشقانه که به مزاق برخی خوش نیامده این است که هر دو این پنگوئن ها نر هستند. استفان می گوید اول دیدیم این دو با هم خیلی نزدیکی می کنند و یکدیگر را می بوسند و به سر و کله هم می برند. در سال ۱۹۹۹ یک نمونه خون از آن ها گرفتیم که مشخص شد به واقع هر دوی آن ها نر هستند.



میچل همچنین به کتاب "کثرت زیست شناسی" نوشته بروس باگمیل اشاره می کند که طی تحقیقی به مطالعه رفتارهای همجنسگرایانه در بیش از ۴۵۰ گونه از حیوانات پرداخته است. خرس قهوه ای، گوریل، فلامینگو، جغد و چندین نوع از ماهی غزل آلا در میان این لیست می توان مشاهده کرد. نویسنده کتاب خود

را با این جمله آغاز می کند. "این دنیا پر است از مخلوقات همجنسگرا، دوجنسگرا و دوجنس گونه در هر شکل و گونه ای"

اما ماجرای وندل و کاس تنها شاهدان همجنسگرایی پنگوئن ها نیست. سیلو و روی دو پنگوئن دیگری هستند در باغ وحش پارک مرکزی نیویورک که به مدت چهار سال است در کنار یکدیگر زندگی می کنند. راب گرامزی مسول ارشد باغ وحش در مورد آنها می گوید: "سیلو و روی خیلی ناز و دوست داشتنی هستند مخصوصا وقتی ما یک تخم پنگوئن به آن ها دادیم خیلی ذوق زده شدند. تخمی که از یک زوج پنگوئن گرفتیم که قادر به نگهداری بچه هایشان نبودند."

سیلو و روی وظایف خودشان را بسیار عالی در مراقبت از بچه نوپای خودشان انجام می دهند با ذوق و اشتیاق به دور آن می گردند و به او غذا می دهند. مسول باغ وحش اضافه می کند جالب ترین و پر احساس ترین لحظه موقعی بود که این پنگوئن ها از نظر آناتومیکی (بدنی) مثل جنس ماده قابلیت نشستن بر روی تخم ها را نداشتند اما با علاقه فراوان با شکم خودشان آن را گرم می کردند و بچه پنگوئن را سالم بیرون آوردند.

گرفته شده از: نیویورک تایمز



اولین جام جهانی بازی های همجنسگرایان

مونترال، کانادا - جولای ۲۰۰۶



[www.montreal2006.org](http://www.montreal2006.org)



## رابطه دختر و پسر از نگاه همجنسگرا

### ماندانا طیب زاده - استرالیا

چندی پیش مطلبی را در یکی از صفحات اینترنت این جهان جعبه شده خواندم و نظرم را جلب کرد و به فکر فرو رفتم. عین اون مطلب را در اینجا آورده ام که توجه شما دوستان و خوانندگان بهترین نشریه دنیا که رسالتش چیزی جز روشننگری نیست و ما همه او را با نام چراغ می شناسیم جلب می کنم.

### رابطه دختر و پسر؛ آری یا نه؟!

تا به حال به رابطه ی دختر و پسر فکر کرده اید؟ اساس این دوستی ها را چه می دانید؟ اصلاً چقدر به این رابطه ها اعتقاد دارید؟ آیا به فواید و ضررهای آن فکر کرده اید؟ امروزه با پیشرفت تکنولوژی راه های جدید تر و آسان تر برای دوستی های دختران و پسران ایجاد شده است که

اینترنت و به خصوص چت یکی از پیش پا افتاده ترین آنها می باشد، با استفاده از مسنجرها دختران و پسران در برقرار کردن این روابط آسانتر عمل می کنند و راحت تر با یکدیگر طرح دوستی می ریزند.

معمولاً اساس این گونه دوستی ها عشق به معنای واقعی نیست چرا که عشق واژه ای است مقدس که از زوایای مختلف و از اعماق وجود انسان سرچشمه می گرد در واقع این عشق، در حالی که دوستی های دختران و پسران احساسات زود گذر است که دختران و پسران آنها به اشتباه عشق می پندارند به مانند رگبار های بهاری می ماند، هوا لحظه ای آرام است، اما چند لحظه بعد بارانی شدید در حال باریدن است و چند لحظه بعدتر هوا صاف صاف است.

متأسفانه این نوع دوستی مضرات فراوانی دارد که از جمله آنها می توان به تخریب روحیه فرد، شکست و ناکامی تخریب آینده ی رویایی و واقعی افراد، خود کشی و سوء استفاده های جنسی اشاره کرد.

بر طبق تجربه های کسب شده می توان گفت که دختران به علت احساساتی بودنشان زود تر از پسران عاشق می شوند اما به دلیل محدودیتی که دارند

نمی توانند پیش قدم شوند هر چند که امروزه دیگر محدودیت های خانواده و جامعه کمتر شده و به اصطلاح خانواده ها امروزی شده اند و سدی که دیروز وجود داشت دیگر به مانند گذشته آنچنان محکم نیست. (م- نانکلی)

با خواندن این سطور به فکر فرو رفتم. ساعت ها و جوابی نیافتم.

در جامعه ای که هنوز رفتار و ارتباط بین دو جنس مخالف که به اصطلاح خودشان نرم و طبیعی است و

هر چه با این اصل تناقض داشته باشد بیماری و انحراف است، جا نیافتاده و سوالی مبنی بر ایجاد این ارتباط پرسیده می شود ( به عنوان مطلب توجه کنید. رابطه دختر و پسر، آری یا نه؟! ) ما همجنسگرایان چه جایی در آن کشور داریم.

وقتی هنوز قوانینی مخالف روابط آزاد و انسانی بین زن و

مرد در ایران وجود دارد چگونه می توانیم همجنسگرایی خود را بدون مشکل بدانیم. چطور مردم ما می توانند با این قضیه کنار بیایند. همه چیز به دولت بر نمی گردد، ملت برای ما همجنسگرایان در درجه اول قرار دارد.

چندی پیش از خانم مهرناز خجسته ایمیل دریافت کردم که اطلاع داده بود دکتر سعید صالحی نیا با آرشام پارسی عزیز برنامه ای تلویزیونی دارند و پیرامون مسایل همجنسگرایی صحبت خواهند کرد. با شوق و ذوق این برنامه رو از روی اینترنت پیگیری کردم. حرف ها و موضوعات جالب بود اما نکته بسیار مهم آن اولین تلفنی بود که شد.

خانمی تماس گرفتند و با لحنی بد اعتراض کردند که چرا از همجنسگرایان حرف می زنند گویی که همه مشکلات ایران حل شده است و همجنسگرایان را انسان هایی بسیار کثیف خطاب کردند و شاکی از این بودند که فرزندان این ها با دیدن این برنامه ها گی می شوند و نباید در تلویزیون های ماهواره ای تبلیغ همجنسگرایی شود.



## ساخت یک فیلم در هلند

خانم آیان هیرسی علی (Ayaan Hirsi Ali) عضو حزب VVD و نماینده پارلمان هلند سناریوی فیلم Submission 2 را به اتمام رساندند. سابمیشن ۲ دنباله فیلم سابمیشن ۱ هست که این خانم به همراه آقای تی او فان خوق (Teo Van Gogh) ساخته بودند. این مطلب را سخنگوی حزب VVD در پارلمان نیز تایید کرده اند.

در سابمیشن ۱ جایگاه زن در اسلام به زبانی گویا به تصویر کشیده شده بود. البته اعتراضات زیادی هم به آن وارد شد که بیشتر از محافل مذهبی اسلامی بود حتی خانم هیرسی بارها و بارها به مرگ تهدید شدند و سکونت گاه این خانم به یک جای مخفی تغییر داده

شد که می توان تقریباً

با شرایط سلمان

رشدی نویسنده کتاب

آیات شیطانی مقایسه

کرد. به هر حال

سابمیشن ۲ با

سناریوی جدید خواهد

آمد که در آن مردان

نقش اول را بازی

می کنند. از جمله

نقش های این فیلم یک

مرد همجنسگرا است

که در مرکزیت فیلم قرار

دارد. این فیلم در سال



۲۰۰۶ بر پرده سینما خواهد رفت. در این فیلم به گفته خانم هیرسی از همجنسگرایان به عنوان مخلوقات خداوند نام برده شده است این مطلب در روزنامه فولکسکرانت که یک روزنامه معروف هلندی است چاپ شده است.

تیمی از کارگردانان و بازیگران برای همکاری در این فیلم با خانم هیرسی تماس گرفته اند. به عقیده خانم هیرسی این افراد همکاری نمی کنند چون تا پایان فیلم با مخاطب این فیلم نیز هم عقیده هستند بلکه همکاری می کنند چون که چنین فیلم هایی باید با همکاری آن ها در هلند ساخته شود! که به نظر خانم هیرسی جای تحسین دارد. به دلیل مسایل امنیتی

دکتر صالحی نیا هم این حرف را توهین به حداقل ۲ تا ۴ میلیون همجنسگرای ایرانی تلقی کردند و گفتند که همجنسگرایان اصلاً انسان هایی کثیف نیستند و بلکه انسان هایی بسیار محترم می باشند و بسیاری صحبت ها که مجال بحث آن ها نیست و امیدوارم که شما آن برنامه را دیده باشید.

هدف از بیان این مورد این بود که به راحتی می توان فهمید که مردم جامعه ایران از چه ضدفرهنگ های قوی برخوردار هستند. کاملاً خشک ذهن و انعطاف ناپذیر و جاهل هستند. البته قصد اهانت به همه ایرانیان را ندارم اما به حقیقت آن قدر تعداد این افراد زیاد هست که اگر بخواهیم آن ها را به اصطلاح گرد کنیم همه را شامل می شود.

حاضر نیستند که کمی راجع به اقشار مختلف جامعه

بشنوند. هر جا که سودی به حالشان داشت

توقف می کنند و زبان به تحسین و قدردانی باز

می کنند. اما جاهایی که مباحثی هست

منطقی و می بینند که مجبور به پذیرش هستند

و باید ذهنیات کهنه خودشان را خانه تکانی

کنند، برای فرار از این جهنم شروع به تهمت و

افترا و محکومیت های بی اساس می کنند.

تا کی باید ساکت بود و تن به این همه جهل و

نادانی سپرد؟ پیشنهاد من به عنوان یک لژیون

که سال ها هست از ایران خارج شده ام اما هر

روز اخبار و حوادث آن نقطه گیتی را دنبال

می کنم و خودم را در آنجا حس می کنم این

هست: نباید ساکت باشیم. نباید تن به جهل

دیگران بدم. نباید منتظر اسب سفیدی باشیم که بیاد

و ناجی ما شود. باید خودمان دست بکار شویم. باید با

نوشته ها، گفته ها، تصاویر، برنامه ها و هزاران هزار

راهی که ایجاد شده دست به روشننگری بزنیم.

من این جمله رو بارها از سازمان شنیدیم که نقل قول از

دوستی هست که من خاطر من نیست. "همجنسگرایان

رو قبل از اینکه بشناسد محکوم و طرد می کنند" واقعا

حقیقت این هست. باید خودمان را به دیگران

بشناسانیم و نگذاریم که ما رو طرد کنند یعنی اجازه

ندهیم. مثل کبک اگر سرمان را زیر برف کنیم شکار

خواهیم شد و جای اعتراضی نخواهد ماند.

## تحول ازدواج در بریتانیا

### برگرفته شده از بی بی سی

زوج های همجنس گرا در بریتانیا، پس از ده ها

سال مبارزه برای

حقوق برابر،

سرانجام می توانند

با یکدیگر ازدواج

کنند. البته نه ازدواج

عرفی بلکه زندگی

مشترک تحت لوای



قانون. گفته می شود از زمان اعلام قانون جدید

هزاران زوج از محضرهای ازدواج وقت گرفته اند

"قانون اشتراک مدنی" در روزهای مختلف ماه دسامبر

در اسکاتلند، ویلز، ایرلند شمالی و انگلستان به اجرا

در آمد و زوج ها از روز دوشنبه، ۵ دسامبر، اجازه یافته

اند برای برگزاری مراسم قانونی در محضرهای ازدواج

نام نویسی کنند. مدافعان حقوق همجنس گرایان

می گویند که با تصویب و اجرای این قانون، اکنون

همجنس گرایان در بریتانیا هم از حقوقی برابر با سایر

افراد برخوردارند. بنابر "قانون اشتراک مدنی"، زوجهای

همجنس که درصدد تشکیل زندگی مشترک هستند

باید دلایل تصمیم خود را به یکی از شهرداری های

محلی اعلام کنند و به ثبت برسانند. امضای اوراق

قانونی "اشتراک مدنی" برخلاف ازدواج های سنتی،

لزوما نباید در حضور افراد دیگر صورت بگیرد

### هدیه برای زوجهای همجنس

بازار هدایا برای زوجهای همجنس داغ شده است:

کارت تبریک "خانم ... و خانم ..."، "آقای ... و آقای .."،

در فروشگاه های بزرگ و زنجیره ای بریتانیا عرضه

شد. حتی روزنامه تایمز لندن از روز دوشنبه (۵

دسامبر) در صفحه آگهی های خود ستونی را به پیوند

زوج های همجنس اختصاص داده است. بنابر انتظار

مسئولان در یک سال اول بالغ بر ۴۵۰۰ زوج همجنس

در بریتانیا "ازدواج" خواهند کرد. آنها می گویند قانون

جدید به زندگی مشترک هزاران نفر - که تاکنون از دید

قانون نامرئی بوده اند - وجهه قانونی خواهد داد.

مگ مان Meg Munn، نماینده پارلمان بریتانیا در امور

تساوی حقوق، می گوید زوج هایی هستند که ۴۰

سال در انتظار چنین قانونی بوده اند چون پیوند

مشخصات افرادی که در این فیلم همکاری می کنند  
ناشناس باقی می ماند.

در سابمیشن ۱ قسمت هایی از قرآن کریم که در مورد

زنان بود مورد توجه قرار گرفت و در سابمیشن ۲

همجنسگرایی مرکزیت را تشکیل می دهد. در دنباله

ساخت سوم فیلم خداوند مورد خطاب قرار می گیرد.

این فیلم به قدری سر و صدا کرده است که جورج

کلونی چهره معروف سینما و بازیگر هالیوود خود را

حامی این فیلم دانسته و گفته که پشت این فیلم

ایستاده است. به نظر این بازیگر، سینما یک رسانه

مهمی است که باید سر صحبت در موضوعات معینی را

باز کند.

**توضیح:** تی او فان خوق نویسنده و کارگردان معروف

هلندی از خانواده فین سنت فان خوق نقاش معروف

هلندی است. او سال قبل به دست یکی از افراطیون

مسلمان مراکشی - هلندی در شهر آمستردام کشته

شد.



### کنفرانس بین المللی حقوق LGBT

در حاشیه جام جهانی همجنسگرایان

### قانون ها باید تغییر کنند

زمان: ۲۶ الی ۲۹ جولای ۲۰۰۶

مونترال - کانادا

جهت اطلاعات بیشتر می توانید با لوئیس فیلیپ

لیزوت (Louis-Philippe Lizotte) با شماره تلفن

۵۸۵۸-۲۵۲-۵۱۲-۰۰۱ داخلی ۵۰۰۲ و یا آدرس

پست الکترونیکی زیر تماس حاصل فرمایید.

[conference@montreal2006.org](mailto:conference@montreal2006.org)



## تازه های خواندنی

### روز جهانی ایدز

در هر ۱۵ ثانیه یک نوجوان بین ۱۵ تا ۲۴ سال آلوده به اچ آی وی می شود. تقریباً ۹۰ درصد از آلودگی های جدید کودکان به اچ آی وی در آفریقای جنوب صحرا انجام می شود، اما تعداد این نوع آلودگی در دیگر نقاط به ویژه در آسیا در حال افزایش است. میراندا ایلز کارشناس ارشد ارتباطات صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (یونیسف) در دومین روز از کارگاه ایدز که با همکاری UNAIDS و UNODC در دفتر مطالعات وزارت امور خارجه برگزار شد با اعلام این موضوع گفت: به همین منظور و برای جلوگیری از پیشرفت این بیماری یونیسف یک برنامه پنج ساله را در ایران با نام متحد برای کودکان، متحد علیه ایدز را در روز جهانی ایدز اول دسامبر به اجرا خواهد گذاشت. این یک بسیج همگانی است برای هشدار به جهانیان نسبت به این واقعیت که کودکان در دستورالعمل جهانی ایدز از قلم افتاده اند. وی هدف از راه اندازی این بسیج را ارائه راهکاری برای واکنش سریع و محکم از سوی تمامی کسانی دانست که به نحوی می توانند در این امر تغییر ایجاد کنند. وی در ادامه همچنین افزود: این بسیج چارچوبی برای برنامه های کشوری ارائه می کند که در آن با اجرای چهار دستورالعمل اصلی تفاوتی اساسی در زندگی کودکان متاثر از ایدز ایجاد می شود. ایلز در ادامه سخنانش با ارائه آمار نسبت به اهمیت پرداختن به این بسیج همگانی تاکید کرد و گفت: در سال گذشته که ایدز جان سه میلیون نفر را گرفت از هر شش نفر جمعیت از میان رفته یک نفر کودک زیر ۱۵ سال بوده است. این در حالی است که هر ساله ۶۴ هزار کودک زیر ۱۵ سال به اچ آی وی آلوده می شوند. اکثریت این کودکان مبتلا شده توسط مادرانشان آلوده شده اند. ولی کمتر از ۱۰ درصد مادران باردار می توانند به خدماتی که از انتقال اچ آی وی به کودکانشان جلوگیری می کند، دسترسی داشته باشند. وی همچنین اعلام کرد بنا بر یک تخمین تنها تا سال ۲۰۱۰ در آفریقای جنوب صحرا، بیش از ۱۸ میلیون کودک بیشتر از کل کودکان انگلیس حداقل یکی از والدینشان را بر اثر ایدز از دست می دهند. در ادامه این جلسه دکتر امید زمانی دیگر سخنران این کارگاه با اشاره به اینکه در

رسمی در زندگی مشترک آنها تاثیر بسزائی دارد: "آنها هم مانند دیگر زوج ها در مورد حق ارث، بازنشستگی و تملک نگران هستند." مدافعان حقوق همجنس گرایان می گویند که "قانون اشتراک مدنی" نه فقط زندگی زوج های همجنس گرا را متحول می کند بلکه همچنین جامعه بریتانیا را تغییر خواهد داد. جامعه بریتانیا اکنون رسماً رابطه همجنس گرایان را پذیرفته است. این درحالی است که یکی از گروه های مهم مذهبی در بریتانیا به بی بی سی گفته است ازدواج زوج های همجنس گرا نباید از حقوقی مساوی با ازدواج عرفی برخوردار باشد. یکی از مقامات این گروه مسیحی (Evangelical Alliance) گفت: "وقتی به موضوع ازدواج مفهومی دیگر می دهیم، باید منتظر عواقب آن هم باشیم. بهای قانون جدید ازدواج، کاهش ازدواج عرفی و تضعیف آن خواهد بود."

## غرق تمنای توام

### محمد حسن رهی معیری

در پیش بی دردان چرا فریاد بی حاصل کنم  
گر شکوه ای دارم زدل با یار صاحب دل کنم  
در پرده سوزم همچو گل در سینه جوشم همچو مل  
من شمع رسوا نیستم تا گریه در محفل کنم  
اول کنم اندیشه ای تا برگزینم پیشه ای  
آخر به یک پیمان می اندیشه را با طل کنم  
ز آن رو ستانم جام را آن مایه آرام را  
تا خوبستن را لحظه ای از خوبستن غافل کنم  
از گل شنیدم بوی او مستانه رفتم سوی او  
تا چون غبار کوی او در کوی جان منزل کنم  
روشنگری افلاکیم چون آفتاب از پاکیم  
خاکی نیم تا خویش را سرگرم آب و گل کنم  
غرق تمنای توام موجی ز دریای توام  
من نخل سر کش نیستم تا خانه در ساحل کنم  
دانم که آن سرو سهی از دل ندارد آگهی  
چند از غم دل چون رهی فریاد بی حاصل کنم



کشور باید ریشه های انگ و تبعیض را شناسایی کرد گفت: در حال حاضر در کشور انکار و بروس ایدز هم در فرد و هم در اجتماع وجود دارد. وی با اشاره به نقش رسانه ها گفت: رسانه ها با پاسخگویی اجتماعی صحیح و استفاده از واژگان درست با تکیه بر مسائل اخلاقی می توانند نقش بسیار مهمی را در این امر ایفا کنند. رسانه ها نقش اساسی در معکوس کردن روند گسترش اچ آی وی - ایدز دارند. وی در پاسخ به سؤال شرق در مورد تحصیلکردگان به ویژه پزشکانی که با اطلاع از بیماری یک مبتلا به اچ آی وی از معالجه وی سرباز می زنند، پاسخ داد: وزارت بهداشت در طول دوره های آموزشی و بازآموزی برای پزشکان باید فعالیت گسترده در این راستا انجام دهد و کارگاه های متعددی در این زمینه برگزار کند. کارگاه هایی که در طول این مدت برگزار شده بسیار کم و ناچیز است. بیژن بیرنگ فیلمساز و دیگر سخنران جلسه نیز با اشاره به اینکه تحقیقات اجتماعی در کشور اشکالاتی دارد گفت: مسئله اساسی این است که ما تحقیق صحیحی را باور نداریم

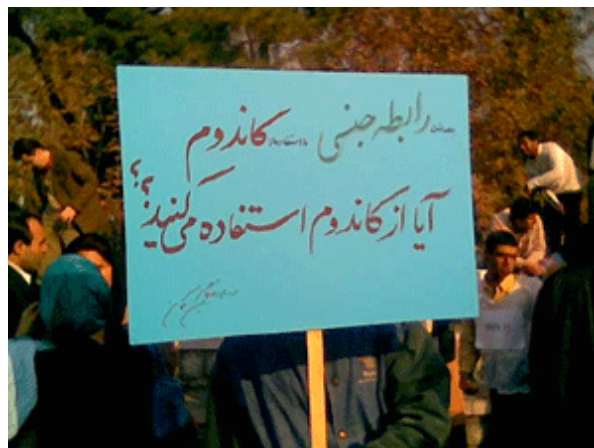


مدیر عامل برنامه ایدز در سازمان ملل متحد آموزش را بهترین سلاح در جنگ با ایدز توصیف کرد. زنان قریب نیمی از مبتلایان به ایدز را تشکیل می دهند. مسئول برنامه ایدز در سازمان ملل متحد، امروز در روز جهانی ایدز از جامعه بین المللی درخواست کرد برای مبارزه با این بیماری مرگبار آنچه را که در توان دارند بکار گیرند. دکتر پیتر پیوت مدیر عامل برنامه ایدز در سازمان ملل متحد گفت آموزش بهترین سلاح در جنگ با ایدز

است. وی همچنین گفت سرمایه گذاری در امور مرتبط با پیشگیری موجب شده است که در دور تسلسل آلودگی های جدید کاهش پیدا شود. وی گفت آمارهای جدید که نشان از کاهش ابتلای بزرگسالان در چند کشور، بخصوص در کنیا، زیمبابوه و بعضی از ممالک حوزه دریای کارائیب دارد، امیدوار کننده است. دکتر پیوت این کاهش را ناشی از تغییر در رفتار، از جمله استفاده بیشتر از کاندوم، تاخیر در انجام نخستین آمیزشهای جنسی و کمتر شدن تعداد طرفهائی که افراد برای آمیزشهای جنسی سراغ آنها میروند، دانست. وی گفت با اینحال شمار انسان هائی که در سراسر جهان با بیماری ایدز درگیر اند به بیش از چهل میلیون نفر رسیده است که از هر زمان دیگری بیشتر است. زنان، قریب نیمی از مبتلایان به ایدز را تشکیل میدهند. دکتر پیوت گفت برای کمک به معکوس ساختن روند گسترش ایدز، افزایش برنامه های پیشگیری، مداوا و مراقبت در سطحی عمده ضروری است. سازمان ملل متحد برای تشویق دولت ها به انجام تعهدات خود در مبارزه با ایدز تلاشی پنجساله را زیر عنوان "به وعده خود برای متوقف ساختن ایدز عمل کنید" به مورد اجرا گذاشته است.

کاندولیزا رایس وزیر امور خارجه آمریکا می گوید روز جهانی ایدز به مردم این فرصت را می دهد که اقدام علیه این بیماری را مورد تاکید قرار دهند. خانم رایس در پیامی تلویزیونی به مناسبت روز جهانی ایدز، که امسال زیر عنوان "به وعده خود برای متوقف ساختن ایدز عمل کنید" برگزار می شود گفت آمریکا در مبارزه با ایدز در بیش از صد کشور جهان پیشتاز است. خانم رایس گفت برنامه اضطراری پرزیدنت بوش برای کمک به مبارزه با ایدز بزرگترین برنامه ای است که کشوری در جهان بعهد گرفته است. این برنامه که حدود سه سال پیش اعلام شد برنامه ای پنج ساله و پانزده میلیارد دلاری است که بیشترین توجه آن صرف اقدام در پانزده کشوری می شود که در آفریقا، آسیا و دریای کارائیب بیشترین آسیب را از ایدز دیده اند. به مناسبت روز جهانی ایدز در گوشه و کنار آمریکا در شهرها و شهرک ها آئین های ویژه ای برگزار میشود که رعایت یک دقیقه سکوت به نشانه ادای احترام به قربانیان و برنامه های کنسرت و موسیقی هنرمندان

برای جمع آوری هدایای مردم از جمله آنهاست.



پرزیدنت بوش تعهد آمریکا به نبرد با بیماری ایدز را تجدید کرده است. آقای بوش روز پنجشنبه در مراسمی که به مناسبت روز جهانی ایدز در واشنگتن برپا شده بود، گفت جهانگیر شدن ایدز ثبات جوامع آفریقایی و رشد در آسیا را تهدید می کند. وی اظهار داشت آمریکا برای نبرد با ایدز و جلوگیری از آلوده شدن مردم به ویروس اچ آی وی، با شریکان خود در سراسر جهان همکاری می کند. آقای بوش گفت طرح آمریکا برای مقابله با ایدز و کمک به مبتلایان به آن، بزرگترین طرح بین المللی است که تا کنون یک کشور به اجرا گذاشته است. این طرح، که نزدیک به سه سال پیش اعلام شد، کوشش ۱۵ میلیارد دلاری پنج ساله ای است که بر کمک به ۱۵ ملت ایدز زده در آفریقا، آسیا و منطقه کارائیب متمرکز است

### بفرمایید سیگار - دکتر مجید ظهرابی

همه ی شما چیز هائی در زمینه ی مضرات سیگار و اثرات سوء آن بر سلامتی بدن شنیده اید حتی روی پاکت های سیگار نیز میتوان در مورد مضرات سیگار



مطالبی را دید! همه می دانید که طول عمر افراد سیگاری ۵ تا ۱۰ سال کمتر از بقیه افراد است و می دانید که سیگار ارتباط مستقیمی با سرطان ریه دارد همچنین همه ی سیستم های دیگر بدن از مصرف سیگار دچار مشکل می شوند! اگر همه ی اینها کافی نیست بدانید که سیگار خطر پیدایش موارد زیر را هم افزایش می دهد:

۱ بیماری های قلبی عروقی

۲ افسردگی

۳ پوکی استخوان

۴ اختلال در ترمیم زخمها و جوش نخوردن آنها

۵ پیر شدن و تخریب دیسک بین مهره ای

صبر کنید باز هم هست !!!

مطالعات متعدد نشان داده اند که استعمال دخانیات خطر پیدایش کمر درد را افزایش می دهد نکته ی جالبی که در این تحقیقات دیده می شود اینست که افراد سیگاری بخاطر شغلشان بیشتر از سایرین در معرض خطر کمر درد قرار دارند! خلاصه این که شیوع کمر درد در سیگاری ها بیش از سایرین بوده، سن ابتلاء به کمر درد نیز کمتر از افراد غیر سیگاریست! مخاطرات عمل جراحی در این ها بیشتر و بازگشت به کار و نیز بهبودی پس از عمل در این ها کمتر از سایرین است! حالا میل شماست دوست دارید بفرمائید سیگار!

### آناتومی ناخن



ناخن از بافت سخت و مرده ای به نام کراتین ساخته شده است و نوک حساس انگشتان را در برابر آسیب حفظ می کند. از جمله مشکلات شایع ناخن، تغییر شکل آن و درد یا التهاب پوست اطرافش است. شایع ترین علت تغییر شکل ناخن، آسیب و

عفونت های قارچی هستند. با وجود این بیشتر بیماری های پوستی رایج و از جمله پسوریازس و اگرما هم می توانند بر رشد و ظاهر ناخن ها تاثیر بگذارند. حدود ۶ ماه تا یک سال هم طول می کشد که ناخن از دست رفته جایگزین شود. بنابراین لازم است درمان مشکلات ناخن هم به همین مدت ادامه پیدا کند.

**بستر ناخن:** بستر ناخن قسمتی از بافت ناخن است که بافت عظیم و نازا نامیده می شود بخش بستر ناخن از لبه بافت زایا و جوانه زنده یا هلالی به هیپونی کیم hypony chium امتداد می یابد. بستر ناخن شامل رگ های خون، اعصاب و رنگدانه (سلولهای تولید کننده فلانین) می باشد. همانطور که ناخن از ریشه تولید می شود به سمت پایین بستر ناخن حرکت می کند که با افزودن مواد ناخن به ضخامت ناخن کمک می کند. سطح و صاف بودن بستر ناخن برای یک رشد طبیعی

آیین چراغ، خاموشی نیست!

**ریشه ناخن:** ریشه ناخن انگشت بعنوان بافت زایا (جوانه زنده) نیز شناخته شده است. این بخش از ناخن در حقیقت در زیر پوست، پشت ناخن انگشت قرار دارد و به اندازه چند میلی متر به سمت داخل انگشت امتداد می یابد. ریشه ناخن انگشت بیشترین حد ناخن و بستر ناخن (nail bed) را تولید می کند. این بخش از ناخن هیچگونه ملانوسیتی ندارد (رنگدانه ندارند) لیه بافت زایا به رنگ سفید دیده می شود و ساختار هلالی شکل آن (lunula) هلال نامیده می شود.

### بیماری های ناخن



شکندگی و ورقه ورقه شدن عمودی از قسمت نوک ناخن این حالت در ناخن در اثر تماس مفرط دست با آب و محلولهای شیمیایی بوجود می آید. در بیشتر موارد یکی از

مشخصه و علائم پیری نیز می باشد. همینطور که ما مسن تر می شویم از رطوبت و چربی طبیعی بستر ناخن کاسته می شود. این رطوبت و چربی مانند سیمانی است که لایه های ورقه ناخن را محکم در کنار هم نگه می دارد. با دیدن اولین نشانه و علائم ورقه ورقه شدن ناخن ها، آنها را هیدراته (آب رسانی) کنید. مضاف بر آن از ویتامین E و روغن ناخن که به عنوان دو چربی گیاهی هستند استفاده نمایید. روغن ناخن دارای مولکولهای بسیار ریزی است که قادر است به راحتی در لایه های ورقه ناخن نفوذ نماید. مولکولهای موجود در ویتامین E برای نفوذ در لایه سطح پوست و یا لایه های ورقه ناخن خیلی بزرگ هستند. روی ورقه ناخن و اطراف کوتیکل را حداقل دو بار در روز چرب کنید. اگر بیشتر با آب در تماس بودید به دفعات بیشتری ناخن هایتان را چرب کنید. هنگام نظافت و شستشو از دستکش استفاده کنید. بیاد داشته باشید که آب به عنوان "حلال جهانی" در نظر گرفته می شود و در واقع یک ماده شیمیایی است .

### خطوط برجسته عمودی بر سطح ناخن (به علت

#### پیری):

این عارضه از مشخصه های پیری است هر چند که محدود به پیری و جوانی نمی شود. ورقه ناخن در قسمت بستر ناخن به سمت جلو رشد می کند اما به شکل راه راه و برجسته، یعنی خطوط برجسته و

ناخن بسیار مهم می باشد. اگر این طور نباشد ممکن است ناخن شکسته شود و یا شیارهایی بر روی آن ایجاد شود که استفاده لوازم آرایشی بر روی ناخن را غیر ممکن می سازد.

**ورقه ناخن:** ناخن واقعی است که از کراتین سخت و نیمه شفاف ساخته شده است. ظاهر صورتی رنگ ناخن به خاطر رگهای خوبین زیر ناخن می باشد. زیر سطح ناخن دارای شیارهایی است در امتداد طول ناخن که به چسبیدن ناخن به بسترش کمک می کند.

**کوتیکول:** بخش cuticle ناخن انگشت، chium epony نیز نامیده می شود که بین پوست انگشت و ورقه ناخن قرار گرفته و با ترکیب این ساختارها یک مانع و محافظ ضدآب روی ناخن ایجاد می کند.

**پریونیکوم:** پوستی است که روی ورقه ناخن قرار می گیرد. این قسمت لیه paronychicol نیز نامیده می شود. این بخش محل ایجاد ریشه ناخن، ناخن های رشد نکرده و عفونت پوست که paronychia نامیده می شود می باشد.

**Hyporychium:** محل بین ورقه ناخن و نوک ناخن می باشد. اینجا محل اتصال ناخن و پوست نوک انگشت است. همچنین جایی که یک مانع ضدآب برای ناخن تولید می شود.

**رشد ناخن:** ناخن ها در تمام مدت در حال رشد هستند اما میزان این رشد با سن و circulatjion آهسته می شود. ناخن های انگشتان دست سریعتر از ناخن های انگشتان پا با میزان ۳ میلی متر در هر ماه رشد می کنند. رشد ناخن از محل ریشه تا نوک آزاد ناخن (خارج شده) ۶ ماه طول می کشد. ناخن های شست پا هر ماه ۱ میلی متر رشد می کنند و بین ۱۲-۱۸ ماه طول می کشد تا کاملاً یک ناخن جایگزین آن شود.

**ساختمان ناخن:** ساختمان ناخن که ما از ناخن می شناسیم به چند بخش معین و ویژه تقسیم می شود: ۱- ریشه، ۲- بستر ناخن، ۳- ورقه ناخن، ۴- سطح بیرونی یا کوتیکل، ۵- perionychium . هر یک از این بخشها وظیفه خاص و مشخصی دارند و اگر مشکلی در هر یک از این بخشها بوجود بیاید ظاهر ناخن بشکلی غیر طبیعی بروز خواهد کرد.

عمودي از بستر ناخن بيرون آمده و رشد مي کند. به مرور که ما مسن تر مي شويم سطح چربي و آب طبيعي ناخن کم مي شود و اين خطوط برجسته ريل مانند نمايان مي شوند. ناخن هاي راه راه شده برجسته را روزانه دوبار با جريان آب رساني و چربي و ويتامين E چرب کنيد تا بهبود يابد.

**نازک شدن ناخن:** اين عارضه به هنگام کمبود آهن در بدن در ناخن ها نمود پيدا مي کند. ناخن ها از قسمت نوک ناخن نازک، ورقه ورقه و مقعر مي شوند. براي رفع اين مشکل و اختلال در فرم ناخن بايد به پزشک مراجعه و در رفع کمبود آهن در بدن تلاش نمود.

**عفونت ناخن (گوشه کردن):** پارونيشيا يا عفونت ناخن به دو شکل حاد و مزمن ممکن است وجود بيابد. عفونت پارونيشيا در گوشه ناخن ها توسط باکترها، قارچها و بعضي از ويروس ها وجود مي آيد. لايه هاي مجاور ناخن مانند سد و محافظي ميان ورقه ناخن و بافت اطراف عمل مي کنند. اگر اين لايه ها شکافته يا شکسته شوند اين سد مي شکنند و باکترها به راحتی وارد بافت و لايه هاي ناخن مي شوند. اين نوع عفونت با متورم يا قرمز شدن و درد شديد



بروز مي کند. اين وضعيت ممکن است در افراي که دستهايشان به مدت طولاني با آب تماس دارد تشديد شود و اين عارضه شديداً واگيردار مي باشد.

**سفيدک زدن روي ناخن:** به همراه لکه

و خطوط سفيد بر روي ورقه ناخن، ممکن است حباب ها و منافذ کوچک و ريز پر از هوا که بر اثر آسيب هاي وارده به ناخن ايجاد شده اند بروز نمايد. اين وضعيت ممکن است ارثي باشد و هيچ گونه نيازي هم براي درمان نباشد.

**مراقبت طبيعي ناخن و ترميم آن:** حال که عضو ناخن را بهتر شناخته و درک مي کنيم، مي توانيم بهتر و با روشي اصولي تر از ناخن هاي خود مراقبت نماييم. در زير چند نکته جالب و ضروري آمده که در انجام اين امر مفيد خواهد بود. پوست و ناخن هاي ما همواره با جريان مداوم آب و چربي تغذيه مي شوند. هر چيزي را که ما ديده و لمس مي کنيم (غير از نور و الکتريسيته) شيميائي است. افراط در شستن دست و يا استفاده از محلولهاي پاک کننده شيميائي بدون دستکش

مي تواند به رطوبت و چربي مفيد پوست و ناخن ها آسيب زده و آنها را از بين ببرد. در نتيجه اين واکنش ناخن ها و پوست، پوسته پوسته مي شوند. آب نيز همانند تمام محصولات مربوط به ناخن یک ماده شيميائي است. قرار گرفتن بيش از حد در معرض مواد شيميائي مي تواند عکس العمل هاي اگزمائي را ايجاد کند. ورقه ناخن از لايه هاي بسياري از سلولها که مواد دروني اشان را از دست داده و صاف، سخت و شکننده مي شوند تشکيل مي شود. مقاومت در ناخن يعني ترکيبي از سختي و انعطاف پذيري. کمک به ترميم و حفظ زيبائي و سلامتي ناخن ها بر عهده متخصصين مي باشد. اما شما نيز مي توانيد به ترميم ناخن هايتان در منزل بپردازيد. ناخن هايي که شکسته و يا ورقه ورقه مي شوند دچار کمبود رطوبت و چربي هستند. بيماري ها و مشکلات ناخن بايد توسط یک پزشک تشخيص داده شوند و سپس داروهاي لازم در اين رابطه مصرف شوند. متخصصين ناخن براي تشخيص بيماري هاي ناخن و مشکلات آن تعليم داده مي شوند اما آنها مجاز به معالجه اين موارد در سالنهاي زيبائي نيستند. فراموش نکنيد که دستهايتان را مرطوب کنيد. از آنجا که بيش از ۱۰ درصد از حجم ناخن را آب تشکيل مي دهد. اگر ناخن آب خود را از دست بدهد همانند پوست، قابليت ارتجاعي اش را نيز از دست خواهد داد. ناخن هاي خشک بيشتر در معرض شکستن هستند تا خم شدن. ناخن هاي بلند بيشتر کثيف و آلوده مي شوند و نسبت به ناخن هاي کوتاه در اين حالت بيشتر احتمال برگشتن ناخن هنگام برداشتن اشيا و ورود آلودگي به داخل بستر ناخن وجود دارد. پاک کردن مستمر کثيفي و جرم جمع شده درزير ناخنها به مشکل ناخن خواهد افزود. وقتي از مرطوب کننده ها استفاده مي کنيد از بالاي دست شروع کنيد و به سمت ناخن ادامه دهيد و روي ناخن ها را با مرطوب کننده بپوشانيد. بخش کوتيکل ناخن (بخش رشد کننده بيروني) را نيز مرطوب کنيد. بخش کوتيکل ناخن مانعي است براي نفوذ رطوبت به زير ناخن. مقدار بيشتري از مرطوب کننده را بروي لايه ناخن بماليد تا از افتادن ريشه ناخن جلوگیری نمايد. ناخن انگشتان شما هر روز در معرض آسيب قرار دارند. مواد شوينده، پوليش کردن (استفاده از لاک)، چسب ناخن، مواد سفت کننده



ناخن و مواد شیمیایی خانگی همه جزو مواد آسیب رسان و مضر برای ناخن هستند. شما می توانید با استفاده از دستکش هنگام شستن ظروف و لباس ها در این راه کمک بزرگی به خود نمایید.

از تماس مستقیم با بنزین، گازوئیل، نفت، رنگ و دیگر مواد شیمیایی قوی احتراز نمایید. مانیکورها و مخصوصا مواد پاک کننده لاک ناخن (استون) ناخن را خشک می کنند و اغلب باعث شکستن و خراب شدن ناخن ها می شوند. اگر به این گونه مواد شیمیایی برخورد کردید موادی را انتخاب کنید که عاری از ماده فورمال دی هاید باشند. توصیه میکنیم مقدار ۱ فاشق چایخوری روغن کرچک را در مقدار تقریبی ۲۸ گرم آستون بریزید تا هنگام استفاده به ناخنها رطوبت برسد. ناخن هایی که به راحتی می شکنند و ترک می خورند از مشکلات احتمالی تغذیه ای خبر می دهند. ناخن ها برای سالم بودن و ماندن به مقدار زیادی کلسیم، منیزیم، پروتئین و سیلیس نیاز دارند. نوشیدن و دم کرده گیاهان گزنه و سرخس و یا خوردن کپسول های این گیاهان بطور روزانه بسیار مفید خواهد بود چرا که این گیاهان سرشار از سیلیس و دیگر مواد معدنی مهم می باشند که در رشد ناخنها بسیار موثرند. استفاده از مکمل های GLA (گل پامچال شب، گل گاوزبان یا کشمش سیاه) نیز بسیار کمک می کنند.

### چگونه به ناخن ها استحکام بخشیم؟



سلامت ناخن هایتان، شما را از ناراحتی ها

و دردهای بافت انگشتان دور می کند. ناخن

های بلندی را که همیشه آروشان را

داشته اید بدست خواهید آورد، زیاد مشکل نیست البته اگر چند نکته احتیاطی را رعایت کنید. ناخن های بلند برای سالیان طولانی دشمن خانمها بود و تحقیقات هنوز در پیدا کردن راهی درست کردن یک تقویت کننده کامل ناخن که بتواند ناخن های خشک، شکسته و ورقه ورقه شده را تبدیل به ناخن های زیبای بلند و محکمی کند آن هم در عرض دو هفته یا حتی کمتر ادامه دارد. فعلا هیچ محصول معجزه آسای واقعی برای تحقق بخشیدن به این آرزو وجود ندارد. در هر حال چند راه وجود دارد که شما بتوانید ناخن هایتان را استحکام ببخشید و یا امکان کمی بلند شدن و شاید

حفظ آنها از شکسته شدن و ورقه شدن را بیابید. یکی از دشمنان طبیعی ناخن، آب می باشد. آب ناخن ها را نرم کرده و آنها را آماده برای خراب شدن می کند. آب به همراه فعالیت شدید مثل پاک کردن، ساییدن، تراشیدن، ظرف شستن، لباس شستن و غیره این وضعیت را در ناخن تشدید خواهد کرد. وقتی که شما در حال نظافت و پاک کردن چیزی یا جایی هستید از دستکش پلاستیکی استفاده کنید، هیچ اهمیتی ندارد که از چه نوعی باشد. حتی اگر کار شما یک یا دو دقیقه هم طول می کشد، دستکشها را بپوشید بعد شروع به کار کنید. دستکش لاستیکی ناخن شما را خشک نگه می دارد. همچنین از فعالیت هایی که بطور طبیعی باعث شکستن ناخن می شوند مانند درآوردن لباس های خیس از ماشین لباسشویی و ... نیز محافظت می کند. شب هنگام قبل از خواب شما می توانید ناخن هایتان را نرم کنید. یک دستکش سفید کتانی را بردارید و قبل از اینکه به رختخواب بروید مقدار زیادی کرم بروی دستتان بمالید و دستکشها را بپوشید. این کار ناخن هایتان را نرم و انعطاف پذیر مانند خواهد کرد. مواد غذایی که شما می خورید برای انجام وظایف اندام شما بسیار اهمیت دارد. اگر می خواهید که ناخن های قوی و خوبی داشته باشید باید از تغذیه خود مطمئن باشید. کلسیم یک ماده غذایی ضروری برای داشتن ناخن های محکم است شما به میزان کافی از ویتامین D هم نیاز دارید تا بتوانید کلسیم موجود در مواد غذایی را جذب کنید. وقتی خانمها باردار هستند اغلب رشد ناخن هایشان بهتر از هر وقت دیگری است. این به خاطر افزایش قابلیت جذب مواد غذایی در این دوران می باشد.

هرگز ناخن هایتان را نخورید و از آنها استفاده ابزاری نکنید.

## اطلاعیه آغاز پروژه ایدز سازمان همجنسگرایان ایرانی

با درود فراوان

بیماری های جنسی همواره یکی از معضلات پزشکی هر جامعه ی در حال توسعه ای می باشد. بیماری ایدز که در چند دهه اخیر میلیون ها نفر را به کام مرگ کشانده است، جهان را ملزم به توجهی خاص نموده است.

تا به حال هیچ آماری از وضعیت این بیماری در بین LGBT های ایرانی گزارش نشده است لذا با توجه به نیاز آن در تعیین برنامه سازی ها بر آن شدیم تا به بررسی اختصاصی این بیماری پردازیم. آمار و نتایجی که از این پروژه به دست خواهد آمد به سازمان های معتبر جهانی ارائه خواهد شد و مبنای تصمیم گیری ها و برنامه سازی ها قرار خواهد گرفت. لذا با توجه به این مهم خواهشمند است که به نکات زیر توجه نمایید:

**الف.** این پروژه از روز اول دسامبر (دهم آذرماه) همزمان با روز جهانی ایدز آغاز خواهد شد و مدت تقریبی جمع آوری اطلاعات دو ماه در نظر گرفت شده است.

**ب.** پرسشنامه ای در این رابطه توسط دبیر امور بهداشتی سازمان جناب آقای دکتر مانی تهیه شده که به آدرس پست الکترونیکی حداقل ۲۱۵۰ نفر از اعضای سازمان ارسال می گردد، همچنین پوستری برای گرمای داشت این روز طراحی گردیده که به همراه پرسشنامه ارسال خواهد شد.

**ج.** این پروژه تنها مخصوص LGBT های ایرانی می باشد ( L=Lesbian, G=Gay, B=Bisexual, T=Transgender ) و لزومی به تکمیل این پرسشنامه توسط افراد دیگر جامعه نیست. شایان ذکر است که این پروژه به صورت جهانی انجام خواهد شد و محل زندگی شخص (خارج یا داخل کشور) مد نظر قرار گرفته و در آمار تاثیرگذار خواهد بود.

از تمامی دوستان و پشتیبانان سلامت اجتماعی دعوت می گردد که آغاز به کار این پروژه را منتشر نمایند و ما را در جذب و بررسی تعداد بیشتری از LGBT های ایرانی یاری رسانند تا بتوانیم با تحقیقات دقیق تر، نتایجی مطلوب تر بدست آوریم.

دوستان LGBT خود را در سرتاسر دنیا به مشارکت در

این پروژه تشویق نمایید.

پرسش نامه ها توسط جناب دکتر مانی ارسال خواهد شد و شما می توانید برای انجام هرگونه هماهنگی و همکاری با آدرس پست الکترونیکی [mani@pglo.org](mailto:mani@pglo.org) مکاتبه نمایید.

اطلاعات تکمیلی و فایل های متنی بر روی وب سایت سازمان به آدرس [www.pglo.org](http://www.pglo.org) ارائه خواهد شد و امکان استفاده و انتشار آن ها موجود می باشد.

### یک پیروزی و موفقیت برای پناهجویی همجنسگرا به نام سام

سام یک پناهجوی همجنسگرا است. ۲۷ سال سن دارد و مدتی پیش در حین سکس با شریک جنسی همجنس خود فاش و دیده شده و در شرایط بسیار بد خانوادگی قرار می گیرد. او توسط خانواده دوست خود تهدید به دستگیری و مرگ شده و پا به فرار می گذارد. سازمان همجنسگرایان ایرانی و کمسیون حقوق بشر آن با اقدامات و پشتیبانی های مداوم و با تماس های مکرر با دفتر کمیسری عالی پناهندگان سازمان ملل توانست در اعطای حق پناهندگی به این همجنسگرا کمک و یاری رساند.

او در اوایل آذر ماه ۸۴ موفق به دریافت حق پناهندگی شد و این یک پیروزی و شادی برای جامعه همجنسگرای ایرانی است.

جا دارد از تمامی فعالیتهای دوستان در کمسیون حقوق بشر سازمان همجنسگرایان ایرانی، آقای آرشم پارسی و سازمان سراسری پناهندگان ایرانی، خانم مینو همیلی و فدراسیون همبستگی، آقای فرشاد حسینی تشکر و قدردانی گردد که با حمایت های خود این همجنسگرا را یاری رساندند.

سام تا چند ماه دیگر به کشور آمریکا اعزام خواهد شد و زندگی جدیدی را پایه گذاری خواهد نمود.

بهترین ها را برایتان آرزومندیم و امیدواریم که شاهد موفقیت های بعدی باشیم

## یک قدم برای مجتبی به جلو رفتیم

مجتبی یک همجنسگرای ایرانی که از ایران متواری شده بود و حتما داستان زندگی او را شنیده اید. ما از تمام دوستان و مدافعان حقوق بشر و حقوق همجنسگرای دعوت کردیم که به کمک او بشتابند و با ارسال نامه ها و فاکس های خود او را پشتیبانی نمایند.

دفتر کمیسری عالی پناهندگان سازمان ملل به دلیل اینکه مجتبی قبلا به آن سازمان مراجعه کرده و او به ایران دیپورت شده بود پرونده اش را بسته اعلام کرد و این بار پرونده او را به استناد همین امر باز نمی کرد و با هر بار تلفن به مجتبی می گفتند که پرونده شما بسته است و ما هیچ مسئولیتی نداریم.

تعداد بیشمار نامه از دوستان و حامیان عزیز به دفتر سازمان ملل ارسال شد و درخواست نمودند که مجتبی را حمایت کنند و او را یاری رسانند.

بعد از ۵ ماه با توجه به درخواست های متعدد به مجتبی اعلام می کنند که پرونده او باز شده و به جریان افتاده است و قرار است تا مدتی دیگر مصاحبه ای را برای بررسی پرونده اش با او انجام دهند. این یک پیروزی است و یک قدم به جلو رفتیم تا یک همجنسگرای دردکشیده را یاری رسانیم.

مجتبی در آخرین ایمیل خود به سازمان گفت که بسیار خوشحال است و از تمامی کسانی که برای حمایت او اقدام کردند کمال تشکر را دارد و دستانشان را می بوسد.

ما مرحله بعدی کمک و یاری مجتبی را آغاز می کنیم تا حق پناهندگی را نیز به او هدیه دهند زیرا که حقی است برای او.

ما نیز از تمامی شما دوستان تشکر می نمایم و درخواست می کنیم که دست از حمایت و پشتیبانی بردارید زیرا که موفق نخواهیم شد مگر با اتحاد و همسو سازی.

## سه کاف، چه بود و چه کرد و چه خواهد کرد؟

### هلیا پرند - کانادا

به ارودی معتقدان به آزادی جنسی پیوندید

بدون در نظر گرفتن اینکه شما دارای کدام گرایش جنسی هستید، لازم دارید که برای آشنایی علمی با مسائل جنسی و برای یافتن پاسخ صدها سئوالی که در باره مسائل جنسی در ذهن خود دارید، مجله سه کاف را بخوانید.

دو سه سال پیش مجله ای فارسی زبان به اسم سه کاف روی شبکه منتشر می شد که خود را نشریه معتقدان به آزادی جنسی معرفی می کرد. و هدف آن آگاهی رسانی، تابو زدایی از مسائل جنسی و پاسخ به سئوالات بیشمار جنسی در ذهن جوانان مملکت بود. در مجموع ۴۱ شماره از سکاف منتشر و بعداً تعطیل شد تا بذر کاشته شده در جامعه ریشه بزند. بدون شک مجله سه کاف تاثیر زیادی در کشور داشت اما در آن زمان، تعداد افرادی که به اینترنت دسترسی داشتند خیلی کمتر از امروز بود. به همین دلیل من بعنوان یکی از خوانندگان سابق سکاف و برای کمک به هدفی که این مجله در نظر داشت، تمام شماره های سکاف را یک جا گرد آورده و مایل هستم که با علاقمندان و طرفداران آزادی جنسی در کشور قسمت کنم. سکاف مجله همجنسگرایی نبود اما بعنوان یک مجله طرفدار آزادی جنسی از همجنسگرایان دفاع می کرد و افراد غیر همجنسگرا که سکاف را می خوانند همه توانستند مشکل خود را با مسئله همجنسگرایی حل کنند.

به این دلیل از همه دوستان تقاضا می کنم که با مطالعه سکاف و معرفی آن به دوستان غیر گی و لزبین و همچنین افراد دور و بر خود، هم به گسترش آگاهی جنسی کمک کنند و هم خانواده و دوستان غیر گی خود را به حمایت از خویش ترغیب کنند. پس سکاف را درخواست دهید و به دوستان غیر گی /لزبین خود هم معرفی کنید. آدرس بری تقاضای مجله سه کاف:

**Helia.parand@gmail.com**

اگر دوست غیر گی/لزبین شما سکاف را بخواند، بعداً با

همجنسگرایی اتان مشکلی نخواهد داشت

## اطلاعیه همبستگی در رابطه با پناهجویان همجنسگرا از کمپین سازمان همجنسگرایان ایرانی قاطعانه حمایت کنیم

کلیه پناهجویان همجنسگرای ایرانی باید بدون قید و شرط از حق پناهندگی برخوردار شوند. کمیسیون حقوق بشر سازمان همجنسگرایان ایرانی اخیراً کمپینی را به منظور به رسمیت شناختن حق پناهندگی برای کلیه پناهجویان همجنسگرای ایرانی آغاز کرده است. همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی از این کمپین سازمان همجنسگرایان حمایت کرده و به سهم خود تلاش میکند تا بیشترین همکاری را در این کمپین داشته باشد.

همجنسگرایان ایرانی همراه با سایر اقشار مختلف مردم در زیر حکومت جمهوری اسلامی زیر سخت ترین و غیر انسانی ترین فشارها و تضيقات دولتی میباشند. جمهوری اسلامی تنها نظام سیاسی در دنیاست که برای نوع رابطه جنسی انسان ها مجازات های سخت تعیین کرده است. زندگی همجنسگرایان با به قدرت رسیدن حکومت جمهوری اسلامی و حاکم کردن قوانین و عرف و سنن ارتجاعی و اسلامی اش بر جامعه تحت انواع آزارها و تحقیرها و ستمهای جنسی قرار گرفته اند. کمترین حق همجنسگرایان فرای از این حکومت، تحت حمایت قرار گرفتن آنها بعنوان پناهنده است. همانگونه که کمترین حق برای زنان فراری از نظام زن ستیز جمهوری اسلامی حق پناهندگی است.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی اساساً معتقد است جمهوری اسلامی فاشیسم قرن بیست و یکم است که باید کلیه فراریانش تحت حمایت بین المللی بعنوان پناهنده قرار بگیرند. ما قاطعانه کمپین سازمان همجنسگرایان ایرانی را مورد حمایت قرار داده و به منظور به رسمیت شناختن حق پناهندگی این افراد از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد. ما همچنین کلیه سازمان ها و نهادهای مدافع حقوق انسانی را نیز فرا میخوانیم که کمپین دفاع از حق پناهندگی همجنسگرایان ایرانی را مورد حمایت قرار داده و این مطالبه بر حق را به دولت های پناهنده پذیر و سازمان ملل تحمیل کنند.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی

۴ نوامبر ۲۰۰۵

## کارزار مبارزه برای لغو کلیه قوانین ضد زن و مجازات های اسلامی در ایران سازمان های زنان

اگر مخالف سنگسار هستید!  
اگر مخالف حجاب اجباری هستید!  
اگر مخالف بازداشت و آزار زنان هستید!  
اگر مخالف فرود آمدن شلاق بر پیکر زنان هستید!  
اگر مخالف هر شکلی از مرد سالاری هستید!  
اگر مخالف کلیه قوانین نابرابر و قرون وسطایی جمهوری اسلامی علیه زنان هستید!

به راهپیمایی بزرگ زنان علیه قوانین زن ستیز جمهوری اسلامی در ۸ مارس ۲۰۰۶ بپیوندید!  
بیش از ۲۵ سال از حیات یکی از زن ستیز ترین حکومت های جهان می گذرد. حکومتی که ستم بر زنان و سرکوب و بی حقوقی مفرد آنان یکی از پایه های اصلی اش را تشکیل می دهد. بیش از ۲۵ سال از مبارزه و مقاومت زنان علیه فرودستی و بی حقوقی شان در همه عرصه های سیاسی، حقوقی، فرهنگی، اقتصادی می گذرد. زنان شلاق، سنگسار، زندان و شکنجه و اعدام را به جان خریدند، اما تن به احکام قرون وسطایی شریعت ندادند.

۸ مارس امسال فرصت مناسبی است که بار دیگر همبستگی خود با مبارزات زنان در ایران را اعلام کنیم. و این روز را به یک نمایش شورانگیز و پرشکوه از همبستگی جنبش زنان علیه نظام زن ستیز جمهوری اسلامی بدل کنیم. ما زنان «کارزار لغو قوانین نابرابر علیه زنان» به مناسبت روز جهانی زن در تدارک راهپیمایی بزرگی از کشور آلمان به هلند هستیم. این راهپیمایی:

جای هر زنی است که قلبش از سنگسار خواهانش در ایران لرزیده است! جای هر زنی است که طعم تلخ شلاق را در مقابل حق پوشش چشیده است! جای هر زنی است که حاضر نیست به فرودستی و نیمه بودن انسان تن دهد! جای هر زنی است که برای حق خود بر بدن خویش مبارزه می کند! جای هر زنی است که برای حق تعیین سرنوشت خود تلاش می کند! جای هر زنی است که خواهان حق طلاق، حق سفر، حق سقط جنین، حق حضانت و همه حقوق اولیه انسانی است! جای هر زنی است که حاضر نیست سرنوشتش



## نمایندگان سازمان در داخل و خارج کشور

گسترش و پیشرفت محقق نخواهد شد مگر با اتحاد و همسو سازی و هم آوازی همه ی همجنسگرایان ایرانی در سرتاسر دنیا.

سازمان همجنسگرایان ایرانی برای نیل به این هدف که همانا دفاع از حقوق همجنسگرایان ایرانی چه در داخل ایران و چه در خارج از ایران می باشد نیاز به نمایندگانی در شهرهای ایران و همچنین کشورهای مختلف در دنیا می باشد که از طرف سازمان فعالیت های منطقه ای و محلی انجام دهند.

اعطای این نمایندگی ها شرایطی در پی دارد. برای حفظ امنیت این اشخاص تدابیر خاصی در نظر گرفته شده است که خواهشمندیم در صورت تمایل با دبیر کل سازمان به آدرس [pglo@pglo.org](mailto:pglo@pglo.org) تماس حاصل نمایید. در انتظار تماس شما هستیم.

## کانون خبرنگاران و نویسندگان همجنسگرا

کانون خبرنگاران و نویسندگان همجنسگرای ایرانی پشتیبان کننده نشریه همجنسگرایان ایرانی خواهد بود. شما می توانید خبرها و نوشته های خود را با موضوعات مشخص در قالب فایل های Microsoft Word برای ما ارسال نمایید. (تا حد امکان از فونت فارسی استفاده نمایید) هیچ نگرانی نسبت به طرز نگارش نداشته باشید در صورت نیاز ما آن را ویرایش خواهیم کرد.

برای عضویت در این کانون می توانید در خواست خود را به آدرس [editor@pglo.org](mailto:editor@pglo.org) ارسال نمایید و با تکمیل فرم مخصوص کد خبرنگاری و یا نویسندگی این کانون را دریافت نمایید. شایان ذکر است که این کد پس از ارسال اولین خبر و یا متن ارسال می گردد.

را به احکام و قوانین قرون وسطایی جمهوری اسلامی بسپارد! جای هر زنی است که می خواهد دست دین از کلیه شئونات جامعه بویژه زندگی زنان کوتاه شود! این راهپیمایی جای همه زنان و مردان آزادیخواه و نیروهای سیاسی مترقی و انقلابی است که خواهان آزادی و برابری میان زنان و مردان در همه حیطه های زندگی و رفع هرگونه ستم جنسیتی هستند.

زنان و مردان آزادیخواه! حضور قدرتمندانه و متحدانه شما در این راهپیمایی موجب خواهد شد که صدای مبارزات حق طلبانه زنان ایران را هرچه رساتر به گوش مردم سراسر جهان برسانیم و جنبش جهانی زنان را علیه قدرتهای امپریالیستی که حافظ مردسالاری در گوشه و کنار و جهان هستند، تقویت کنیم. باشد تا همگام با مبارزات مردم ایران این نظام قرون وسطایی را برای همیشه به گور بسپاریم. باشد تا بر تارک این مبارزات، مطالبات و خواسته های زنان چون نگینی بدرخشد. چرا که میزان آزادی و پیشرفت یک جامعه با میزان آزادی و پیشرفت زنان آن جامعه مشخص می شود. نوامبر ۲۰۰۵

[Zan\\_dem\\_iran@hotmail.com](mailto:Zan_dem_iran@hotmail.com)

[www.karzar-zanan.com](http://www.karzar-zanan.com)



### ماهنامه ادبی اجتماعی همجنسگرایان ایرانی را کمک و حمایت می نمایم

دوستان عزیز در دلکده ما همجنسگرایان ایرانی این اقدام شما را می ستاییم و موفقیت شما را از خداوند منان خواستاریم.

برای دریافت نشریه با این آدرس مکاتبه نمایید

[delkadeh@gmail.com](mailto:delkadeh@gmail.com)

## جلسات هفتگی در پالتاک

جلسات هفتگی ویژه ای در اتاق های پالتاک برگزار می شود که ورود برای عموم آزاد است و در آن اتاق ها به بحث و تبادل نظر در موضوعات مختلف جامعه LGBT ایرانی پرداخته خواهد شد. این اتاق هر **شنبه** ساعت **۲۱:۰۰** به وقت تهران به مدت یک ساعت باز خواهد بود. اتاق های پالتاک

دسته **By Language / Nationally / Other**

نام اتاق:

**Iran-Bahse dar Gay, Lesbian, Bisexual va Transgender**  
این اتاق توسط آی دی (ID) Arsham\_Parsi باز می شود که شما می توانید آن را در لیست خود اضافه کنید.

در انتظار حضور شما در این جلسات هستیم  
لطفا دوستان خود را نیز مطلع سازید

## دل بری

**فربا - اصفهان**

آیا مجله مد را دریافت کرده اید؟ اگر نه لطفا ان را با ارسال نامه ای به **editor@pglo.org** درخواست نمایید.



## نظرخواهی

بدینوسیله به اطلاع می رساند که نشریه ماهانه چراغ در نظر دارد برای پیدا کردن نقاط ضعف و قدرت فعالیت خود در طول نه پیش شماره گذشته به جمع آوری انتقادات و پیشنهادات شما عزیزان پردازد. لذا از تمامی دوستان عزیز درخواست می گردد که در این همه پرسشی شرکت کرده و ما را در راهنمایی یاری کنید تا آن باشیم که شما می خواهید. لطفا پاسخ خود را در پایان هر سوال بنویسید.

سعی شده بود در هر شماره موضوعی را مد نظر قرار دهیم. از نظر شما موضوعات انتخاب شده چگونه است؟

کیفیت نگارش و لحن مقالات، صفحه آرایی و ستون بندی نشریه را چگونه ارزیابی می کنید؟  
ویرایش و تایپ متون و تنوع مطالب موضوعی را چگونه می بینید؟

نظر خود را در مورد طرح های روی جلد بیان کنید.  
کیفیت و تعداد تصاویر بکار رفته در نشریه چگونه است؟  
چه موضوعاتی تا به حال می بایست مطرح می شده که هنوز راجع به آن بحث نگردیده و اهمیت دارد؟  
روند حرکت نشریه پیشرونده بوده یا پسرونده و نشریه خودتان را چگونه می خواهید؟

چه عنوان هایی را در نشریه می پسندید و خواهان افزایش آن ها هستید و نیز چه عنوان هایی را در نشریه نمی پسندید و ترجیح می دهید که حذف گردند؟

نشریه از نظر تعداد صفحات و حجم فایل های پی دی اف شده چگونه است؟

آیا ادامه کار نشریه چراغ را مفید می دانید؟  
کیفیت سرمقاله ها چطور است؟  
پاسخ دهی به نامه های ارسالی شما به نشریه چطور است؟

نظراتان را راجع به چاپ نشریه و ارسال آن به داخل کشور را بیان کنید؟

اگر نشریه چراغ در ایران به فروش می رسد آیا حاضر به خرید و پرداخت حق عضویت آن بودید؟  
چنانچه موردی هست که در سوالات مطرح نشده است لطفا بیان کنید.

## شما با پیام

هم میهن گرامی،

بسیار متأسف شدم از اخباری که در رابطه با همجنسگرایان شنیدم و ای کاش زودتر با سازمان و سایت شما آشنا شده بودم. من در آلمان زندگی می‌کنم. صاحب یک دختر هستم و افتخار می‌کنم که همسر یک بانوی ایرانی است. همچنین افتخار می‌کنم که شما گرامیان که با این حکومت ضد بشری مبارزه می‌کنید. من به ۳۵۰۰ آدرس ایمیل دسترسی دارم و این فریاد و خشم شما همزمان را چه در ایران چه در سرتاسر جهان پخش خواهم کرد.

به امید آن روز روشن

فدای شما، یک دوست و یک هم میهن

### شاهین

با عرض سلام خدمت دوستان عزیز

من یک فرد دگرجنسگرا هستم و اصلاً هم موضوع گی را بد نمی‌دانم چون اگر بد بود خدا اون رو تو وجود انسان‌ها نمی‌آفرید. امیدوارم همیشه موفق باشید. در ضمن اگر برای شما ممکن هست مایل هستم که مجله شما را داشته باشم هر چند نمی‌دونم که آدم غریبه رو تو جمعیتون راه می‌دید یا نه؟ باز هم متشکرم

### مهرداد - تهران

وافتعا این بیش از این که من بتوانم بگویم وحشتناک است. من از دنیای اسلام متعجبم. من یک مرد انگلیسی هستم و در لندن زندگی می‌کنم. وقتی که زنی را سنگسار می‌کنند من دیوانه می‌شوم و اما وقتی که ما سعی می‌کنیم که به کمک بشتابیم به خیلی چیزها مجکوم می‌شویم. مسلمانانی که در انگلستان هستند می‌گویند که ما نمی‌توانیم اسلام را درک کنیم (اما من فهمیدمش و با خیلی از آن مخالفم) بهترین توصیه پناهجویی برای همجنسگرایان است. من متأسفم از اینکه این پیشنهاد را می‌دهم اما می‌خواهم که کمکتان کنم

### نیک از لندن (Nick)

با سلام

نمی‌دونید که اینجا خیلی سخت هست. طرز نگاه

کردن، طرز برخوردی که با آدم می‌شود به خصوص از طرف هموطنان مقیم خارج از کشور. البته این چیزهایی هست که بارها با آن مواجه شده‌ام ولی فکر نمی‌کردم در خارج از ایران نیز هم وجود داشته باشد. خیلی دوست دارم از محیطی که به آدم به این صورت نگاه می‌کنند دور شوم.

### دیما - سوئد

به همه عزیزان در سازمان همجنسگرایان ایرانی سلام، راستش را بخواهید من از اولین روزهایی که این سازمان در حال شکل گرفتن بود همیشه پی‌گیر کارها و فعالیت‌های این سازمان بوده‌ام. از همان روزهایی که با نام *persian gay boy* فعالیت می‌کرد، همین الان خبری رو خوندم در مورد ایجاد یک خیرگذاری مستقل و جذب اخبار و خبرنگار از گوشه کنار دنیا من با این نامه می‌خواستم آمادگی خودم رو واسه این کار اعلام کنم، امیدوارم که بتونم همواره مطالب زیبا و به درد بخور و در شان تهیه و ارسال کنم.

به هر حال همواره دوست دارم که همراه این سازمان دوست داشته‌باشم و همیشه از اینکه این سازمان تونسته تا این حد گسترش پیدا کنه خیلی خوشحالم و امیدوارم که روزی مقر اصلی این سازمان در داخل ایران خودمون باشه

منتظر جواب شما هستم

با ارزوی موفقیت روز افزون برای سازمان PGLO و همه همجنسگرایان ایرانی

### پسر یخی

### تماس با نمایندگان سازمان

نماینده سازمان در آلمان

جناب آقای آندره

andre@pglo.org

نماینده سازمان در سوئیس

جناب آقای کیا احمدی

kia@pglo.org

نماینده سازمان در اتریش

جناب آقای کیارش رستم زاده

kiarash@pglo.org

نماینده سازمان در هلند

جناب آقای صبا راوی

saba@pglo.org

### تماس با مدیران سازمان

جناب آرین ورجاوندی

دبیر اول سازمان

pglo@pglo.org

سرکار خانم ترانه فروهر

دبیر دوم سازمان

pglo@lycos.com

جناب آقای آرشام پارسی

سخنگوی سازمان

دبیر کمیسیون حقوق بشر سازمان

hrc@pglo.org

جناب آقای پیام شیرازی

دبیر امور فرهنگی

سردبیر نشریه همجنسگرایان ایرانی - چراغ

editor@pglo.org

سرکار خانم آرزو صالحی

مدیریت صدای همجنسگرایان ایرانی

radio@pglo.org

سرکار خانم مهرناز خجسته

مدیریت سیمای همجنسگرایان ایرانی

tv@pglo.org

جناب آقای کیا احمدی

دبیر امور آموزشی

kia@pglo.org

جناب آقای پدram پارسا

دبیر امور اجتماعی

pedram@pglo.org

جناب آقای مانی

دبیر امور بهداشتی

mani@pglo.org